

آثار عجیب نماز

مؤلف: محمدباقر نبی نژاد

ناشر: زائر - آستانه مقدسه

نوبت چاپ: پنجم

تاریخ چاپ: زمستان ۱۳۸۷ ش

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

مقدمه

دنیای شگفت‌انگیز نماز، دنیایی است بسیار لذت‌بخش و شیرین و در عین حال بسیار ناشناخته! دنیایی که ما را به خداوند تبارک و تعالی یعنی آن کسی که همه چیز به دست اوست، پیوند می‌دهد و از خاصیت و درون مایه‌ی حیات بهره‌مند می‌نماید. دنیایی که به عنوان معراج انسان مطرح می‌باشد. دنیایی که از طریق ابعاد گوناگون خودش مثلاً نماز جماعت، انسان نمازگزار را با انسان‌های مؤمن و پرهیزگار و خوب و صمیمی پیوند می‌دهد.

دنیایی که انسان را با مکانی پاک و باطراوت و مصفا مانند مسجد، آشنا می‌سازد. دنیایی که از طریق نماز شب، در انسان، روح مبارزه با شهوت خواب را زنده نگه می‌دارد. دنیایی که از طریق نماز جمعه انسان را با مسائل و مشکلات

[صفحه ۱۶]

جامعه بشری به خصوص دنیای اسلام آشنا می‌سازد که همه‌ی این سمت و سوهای نماز در نوع خودش از ضروریات زندگی بشری می‌باشد. اموری که به عنوان تمدنی عظیم در افق زندگی انسان مطرح است. لذا آنچه که در این مجموعه تحت عنوان آثار عجیب نماز مطرح می‌گردد، تلاشی است برای شناساندن بعضی از ابعاد نماز، و از آنجا که ابعاد گوناگون نماز برای معصومین علیهم‌السلام به نحو شایسته‌ای شناخته شده بود، سعی کردم در ابتدای هر فصلی از کلمات گهربار آنان استفاده نمایم. در ادامه، جهت شناخت هر چه بهتر و بیشتر با موضوع کتاب، به خصوص برای نوجوان و جوانان عزیز، از حکایات و داستانها استفاده شده است، که امید است این مجموعه مورد رضایت حضرت حق و مورد قبول شما خوانندگان گرامی قرار گیرد. این جانب این مجموعه را به روح تابناک حضرت فاطمه علیها‌السلام تقدیم می‌نمایم تا بلکه از این طریق مرا مورد عنایت خویش قرار دهد و دست مرا در دنیا و آخرت بگیرد. انشاءالله.

[صفحه ۱۹]

نماز

با توجه به اینکه همه‌ی ارزشها و کمالات در خداوند تبارک و تعالی خلاصه می‌شود و انسان هم نسبت به خداوند در فقر ذاتی به سر می‌برد ناگزیر باید ارتباط خوب و مستمری با حضرت حق داشته باشد. در سایه‌ی همین ارتباط است که انسان به هدف خلقت خودش نزدیک می‌شود و سرزندگی و طراوت انسانی و نیرو برای مبارزه با شیطان و جهات ناصواب را به ارمغان می‌آورد. که البته هر چه این ارتباط آگاهانه‌تر و از سر شوق و شور و خضوع بیشتر باشد آثار و برکاتش بیشتر است.

و جلوه‌ی زیبا و پرفایده‌ی این ارتباط با خداوند، همان نماز است. انسان وقتی در برابر حضرت حق به رکوع و سجده می‌رود و یا وقتی که در حالت قیام، جملات زیبای ای‌ک نعبد «تنها تو را می‌پرستم» و ای‌ک نستعین «تنها از تو یاری می‌جویم» را بر زبان

[صفحه ۲۰]

جاری می‌سازد در حقیقت، ضمن پرستش خداوند، با ماهیت حقیقی خودش آشنا می‌شود. به بیان دیگر، خداوند از طریق نماز و ذکر آن و اعمالی مثل رکوع و سجده، به نوعی به انسان درس خودشناسی و انسان‌شناسی می‌دهد. درسی که اگر انسان در ورای اعمال و اذکار نماز، خوب به آن فکر کند، درمی‌یابد که در این جهان خلقت جز به خداوند نباید فکر کند و به کسی جز او بها ندهد و شایسته است که مسیر تفکر و فعالیت خودش را متوجه او سازد. درس دیگر نماز به انسان این است که همه‌ی حمدها و ستایش‌ها از آن خداست چرا که فقط او بخشنده و مهربان است و هر بخشنده و مهربانی، صفت بخشنده‌گی و مهربانی را از او گرفته است. نماز به انسان می‌گوید که فقط خداوند شایسته‌ی عبادت است و فقط در برابر او باید سر تسلیم فرود آورد و این یعنی درس آزادگی و عزت‌مندی.

نماز به انسان می‌گوید جز خدا به کسی و چیزی امیدوار مباش، چرا که همه چیز از آن اوست و همه کس محتاج او می‌باشند و هر چه دارند از آن خداوند است. و نماز راه راست و حقیقی را به انسان نشان می‌دهد راهی که اگر انسان آنرا نشناسد در تمام عمر، تلاش و هستی خویش را صرف بیراهه می‌نماید و بدا به حال کسانی که چند روز زندگی را بدون هدف و شناخت راه راست طی نمایند.

[صفحه ۲۱]

خوب است که جهت آشنا شدن با آثار و برکاتی که نماز در دنیا و آخرت انسان دارد به چند حدیث و داستان و حکایت اشاره نمائیم.

اولین حساب

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

أول ما يحاسب به يوم القيامة الصلاة، فمن أجاب فقد سهل عليه ما بعده، و من لم يجب فقد اشد ما بعده.

نخستین چیزی که در روز قیامت، بازخواست می‌شود، نماز است پس هر کس پاسخ داد، مرحله‌های بعد بر او آسان می‌شود و هر کس پاسخ ندهد، بر او سخت می‌گردد. [۸].

[۸] المعجم الكبير، ج ۱۲. [۹] المعجم الكبير، ج ۱۲.

برترین کار بندگان

رسول الله صلى الله عليه و آله - في كلامه لاسامه -: عليك بالصلاة فانها أفضل أعمال العباد، لأن الصلاة رأس الدين و عمود، و ذروة سنامه.

[صفحه ۲۲]

پیامبر خدا صلى الله عليه و آله در گفتارش به اسامه: پیوسته نماز بخوان که آن برترین کار بندگان است. چون نماز سر دین و ستون و تارک آن است. [۸].

[۸] التحصين لابن فهد.

ستون دین آسمانی اسلام

پیامبر اکرم صلى الله عليه و آله فرمود:

مثل الصلاة مثل عمود الفسطاط، اذا ثبت العمود نفعت الأطناب و الأوتاد و الغشاء، و اذا انكسر العمود لم ينفع طناب و لا وتد و لا غشاء. نماز، مانند ستون خیمه است؛ اگر ستون برپا باشد ریسمانها و میخها و پرده سود می‌رساند و هنگامی که ستون بشکند نه ریسمان سودی دارد و نه میخ و پرده. [۸].

[۸] کافی ج ۳ ص ۲۶۶، تهذیب ج ۲ ص ۲۳۸.

نقش سر در کالبد

پیامبر اکرم صلى الله عليه و آله فرمود:

انما موضع الصلاة من الدين كموضع الراس من الجسد.

[صفحه ۲۳]

جایگاه نماز در دین، مانند سر در کالبد است. [۱]

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

إذا كان يوم القيامة يدعى بالعبد فأول شيء يسأل عنه الصلاة، فان جاء بها تامة و الا زج به في النار.

روز قیامت که در رسید، بنده را می خوانند و نخستین چیزی که از او می خواهند، نماز است. اگر آن را درست بیاورد [که رستگار شده است] و گرنه در آتش انداخته می شود. [۲].

[۱] الفردوس ج ۴ ص ۱۵۷.

[۲] أمالی طوسی.

نماز، دژ محکم است

حضرت علی علیه السلام فرمود:

الصلوة حصن من سطوات الشيطان.

نماز قلعه و دژ محکمی است که نمازگزار را از حملات شیطان نگاه می دارد. [۱].

[۱] غررالحکم ص ۵۹.

باران رحمت

حضرت علی علیه السلام فرمود: الصلوة تنزل الرحمة.

نماز رحمت الهی را نازل می کند. [۱].

[صفحه ۲۴]

[۱] غررالحکم، ص ۵۲.

برهان روز قیامت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

خمس صلوات من حافظ علیهن کانت له نوراً و برهاناً و نجاتاً یوم القیامة.

کسی که بر نمازهای پنجگانه محافظت و مراقبت نماید این نمازها برای او در قیامت، نور و حجت و وسیله‌ی نجات خواهد بود. [۸].

[۸] کنز العمال، ج ۷، حدیث ۱۸۸۶۲.

خشم خداوند

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

من ترک صلاة لقی الله و هو علیه غضبان.

هر کس نمازی را نخواند، خداوند را ببیند که بر او خشمناک است. [۹].

[۹] المعجم الكبير ج ۱۱ ص ۲۳۴.

تباه شدن عمل

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

من ترک الصلاة متعمداً أحبط الله عمله.

[صفحه ۲۵]

هر کس نماز را از روی قصد ترک کند، خداوند عملش را تباه می‌کند. [۱۰].

[۱] مسند ابی حنبل ج ۹ ص ۱۲.

بی‌نمازی و کفر

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

من ترک الصلاة متعمداً فقد کفر جهاراً.

هر کس نماز را عمداً ترک کند، آشکارا کفر ورزیده است. [۱]

[۱] عوالی اللالی ج ۲ ص ۲۲۴.

نماز و پاکیزگی اعمال

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

أول ما یسأل العبد اذا وقف بین یدی الله جل و عزه عن الصلاة، فان زکت صلاته زکا سائر عمله، و ان لم تزک صلاته لم یرک عمله.
هنگامی که بنده در پیشگاه خداوند می‌ایستد، نخستین چیزی که از او می‌خواهند نماز است. پس اگر پاکیزه بود اعمالش هم پاکیزه می‌گردد و اگر پاکیزه نبود، اعمال دیگرش هم پاکیزه نمی‌شود.

[صفحه ۲۶]

نماز نور است و نجات و حجت

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگام ذکر نماز فرمود:

من حافظ علیها کانت له نوراً و برهاناً و نجاه من النار یوم القیامة، و من لم یحافظ علیها لم تکن له نوراً و لا نجاهاً و لا برهاناً.
هر کس بر نماز مواظبت ورزد، روز قیامت برایش نور و حجت و نجات از آتش می‌شود و هر کس مواظبت نورزد نه نور است و نه نجات و نه حجت. [۱].

[۱] مسند ابن حنبل ج ۲.

به اندازه زمین تا آسمان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

ان الرجلین من امتی یقومان فی الصلاة، و رکوعهما و سجودهما واحد، و ان ما بین صلاتیهما مثل ما بین السماء و الأرض. دو نفر از امتم به نماز می ایستند و رکوع و سجودی یکسان دارند. حال آن که نمازهایشان به اندازه آسمان و زمین از هم دور است. [۱].

[صفحه ۲۷]

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

إذا قام العبد الی صلاته و کان هواه و قلبه الی الله انصرف لیوم ولدته امه. هر گاه بنده به نماز بایستد و گرایش و دلش به سوی خدا باشد، همچون روزی که از مادر زاده شده، باز می گردد. [۲].

[۱] عوالی اللالی ج ۱ ص ۳۲۲.

[۲] المحجة البيضاء، ج ۱، ص ۳۸۲.

کلید خوبی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

الصلاة مفتاح کل خیر.

نماز کلید هر خوبی است.

بی نمازی و بی دینی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

لا سهم فی الاسلام لمن لا صلاة له.

کسی که نماز نمی گذارد، بهره ای از دین ندارد. [۱].

[۱] دعائم الاسلام، ج ۱ ص ۱۳۳.

به اندازه‌ی دنیا

ابوهریره می‌گوید:

مر النبی صلی الله علیه و آله علی قبر دفن حدیثاً، فقال: رکعتان خفیفتان مما تحقرون و تنفلون یزیدهما هذا فی عمله أحب الیه من بقیه دنیاکم.

پیامبر بر قبر شخصی تازه دفن شده، گذشت پس فرمود: اگر این شخص بتواند دو رکعت نماز مختصر بر اعمالش بیفزاید، برایش محبوب‌تر از بقیه‌ی دنیایتان است. [۱].

[۱] المعجم الأوسط ج ۱ ص ۲۸۲.

برترین کارها

عبدالله عمرو می‌گوید: مردی به خدمت پیامبر آمد و از برترین کارها پرسید:

پیامبر خدا فرمود: نماز.

سپس گفت: دیگر چه؟

فرمود: نماز.

باز گفت: دیگر چه؟

گفت: نماز.

پس از آن که همچنان بر پرسش خود پای فشرد، پیامبر گرامی فرمود: پیکار در راه خدا. [۱].

[۱] مسند ابن حنبل ج ۲ ص ۵۸۰.

برترین وسیله تقرب به خدا

معاویة بن وهب می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام پرسیدم: برترین وسیله تقرب بندگان به خدایشان و محبوبترین آن نزد خداوند چیست؟
حضرت فرمود: پس از معرفت، برتر از این نماز، چیزی نمی‌شناسم. نمی‌بینی که بنده‌ی شایسته‌ی خدا، عیسی بن مریم علیه‌السلام گفت: «خدا مرا تا زنده‌ام به نماز و روزه سفارش کرده است.» [۱].

[۱] کافی ج ۳ ص ۲۶۴.

نماز وسیله‌ی شیطان زدائی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

لا یزال الشیطان یرعب من بنی ادم ما حافظ علی الصلوات الخمس فاذا ضیعهن تجرء علیه و اوقعه فی العظائم.
شیطان پیوسته از فرزندان آدم در وحشت و هراس است، تا آنگاه که نمازهایش را محافظت نماید (به دقت و اول

[صفحه ۳۰]

وقت و با شرایط و آداب بخواند)، پس اگر نماز را ضایع نماید شیطان بر او چیره می‌شود و او را در گناهان کبیره وارد می‌کند. [۱].

[۱] بحار الانوار ج ۸۲ ص ۲۰۴.

نزدیک‌ترین حالات

امام صادق علیه‌السلام فرمود:

اقرب ما يكون العبد الى الله و هو ساجد.

نزدیکترین حالات بنده به پروردگار سجده است. [۸].

[۸] ثواب الاعمال ص ۶۰.

زنده نگه داشتن یاد خدا

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«انما فرضت الصلاة... لاقامة ذكر الله»

نماز واجب شده است... برای برپا داشتن یاد خدا. [۸].

[۸] احیاء علوم دین ج ۱ ص ۲۸۸.

دوری از کبر

حضرت علی علیه‌السلام فرمود:

فرض الله الايمان تطهيراً من الشرك، و الصلاة

[صفحه ۳۱]

تنزيهاً عن الكبر

خداوند ایمان را جهت پاک کردن از شرک، و نماز را برای دوری از کبر واجب کرد. [۸].

[۸] نهج البلاغه حکمت ۲۵۲.

نماز و پذیرش دعا

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

من أدى فريضة فله عندالله دعوة مستجابة.

هر کس نمازی واجب بگذارد، نزد خداوند یک دعای پذیرفته دارد. [۱].

[۱] امالی مفید ص ۱۱۸.

خاموش نمودن آتش گناهان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

ما من صلاة يحضر وقتها الا نادى ملك بين يدى الناس، أيها الناس قوموا الى نيرانكم التي أو قدتموها على ظهوركم فاطفئوها بصلواتكم»

نمازی نیست که وقت آن برسد مگر این که فرشته‌ای بین مردم فریاد می‌زند: ای مردم بپاخیزید! آتشی را که افروخته‌اید با نمازتان خاموش نمائید. [۱].

[صفحه ۳۲]

[۱] بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۰۹.

حکمت نماز

امام رضا علیه‌السلام فرمود:

«حکمت نماز، اقرار به ربوبیت خداوند تبارک و تعالی و شریک نگرفتن برای اوست. ایستادن در پیشگاه جبروت الهی، با خواری و بیچارگی، افتادگی و اعتراف و درخواست بخشش گناهان گذشته است. صورت نهادن بر خاک در هر روز برای بزرگداشت خداوند جل جلاله است، تا به یاد او فروتن و خوار و خواهان و مشتاق فزونی دین و دنیای خود باشد.

افزون بر این‌ها، نماز، ذکر خداوند عزوجل و دوام آن در شب و روز است تا بنده، مالک و مدبر و آفریدگارش را از یاد نبرد و گرنه سرکشی و طغیان می‌کند و این در یاد کردن پروردگار عزوجل و ایستادن در پیشگاهش نهفته است، که او را از سرپیچی نهی می‌کند و از انواع فساد باز می‌دارد.» [۱]

[۱] الفقیه ج ۱ ص ۲۱۴.

نماز نور است

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:
الصلاة نور المؤمن، و الصلاة نور من الله.
نماز، نور مؤمن است، نماز نوری از خداوند است. [۱].

[صفحه ۳۳]

[۱] المعجم الكبير ج ۱۹ ص ۱۰۶.

زینت اسلام و چراغ دل مؤمن

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:
ان لكل شيء زينة و زينة الاسلام الصلوات الخمس، و لكل شيء ركن و ركن المؤمن الصلاة، و لكل شيء سراج و سراج قلب المؤمن الصلوات الخمس.
هر چیز را زینتی است و زینت اسلام، نمازهای پنجگانه است و هر چیز پایه‌ای دارد و پایه‌ی مؤمن، نماز است و برای هر چیز، چراغی است و چراغ دل مؤمن، نمازهای پنجگانه است. [۱].

[۱] جامع الاخبار - ۱۸۳.

نماز شخص مسواک زده

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:
رکعتان بسواک أفضل من سبعین رکعةً بغير سواک.
دو رکعت نماز (کسی که) مسواک زده، بهتر از هفتاد رکعت نماز بدون مسواک است. [۱].

[۱] خصال ص ۴۸۱.

نماز شخص عطرزده

امام صادق علیه السلام فرمود:

رکعتان یصلیها متعطر أفضل من سبعین رکعة یصلیها غیر متعطر.

دو رکعت نماز که شخص عطرزده می خواند، برتر از هفتاد رکعت نماز شخص عطرزده است. [۱].

[۱] خصال ص ۱۶۶.

نماز هدیه ای برای خوبان

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

ألا أن الصلاة مادية الله فی الأرض قد هیایها لأهل رحمته فی کل یوم خمس مرات.

آگاه باشید که نماز یک طعام (خوشمزه و لذیذی) در روی زمین از جانب خداوند سبحان است که حق تعالی آن را برای کسانی که مورد لطف او هستند در هر روز پنج نوبت آماده کرده است. [۱].

[۱] مستدرک الوسائل ج ۱.

موجب تهیدستی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

ألاستخفاف بالصلاة تورث الفقر.

سبک شمردن نماز، موجب فقر و تهیدستی می شود. [۱].

[۱] چهل حدیث، ص ۳۷.

اثر طول دادن نماز

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

من أطال الصلاة خفف الله عنه القيام يوم القيامة، يوم يقوم الناس لرب العالمين.

هر کس نماز را طول بدهد، خداوند در روز قیامت، روزی که مردم برای پروردگار جهانیان می ایستند، ایستادن را از او برمی دارد. [۸].

[۸] کافی.

وسيله‌ی ارتباط بنده با خداوند

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

خداوند متعال فرموده است: نماز را بین خود و بندهام دو نیمه کرده‌ام و آنچه بخواهد به او می‌دهم. پس هنگامی که بنده

[صفحه ۳۶]

می‌گوید: (الحمد لله رب العالمین) خداوند متعال می‌گوید: بندهام مرا ستود. و هنگامی که گفت: (الرحمن الرحیم) خداوند متعال می‌گوید:

بندهام مرا ستایش کرد و هنگامی که گفت: (مالک يوم الدين) می‌گوید: بندهام مرا بزرگ داشت.

و هنگامی که گفت: (ایک نعبد و ایک نستعین) می‌گوید: این میان من و بندهام می‌باشد و آنچه خواست به او می‌دهم.

پس هنگامی که گفت: (اهدنا الصراط المستقیم) می‌گوید: این برای بندهام می‌باشد و آنچه خواست به او می‌دهم. [۸].

[۸] صحیح مسلم ج ۱ ص ۲۹۶.

معنای بالا بردن دست‌ها در تکبیر

شیخ صدوق گوید: مردی از امیرمؤمنان پرسید: ای پسر عموی بهترین آفریده‌ی خداوند متعال، معنای بالا بردن دست‌ها در تکبیر

نخست چیست؟

فرمود: معنایش این است: خدا بزرگتر، یکتا و بی‌همتاست، مانند ندارد، با دست لمس نمی‌شود و حواس پنجگانه، او را در نمی‌یابد. [۸].

[۸] علل الشرایع ص ۳۲۰.

معنای دو سجده

احمد بن علی راهب گوید: مردی به امیرمؤمنان عرض کرد: ای

[صفحه ۳۷]

پسر عموی بهترین آفریده‌ی خدا، معنی سجده‌ی نخست، چیست؟ فرمود: حقیقتش این است: خدایا همانا تو مرا از آن - یعنی از زمین - آفریدی و معنای سر برداشتن این است: ما را از خاک خارج کردی.
و (معنای) سجده‌ی دوم: و به آن باز می‌گردانی و (معنای) سر برداشتن از سجده‌ی دوم: و بار دیگر ما را از آن خارج می‌کنی.
آن مرد گفت: (معنای) بلند کردن پای راست و افکندن بر پای چپ در تشهد چیست؟ فرمود: حقیقتش این است: خدایا باطل را بمیران و حق را برپا دار. [۸].

[۸] علل الشرایع ص ۳۳۶.

نماز پاک کننده است

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر در خانه‌ی یکی از شما نه‌ری باشد و هر روز پنج بار خود را بشوید آیا از آلودگی چیزی در بدن باقی می‌ماند؟ گفتند: نه! فرمود: نماز مثل همان نهر جاری است هر گاه شخص نماز می‌گذارد از گناه پاک می‌شود. [۸].

[۸] درس سخنوری ج ۳ ص ۲۰.

نماز و ایجاد روحیه

امام صادق علیه‌السلام فرمود:

ما یمنع أحدکم اذا دخل علیه غم من غموم الدنیا

[صفحه ۳۸]

أن يتوضأ، ثم يدخل المسجد فيركع الركعتين يدعو الله. فيها اما سمعت الله يقول: و استعينوا بالصبر و الصلوة.
وقتی غمی از غم‌های دنیا بر یکی از شما وارد شد وضو بگیرد، سپس داخل مسجد شود و دو رکعت نماز بخواند، مگر جز این است که خداوند بزرگ می‌فرماید: به کمک صبر و نماز از خداوند سبحان یاری بجوئید. [۸].

لئوبوسکالیا یکی از روانشناسان معاصر می‌گوید:

شاید برایتان عجیب باشد که بدانید اگر کسی را داشتید که برای ده دقیقه برای او درد دل می‌کردید و او شما را دعوا نمی‌کرد، هرگز دچار عارضه‌ای روحی و روانی نمی‌شدید و اولین محرم رازهای شما خداست.

[۸] مجمع‌البیان، ج ۱ ص ۱۰۱.

آثار عجیب نماز

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: نماز از آیین‌های دین است، در آن خشنودی پروردگار عزوجل است، راه روشن پیامبر صلی الله علیه و آله است و نمازگزار محبت فرشتگان را با خود دارد. هدایت و ایمان، نور معرفت، برکت در روزی، آسایش تن، ناپسندی برای شیطان،

[صفحه ۳۹]

سلاحی برای کافر، پذیرش دعا، قبول اعمال، توشه‌ی مومن از دنیا به سوی آخرت، شفیع میان او و فرشته‌ی مرگ، انس او در گورش، فرش زیرش و پاسخ منکر و نکیر است. و نماز بنده هنگام محشر، تاجی بر سر اوست و نوری بر چهره‌اش، پوشش کالبدش، پرده‌ای میان او و آتش، حجتی میان او و پروردگار بزرگ و با شکوهش، نجات تنش از آتش، برکه عبور از صراط، کلیدی برای بهشت، مهریه‌ی حورالعین و بهای بهشت است. بنده با نماز در فراز می‌آید، زیرا نماز تسبیح و تهلیل (لا اله الا الله گفتن) و سپاس و بزرگداشت و مدح و تنزیه و سخن گفتن (با خدا) و دعاست. [۹].

[۹] خصال ص ۵۲۲.

ممانعت از کارهای زشت

انس گوید: جوانی از انصار همراه پیامبر نماز می‌گذارد و کارهای زشت هم می‌کرد. این مطلب را به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفتند.

فرمود: روزی، نمازش او را باز می‌دارد. [۱۰].

[۱] مجمع‌البیان ج ۸ ص ۴۴۷.

نماز بازدارنده‌ی الهی

امام صادق علیه‌السلام فرمود:

الصلاة حجة الله، و ذلك أنها تحجز المصلی عن

[صفحه ۴۰]

المعاصی مادام فی صلاته، قال الله عزوجل: (ان الصلاة تنهى عن الفحشاء و المنکر).

نماز بازدارنده‌ی الهی است؛ زیرا نمازگزار را تا آنگاه که در نماز است از گناهان باز می‌دارد. خدای عزوجل می‌فرماید: همانا نماز از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد. [۱].

[۱] توحید ص ۱۶۶.

آخرین سفارش پیامبر اکرم

بکر بن محمد لازدی می‌گوید: در خدمت امام صادق علیه‌السلام نشسته بودم که ابوبصیر از ایشان راجع به حورالعین پرسید و گفت: جعلت فداک، أخلق من خلق الدنيا أو خلق من خلق الجنة؟ فقال له، ما أنت و ذاک، عليك بالصلاة، فان آخر ما أوصی به رسول الله صلی الله علیه و آله و حث علیه الصلاة.

فدایت شوم، آنان از مخلوقات دنیایی‌اند یا از مخلوقات بهشتی؟ امام فرمود: تو را به این‌ها چه کار؟ بر نماز مواظبت کن. همانا آخرین چیزی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بدان سفارش و ترغیب کرد، نماز بود. [۱].

[صفحه ۴۱]

[۱] قرب‌الاسناد.

نماز به روح انسان پرواز می‌دهد

حضرت علی علیه‌السلام در نماز چنان غرق به خدا می‌شد که از هر چیز دیگر غیر از خدا غافل می‌شد. در جنگ صفین تیری بر ران مقدسش وارد شد هر چه کردند تا تیر را در موقع عادی خارج نمایند از شدت درد و ناراحتی آن حضرت نتوانستند. خدمت امام حسن علیه‌السلام جریان را عرض کردند. فرمود: صبر کنید تا پدرم به نماز بایستد زیرا در آن حال چنان از خود بیخود می‌شود که به هیچ چیز متوجه نمی‌گردد. به دستور حضرت مجتبی علیه‌السلام در حال نماز تیر را بیرون آوردند. بعد از نماز علی علیه‌السلام متوجه شد که خون از پای مقدسش جاریست. پرسید چه شد. عرض کردند تیر را در حال نماز از پای شما بیرون کشیدیم. [۸].

[۸] داستان‌ها و پندها (محمدی اشتهاردی) ص ۱۴۷.

حق نماز

امام سجاد علیه‌السلام فرمود: حق نماز آن است که بدانی درآمدن بر خداوند عزوجل است و تو در پیشگاه خداوند عزوجل ایستاده‌ای. پس اگر این را دانستی، همچون بنده‌ای خوار و کوچک، خواهان و هراسان، امیدوار و ترسان، بیچاره و گریان،

[صفحه ۴۲]

با وقار و اطمینان به بزرگداشت همو که در برابرش ایستاده‌ای، می‌پردازی و با دلت به او رو می‌آوری و نماز را با حدود و حقوقش برپا می‌داری. [۸].

[۸] خصال ص ۵۶۶.

نماز پناهگاه است

حضرت علی علیه السلام فرمود:
الصلاة حصن من سطوات الشيطان.
نماز، پناهگاهی در برابر حمله‌های شیطان است. [۸].

[۸] غرالحکم ص ۲۲۱۲.

فلسفه‌ی نماز در نظرات دانشمندان غربی

دکتر الکسیس کارل برنده‌ی جایزه‌ی نوبل می‌گوید:

دعا و نماز قویترین نیروئی است که چون قوه‌ی جاذبه‌ی زمین، وجود حقیقی و خارجی دارد. در حرفه‌ی پزشکی، خود من مردانی را دیده‌ام که پس از آن که تمام معالجات، دیگر در حال آنان موثر واقع نشده بود به نیروی دعا و عبادت از بیماری مالیخولیا رهائی یافتند.

دعا و نماز، چون رادیوم، یک منبع نیروی مشعشعی است که خود به خود تولید می‌شود.

[صفحه ۴۳]

ویلیام جیمز استاد دانشگاه هاروارد می‌گوید:

امواج خروشان سطح اقیانوس هرگز آرامش اعماق آن را بر هم نمی‌زند، و در نظر کسی که به حقایق بزرگتر و با ثبات‌تر دستاویز دارد. فراز و نشیب‌های هر ساعت زندگی، چیزهای نسبتاً بی‌اهمیتی جلوه می‌کند. بنابراین یک شخص واقعاً متدین، تزلزل ناپذیر و فارغ از هر دغدغه و تشویش است و برای انجام هر گونه وظیفه‌ای که روزگار پیش آورد با خونسردی آماده و مهیا می‌باشد.

انسان در حال نماز مورد لطف خاص الهی است

روزی امام سجاد علیه السلام سرگرم نماز بود و کودک نازنینش امام محمدباقر علیه السلام درون چاه عمیقی که در خانه بود، افتاد. فریاد همسر امام برخاست و از امام سجاد علیه السلام که در نماز بود، درخواست کمک کرد. حضرت، همچنان به نماز ادامه داد. همسر امام نزدیک حجره آمد و با ناراحتی امام را مورد خطاب خویش قرار داد. ولی امام از نماز باز نایستاد، تا آنکه نمازش را به جای آورد.

سپس کنار چاه آمد و دست مبارک را درون چاه برد و بدون آنکه از طناب کمک بگیرد فرزندش محمد را بیرون کشید در حالی که کودک روی دست مبارک حضرت به بازی

[صفحه ۴۴]

و خنده مشغول بود بدون آنکه بدن و لباسش تر شده باشد. آنگاه کودک را به مادر سپرد و فرمود: این فرزندت ای کسی که یقینت به خدا ضعیف است و به دنبال آن فرمود سرزنش بر تو نیست من در مقابل خداوند جبار بودم و اگر از او روی می‌گرداندم. او از من روی بر می‌گرداند. چه کسی در این حال به من ترحم می‌کرد. [۸].

[۸] خلوتگه راز ص ۲۷۵.

سه ویژگی ویژه برای نمازگزار

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

(للمصلی) ثلاث خصال: تتناثر الرحمة علیه من قدمه الی عنان السماء، و تحف به الملائكة من قرنه الی اعنان السماء، و ینادی مناد: لو علم المناجی من یناجی ما انفتل.

(برای نمازگزار) سه ویژگی است: رحمت الهی او را از کف پایش تا کرانه‌ی آسمان در بر می‌گیرد و فرشتگان از روی سرش تا کرانه‌های آسمان گرداگرد او را می‌گیرند و فریاد کننده‌ای ندا در می‌دهد: اگر مناجات کننده می‌دانست با که مناجات می‌کند، باز نمی‌گشت. [۸].

[صفحه ۴۵]

[۸] ثواب الاعمال ص ۵۷.

نماز در هر منزل

در احوال رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است: «رسول خدا صلی الله علیه و آله در منزلی کوچ نکرده، مگر آن که در آن، دو رکعت نماز خواند و فرمود: تا این محل در روز قیامت بر نماز خواندن من گواهی دهد». [۸].

[۱] مستدرک الوسایل ج ۸ ص ۲۴۵.

اثر نماز در کسب و تجارت

ابوطیبار که یکی از بازرگانان کوفه بود در اثر پیش آمدهای ناگوار، هستی و سرمایه‌ی خویش را از دست داده بود. لذا در مدینه به محضر امام صادق علیه‌السلام شرفیاب شده بود و وضع خود را برای آن حضرت شرح داد. امام برای درمان نگرانی و تجدید فعالیت به او فرمود: به کوفه که برگشتی دکانت را باز کن و تطهیر نما، بعد به او فرمود: اذا أردت ان تخرج الی سوقک فصل رکعتین، ثم قل فی دبر صلوتک توجهت بلا حول منی و لا قوه، ولكن بحولک یا رب و قوتک فانت حولی و منک قوتی». موقعی که خواستی به بازار بروی و فعالیت تازه‌ی خود را

[صفحه ۴۶]

شروع کنی، دو رکعت نماز بخوان، پس از آن بگو: بار خدایا، من به نیروی شکست خورده و روح باخته‌ی خویش متکی نیستم، تنها تکیه‌گاه من قدرت شکست ناپذیر توست، پروردگارا قدرت و نیروی من تویی». ابوطیبار گفت: بعداً کارم به قدری خوب شد که مرکب‌های سواری تهیه کردم. غلامان و کنیزان خریدم و خانه ساختم. [۱].

[۱] کودک از نظر وراثت - ج ۲.

نماز موجب آرامش عجیب

حاج آقا رستمی، نماینده‌ی ولی فقیه در نیروی دریایی سپاه چنین نقل می‌کرد: سال ۱۳۶۵ بود. در اهواز در سوله‌ای جمع شده بودیم برای نماز. تیپ ۲۱ امام رضا علیه‌السلام در آن جا مستقر بودند زمانی بود که بمباران‌های شهری بسیار زیاد شده بود. عده زیادی آمده بودند. نماز مغرب و عشاء بود. وسط نماز عشا بود که آژیر قرمز کشیده شد. من که امام جماعت بودم کمی تردید کردم، اما هیچ جنبشی بین نمازگزاران ایجاد نشد. من نماز را ادامه دادم. بمباران شروع شد. ما در سوله بودیم. صدای وحشتناکی به

[صفحه ۴۷]

گوش می‌رسید، اما نماز قطع نشد. زمانی که نماز تمام شد، برگشتم نگاه کردم با مسئله غریبی روبه‌رو شدم. عده‌ی نمازگزاران از زمان شروع بیشتر شده بود. در آن جا بود که عظمت نماز و صاحب نماز برای من روشن شد. واقعاً «الا بذكر الله تطمئن القلوب» و اگر کسی به یاد خدا باشد به وسیله‌ی نماز مخصوصاً با نماز جماعت، همیشه در آرامش است و از چیزی هراس نخواهد داشت.» [۸].

[۸] پیشانی سوخته، ص ۸۱.

پنج نفر نمازی ندارند

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

خمسة ليس لهم صلاة: امرأة سخط عليها زوجها... و مصارم لا يتكلم أخاه فوق ثلاثة أيام، و مدمن خمر، و امام قوم یصلی بهم و هم له کارهون.

پنج نفر نمازی ندارند: زنی که شوهرش بر او خشمگین است... و شخصی که با برادرش قطع رابطه کرده و بیش از سه روز با او گفتگو نکند و آن که پیوسته شراب می‌نوشد و امام گروهی که برای آنان نماز می‌خواند و حال آن که او را دوست ندارند. [۸].

[صفحه ۴۸]

[۸] عوالی اللالی ج ۱ ص ۲۶۷.

سبب پذیرش نماز

ابوحازم گوید مردی به امام سجاد علیه‌السلام عرض کرد: چه چیز سبب پذیرش نماز است؟ فرمود: ولایت ما و برائت از دشمنانمان.

امام صادق علیه‌السلام فرمود:

خداوند تبارک و تعالی فرموده است: نماز را تنها از کسی می‌پذیرم که در برابر بزرگی من سر فرود آورد و خود را به خاطر من از شهوت‌ها ننگه دارد و روزش را با یاد من سپری کند و بر آفریده‌های من بزرگی نکند، گرسنه را سیر کند و برهنه را بپوشاند، بر مصیبت زده رحم آورد و غریب را پناه دهد.

پس نور این شخص چون خورشید می‌درخشد و برایش در تاریکی‌ها نور، و در نادانی‌ها، دانائی، قرار می‌دهم. با عزتم او را نگاه می‌دارم و با فرشتگانم از او نگهداری می‌کنم. مرا می‌خواند، پاسخش می‌دهم از من درخواست می‌کند، می‌دهم. حکایت او نزد من حکایت باغ‌های بهشت است، که میوه‌هایش خشک نمی‌شود و حالت آنها دگرگون نمی‌گردد. [۸].

نماز موجب مساوات

هراس لیف دانشمند اروپائی درباره‌ی نماز می‌گوید:
من بسیار از کلیساها و معبدها را دیده‌ام که در آن جاها

[صفحه ۴۹]

مساوات برقرار نیست و طبیعتاً معتقد بودم که باید همین تبعیض در داخل معابد اسلامی هم حکمفرما باشد. ولی هنگامی که در روز عید فطر، در مسجدی در لندن، ملاحظه کردم که عالی‌ترین نوع مساوات در میان مسلمانان وجود دارد، سخت دستخوش حیرت گردیدم من دیدم که نژادهای مختلف و شخصیت‌های عالی و دانی، در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و برادرانه مشغول عبادت هستند. مانند آن را در مسجد نوینیاد از بلاد ممباساه نیز دیدم که کارگران با سیاستمداران دست می‌دهند و تکلفات و تشریفات از میان آنها برداشته شده است. هیچ کس در هیچ مقامی، از ایستادن در کنار دیگران برای نماز ناراحت نیست. صفها کاملاً منظم و همه در یک ردیف ایستاده‌اند. زیرا آنجا امتیازی نیست و همه در پیشگاه خداوند برابرند. هیچ کس را بر دیگری رجحان نیست. [۱].

[۱] خلوتگه راز ص ۲۰۳.

عطای الهی به خاطر رکوع

در کتاب مصابح الشریعة از امام صادق علیه‌السلام چنین نقل شده: هیچ بنده‌ای نیست که رکوع نماید و حق رکوع را ادا کند، مگر آنکه خداوند تبارک و تعالی او را با نور درخشانش مزین می‌نماید و با سایه کبریائی‌اش بر او سایه می‌افکند و با لباس برگزیدگانش او را

[صفحه ۵۰]

ملبس می‌فرماید. رکوع زیباترین و بهترین نوع خشوع و خضوع در محضر خداوند سبحان است.
چنین حکایت نموده‌اند که ربیع بن خیشم، همه‌ی شب را تا به صبح در یک رکعت سپری می‌کرد و چون صبح می‌شد، آه می‌کشید و می‌گفت: ای وای که اهل خلاص بر ما سبقت گرفتند. [۱].

نماز موجب ریزش گناهان

ابوعثمان می‌گوید: با سلمان فارسی زیر درختی نشسته بودیم که ناگاه وی شاخه‌ی خشکیده‌ای را گرفت و تکان داد تا آن که تمام برگ‌هایش به زمین ریخت سپس رو به من کرد و گفت: نمی‌پرسی چرا چنین کردم؟ پس از پرسش من، گفت: یک روز در خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله زیر درختی نشسته بودم حضرت همین کار را انجام داد و سپس رو به من کرد و فرمود نمی‌پرسی چرا چنین کردم؟

عرض کردم: بفرمائید. فرمود: هنگامی که انسان وضو می‌سازد و نیکو وضو می‌گیرد و به دنبال آن نمازهای پنجگانه را بجا می‌آورد گناهان او فرو می‌ریزد، همان گونه که برگهای این شاخه فرو ریخت. سپس این آیه را تلاوت فرمود:... ان الحسنات يذهبن السيئات. [۸]

[صفحه ۵۱]

نماز و غذای بهشتی

بعد از آنکه سه روز بر حضرت علی علیه‌السلام و همسر گرامیش زهرا علیها‌السلام گذشت که چیزی به عنوان غذا نخورده بودند، علی علیه‌السلام وارد منزل شد، دید که رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته و حضرت فاطمه علیها‌السلام نماز می‌خواند و بین آن دو نفر چیزی سرپوشیده است. وقتی که حضرت فاطمه علیها‌السلام از نماز فارغ شد روپوش از آن برداشت دید کاسه‌ای بزرگ از غذا (نان و گوشت) است، حضرت علیه‌السلام فرمود: یا فاطمه این از کجا برایت آمده؟ گفت: از جانب خدا نازل گردید، خدا به هر که بخواهد روزی می‌دهد.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: آیا می‌خواهید من نظیر این را برای شما نقل کنم؟ گفت: بلی. فرمود: یا علی، مثال شما مثل زکریا است که هر وقت بر حضرت مریم وارد می‌شد می‌دید که او در محراب عبادت است و در پیشگاه وی خوراک مهیا نهاده است. می‌فرمود: ای مریم این از کجا برایت آمده؟ مریم در جواب می‌گفت: از جانب خدا، خدا به هر که بخواهد روزی می‌دهد. [۹].

اثر تربیتی نماز انسان بر دیگران

روایت شده که هارون الرشید فرستاد به نزد حضرت موسی بن جعفر علیه السلام

[صفحه ۵۲]

در وقتی که در حبس بود، کنیزی عاقله و صاحب جمال که آن جناب را در زندان خدمت نماید و ظاهراً نظرش در این کار آن بود که شاید حضرت به سوی او میل نماید، و قدر او در نظر مردم کم شود. یا آنکه برای ترضیع آن جناب بهانه به دست آورد. و خادمی فرستاد که تفحص از حال او نماید، خادم دید آن کنیز را که پیوسته برای خدا در سجده است، و سر بر نمی‌دارد، و می‌گوید: «قدوس قدوس سبحانک سبحانک سبحانک» پس او را به نزد هارون بردند، دیدند از خوف خدا می‌لرزد چشم به آسمان دوخته و مشغول به نماز گشت، از او پرسیدند که این چه حالت است که پیدا کرده‌ای، می‌گفت: عبد صالح را دیدم که چنین بود و پیوسته آن کنیز به همین حال بود تا وفات کرد. [۸].

[۸] منتهی الآمال ج ۲، ص ۷۸۲.

نمازی که بزم عشرت شیطانی را بهم ریخت

در آن زمان یکی از فرزندان مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی به نام حاج میرزا محمد، معروف به آقازاده، مقیم مشهد بود و عالمی بسیار متفرد بود. مرحوم آقازاده که در رتق و فتق امور وارد بود، افراد زیادی داشت، هر کدام برای انجام کاری. یکی از آنها مردی بود به نام حاج علی اکبر که از همه «مشتی‌تر» بود

[صفحه ۵۳]

و غالباً سلاح کمری در زیر لباس داشت و محافظ آقا بود. این حاج علی اکبر برای من که حسینعلی راشد هستم نقل کرد که در ایام زمستان برای سرکشی به املاک آقا به نیشابور رفته بودم. در مراجعه به مشهد در راه، بین «شریف آباد» و مشهد، برفگیر شدیم و در قهوه‌خانه «حوض حاج مهدی» ماندیم. غیر از ما جمعی دیگر نیز به همان قهوه‌خانه پناه آورده بودند. شب فرا رسیده بود که اتومبیلی از طرف مشهد رسید و چهار نفر از جوانان پولدار و خوشگذران که چهار خانم را با خود داشتند و نمی‌دانم به کجا می‌خواستند برای خوشگذرانی بروند به سبب برف و تاریکی ناچار به همین قهوه‌خانه پناه آوردند.

آمدن آنها در آن شب تاریک برفی در میان کوهستان، بزم عشرتی مجانی برای مسافران به وجود آورد، جوانان بطریهای مشروب و خوراکیها را چیدند و زنها بعضی به خوانندگی و بعضی به رقص پرداختند. در گرما گرم این بساط در قهوه‌خانه باز شد و مرحوم حاج آخوند ملا عباس تربتی با سه چهار نفر که از تربت به مشهد می‌رفتند و مرکب‌شان الاغ بود از ناچاری برف و تاریکی شب، رو به همین قهوه‌خانه آورده بودند و از صاحب قهوه‌خانه اجازه می‌خواستند که به آنها جایی بدهد و او می‌گفت:

سکوی آن طرف خالی است. حاج علی اکبر می‌گفت: من با مشاهده‌ی این وضع هراسان شدم و گفتم که نکنند یا از جانب

[صفحه ۵۴]

حاج آخوند نسبت به اینها تعرضی بشود و یا از جانب اینها به آن مرد اهانت شود و آماده شدم که اگر خواستند به حاج آخوند اهانت کنند در مقام دفاع برآیم هر چه بادا باد. لکن حاج آخوند وارد قهوه‌خانه شد به طوری که گویا نه کسی را می‌بیند و نه چیزی می‌شنود و به سوی آن سکو رفت و چون نماز مغرب و عشاء را نخوانده بودند از قهوه‌چی پرسیدند قبله کدام طرف است؟ و او سمت قبله را نشان داد.

حاج آخوند به نماز ایستاد و آن چهار نفر به وی اقتدا کردند. یکی اذان گفت و حاج آخوند اقامه گفت و وارد نماز شدند. من هم غنیمت دانستم و وضو گرفتم و اقتداء کردم. چند نفر دیگر نیز از مسافران از بزم عشرت رو برگردانده و به صف جماعت پیوستند. قهوه‌چی نیز گفت: غنیمت است یک شب اقلان نمازی پشت سر حاج آخوند بخوانیم خلاصه وقتی که از نماز فارغ گشتیم از جوانها و خانمها اثری نبود. بساط خود را جمع کرده بودند و نفهمیدم در آن شب برفی به کجا رفتند. [۸].

[۸] فضیلت‌های فراموش شده ص ۱۱۸ و ۱۱۷.

نماز مؤمن به همراه فرشتگان

حسن صیقل از ابی عبدالله امام صادق علیه‌السلام از کمترین تعداد

[صفحه ۵۵]

جماعت پرسش کرد. امام علیه‌السلام فرمود: یک مرد و زن و اگر کسی در مسجد حاضر نباشد، مؤمن به تنهایی جماعت است؛ زیرا زمانی که اذان و اقامه گفت، دو صف از فرشتگان در پشت سر او به نماز می‌ایستند، و اگر تنها اقامه گفت یک صف از فرشتگان به او اقتدا می‌کنند و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است مؤمن به تنهایی حجت و به تنهایی جماعت است.

ابن سینا و حل مشکلاتش با نماز

ابن خلکان در تاریخ خود در شرح حال ابن سینا بزرگ حکیم و دانشمند معروف می‌نویسد:
چون بر ابوعلی سینا مشکلی پیش می‌آمد بر می‌خاست وضو می‌ساخت و قصد مسجد جامع شهر را می‌کرد و نماز می‌گذازد و خدا را می‌خواند که آن مسئله‌ی مشکل را بر وی آسان کند و آن بسته‌ی پوشیده را به رویش بگشاید. چنانکه خودش بدین نکته اشاره کرده است:

هر گاه در مسئله‌ای متحیر می‌ماندم، به مسجد می‌رفتم و نماز می‌خواندم و به مبدع کل و آفریدگار جهان می‌نالیدم، باشد که مشکل مرا به من بگشاید و آن سختی را بر من آسان نماید. [۱].

[صفحه ۵۶]

[۱] سیمای فرزندگان ص ۱۷۱.

رهائی از تاریکی وحشت‌زا

جان افکون از وکلای شهر هوستون در ایالت تکزاس پس از آنکه پیشامد جانکاهی بر او وارد شد و نزدیک بود دست به خودکشی بزند، می‌گوید:.... سپس به خاطر آمد که رو به خدا بیاورم و شکایت خود را به پیشگاه او عرضه کنم. حرکت کردم و رفتم که نماز بخوانم، و به درگاه خدا تضرع و زاری سر دهم تا مرا در کارم هدایت کند و در این تاریکی وحشت‌زا مرا از خطا و لغزش نجات دهد و در کارم موفق سازد، تا شاید از این راه بتوانم ثروتی به دست آورم که زندگی خود و خانواده‌ام را اداره نمایم. همین که از نماز و تضرع به درگاه خداوند فارغ گشتم، چیزی نگذشت که برای من معجزه‌ای پیش آمد ناراحتی فکری من برطرف شد و تمامی ترس و اندوه‌ها کنار رفت و در خود شهامت و شجاعت و ایمان و امید مشاهده کردم. [۱].

[۱] خلوتگه راز ص ۲۰۴.

نماز و تحول قلبی

از فضل بن شاذان روایت شده که حضرت رضا علیه‌السلام در بیان تشریح عبادت فرمود: آنان را به عبادت دعوت کرد تا او را

[صفحه ۵۷]

فراموش نکنند و از راه و رسم ادب الهی جدا نشوند و نسبت به دستورات و نواهی او بی تفاوت نگردند. زیرا خیر و مایه‌ی حیات آنان، در این امور است و اگر از عبادت روی‌گردان شوند، با گذشت روزگار، دلهایشان سخت می‌شود. [۸].

[۸] عیون اخبارالرضا، ج ۲.

اگر نمازخوان بیمار شود؟!

امام صادق علیه‌السلام فرمود: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله سرش را به سوی آسمان بلند کرد و خندید. شخصی پرسید: «دیدم سرت را به آسمان بلند کرده و خندیدی؟ علتش چه بود؟» فرمود: آری، خنده‌ام از این بود که تعجب نمودم از دو فرشته‌ای که از آسمان به سوی زمین آمدند و در جستجوی مؤمن صالح بودند که همیشه او را در مصلاهی (محل نماز) خود می‌دیدند، تا اعمال او را بنویسند، و به آسمان ببرند، ولی این بار او را در محل نماز خود ندیدند، به سوی آسمان عروج نمودند و به خدا عرض کردند: پروردگارا بنده‌ی تو را در محل نمازش ندیدیم تا اعمال نیکش را بنویسیم، بلکه او را در بستر بیماری دیدیم. خداوند به آنها فرمود: برای بنده‌ام تا وقتی که بیمار است مثل آنچه در حال سلامتی از کارهای نیک در شبانه‌روز انجام می‌داد

[صفحه ۵۸]

بنویسید، بر ما است که تا او در حبس (بیماری) است، پاداش اعمال خیر را که هنگام صحت انجام می‌داد بنویسیم. [۹].

[۹] داستان‌ها و پندها ج ۶ ص ۱۳۰.

نماز موجب اصلاحات

در روایتی آمده است: مردی بر زنی نظر داشت، زن شوهر خویش را آگاه ساخت، شوهر گفت به او بگو چهل بامداد در نماز جماعت حاضر شود آنگاه من تسلیم تو خواهم بود. آن مرد پذیرفت و چند روز پیاپی به نماز آمد، و به زن پیغام داد که توبه کردم و تقاضائی ندارم. زن جریان را به شوی خویش بازگفت، شوهر گفت: «ان الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر» یعنی می‌دانستم که نماز او را اصلاح می‌کند. [۱۰].

[۱۰] جامع الاحادیث ج ۲ ص ۱۲.

نماز بهتر است یا بهشت؟

از صاحب‌دلی حکایت شده است که، روزی به یاران می‌گفت اگر بین ورود به بهشت و دو رکعت نماز مخیرم کنند، من آن دو رکعت نماز را بر می‌گزینم. پرسیدندش که این چگونه بود؟ گفت از آن رو که من در بهشت به حظ خویش مشغولم و در آن دو رکعت به گذاردن حق مولایم، این دو را قیاس با هم نتوان کرد. [۱].

[صفحه ۵۹]

[۱] کشکول شیخ بهائی ص ۴۵۹.

نماز و رفع بیماری چشم

از داود بن عبدالرحمن نقل است که یونس گفت:

بین دو چشم سفیدی پدید شد. وارد شدم بر حضرت صادق علیه‌السلام و از این پیشامد نالیدم، آن حضرت فرمود: خود را پاکیزه کن و دو رکعت نماز بخوان و بگو:

یا الله یا رحمن یا رحیم یا سمیع الدعوات یا معطی الخیرات اعطنی خیر الدنیا و خیر الآخرة و قنی شر الدنیا و شر الآخرة و اذهب عنی ما اجد فقد غاظنی الأمر و احزنتی. [۱].

یونس گفت آنچه حضرت فرمود انجام دادم، و خدا دردم را از بین برد. خدا را شکر. [۲].

[۱] بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۷۸.

[۲] نماز اگر به معنای واقعی کلمه نماز باشد به واسطه‌ی اینکه معراج است و وسیله‌ی ارتباط با مرکزیت امید و اراده، واقعاً چه کارها که نمی‌کند!.

نماز و رفع تب

محمد بن ابی الحسن الصفار می‌گفت: وارد شدم بر حضرت صادق علیه‌السلام و حال آن که تب داشتم. حضرت از من احوال پرسید.

فرمود: چه شده است که من تو را ضعیف می‌بینم؟

[صفحه ۶۰]

عرض کردم: قربانت گردهم تب شدید دارم.

حضرت فرمود: هر گاه یکی از شماها تب‌دار شد به تنهائی داخل خانه شود و دو رکعت نماز بخواند و صورت راست خود را بر زمین بگذارد و بگوید:

یا فاطمة بنت محمد استشفع بک الی الله فیما نزل بی.

ای فاطمه! دختر محمد صلی الله علیه و آله از این عارضه تو را نزد خدا شفیع قرار می‌دهم و از تو شفاعت می‌جویم ان شاء الله شفا خواهید یافت. [۸].

[۸] مکارم‌الاخلاق، ص ۳۹۶. البته باید توجه داشت که دارو و درمان از طریق پزشک جای خود دارد، ولی آنچه از مطالعه‌ی متن ذکر شده به نظر می‌رسد اینکه نماز دارای نقش ارتباطی بسیار قوی با آن خدائی است که در دعای کمیل می‌خوانیم: «یا من اسمہ دواء» و «ذکره شفاء».

نماز و رفع بیماری

اسماعیل بن عبدالله می‌گوید:

من به شدت مریض شده بودم، تا اینکه تمامی همسایه‌ها و اقوام و خانواده مایوس شدند. روزی حضرت صادق علیه‌السلام بر ما وارد شد و مادرم را در حال جزع و گریه دید که جهت بیماری من می‌گریست، حضرت به او فرمود:

[صفحه ۶۱]

وضو بساز و دو رکعت نماز بخوان و در سجده به خدا بگو: «اللهم أنت وهبته لی و لم لک شیئاً مهبه لی هبةً جدیدةً». پس مادرم به دستور امام عمل کرد. هنگامی که صبح شد، مادرم حلیم درست کرده بود، با آنها خوردم. [۸].

[۸] مکارم‌الاخلاق، ص ۳۹۵.

سبب تقویت روحیه

در مواظب و نصایح حضرت عیسی علیه‌السلام می‌خوانیم که به حواریون چنین توصیه فرمود:

ای یاران من! به حق به شما می‌گویم: هیچ چیزی از عبادات و خیرات، در رسیدن و توفیق یافتن به شرف و منزلت آخرت، و هیچ یاور و ناصری بر حوادث و مشکلات دنیا بهتر و رساتر از نماز دائمی نیست، و چیزی به خدای مهربان نزدیک‌تر از نماز نمی‌باشد. پس

مداوم، نماز به جا آورید و نماز بخوانید. و هر عمل صالح و شایسته‌ای که انسان را به خدا نزدیک می‌کند، و نماز از همه‌ی آنها به خدا نزدیک‌تر است و از یک امتیاز بیشتری در نزد خداوند تبارک و تعالی برخوردار است.[۸].

[صفحه ۶۲]

[۸] نماز از دیدگاه قرآن و حدیث، ص ۱۵۹.

نماز و رفع عذاب

عبدالرحمن بن سمره گفت:

روزی در خدمت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بودم. حضرت فرمودند: من دیشب عجایبی دیدم.

عرض کردم: یا رسول الله! چه دیدی؟ برای ما بیان بفرمایید. جان و اهل و اولاد ما فدای تو باد!

حضرت فرمودند: دیدم مردی از امت مرا که ملائکه عذاب او را محاصره کرده بودند در این حال نمازش آمد و مانع از عذابش شد.[۹].

[۹] مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۸۳.

اثر مداومت بر نماز

روایت شده که جوانی از انصار با حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نماز می‌خواند ولی در عین حال مرتکب گناه نیز می‌شد.

موضوع به اطلاع حضرت رسید ایشان فرمودند:

نمازش، روزی او را از گناه باز خواهد داشت. چیزی نگذشت که جوان از کارهای بد توبه نمود و نمازخوان واقعی گردید.[۱۰].

[صفحه ۶۳]

[۱۰] معراج سبز ص ۴۵.

بی‌نمازی و دوزخ

امام علی علیه السلام فرمودند: آیا به پاسخ اهل دوزخ گوش فرا نمی‌دهید که وقتی از آنها می‌پرسند چه چیز شما را گرفتار دوزخ ساخت؟ می‌گویند: ما از نمازگزاران نبودیم. [۱].

[۱] نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۹۰.

نماز و رفع ناراحتی

از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

هنگامی که برای امیرالمومنین علیه السلام مشکلی پیش می‌آمد، به نماز پناه می‌برد، و ناراحتی خویش را از طریق نماز جبران می‌کرد، و آیه «واستعينوا بالصبر و الصلاة» را تلاوت می‌کرد. [۱].

[۱] وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۶۳.

نماز و کسب علم

آقا سید علی صاحب ریاض در راه علم منت بسیار کشید. مشهور است که آن جناب، علم را به گریه و زاری و مناجات از درگاه حضرت حق تحصیل نمود؛ زیرا در ظاهر، مدت تحصیلش آن قدر نبود که بتواند به این مرتبه بلند برسد، و گویند؛ وی شهبای

[صفحه ۶۴]

جمعه را تا صبح احیاء می‌داشت و به عبادت خداوند متعال، مشغول بود.

نماز قبل از ازدواج

ابونصیر می‌گوید: امام جعفر صادق علیه السلام به من فرمود: هرگاه کسی از شما خواست به خواستگاری برای ازدواج برود، چه کاری انجام می‌دهد؟

گفتم: نمی‌دانم!

حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر وقت کسی خواست به خواستگاری برود، دو رکعت نماز بخواند، بعد حمد و ثنای الهی به جای آورد. پس از آن بگوید: خدایا! من تصمیم به ازدواج گرفته‌ام، زنی را نصیب من کن، که پاکدامن‌ترین زنان بوده، نگهبان جان و مال من و نگهدار جان و حیثیت خود باشد، روزی وی وسیع و وجود او مایه‌ی خیر و برکت باشد، و از دامن او برای من فرزندان پاک و صالحی به وجود آید، که در زندگی من مایه‌ی سربلندی و افتخار، و پس از من، موجب خیر و صلاح باشد. [۱].

[۱] فروع کافی، ج ۳، ص ۴۸۲.

و این یعنی حضور نماز در تمامی شئون زندگی از جمله برای ازدواج نمودن.

اثر شهادت در حال نماز

سردار علیرضا عظیمی، رئیس تحقیق و بازرسی نیروی زمینی سپاه، نقل می‌کند: روزهای اول انقلاب، در منطقه‌ی بلوچستان در پایگاه «میرجاوه بودیم و فرمانده‌مان هم یکی از بچه‌های اصفهان به نام اکبری بود.

او برخورد خیلی خوبی با مردم داشت. در مدت کوتاهی توانسته بود محبوبیت زیادی میان مردم به دست آورد و این را اشرار نمی‌توانستند تحمل کنند. کسی را فرستادند میان ما، برای خبرچینی و کارهای دیگر.

آن روز نماز جماعت به امامت دوست خوبمان اکبری برپا شد و بسیار شلوغ هم شده بود. در سجده بودیم که صدای رگبار اسلحه‌ای آمد.

اسلحه‌ی همان مرد نفوذی بود که به سوی اکبری نشانه رفته بود.

اکبری خونین بر سجاده‌اش افتاد. دشمن گمان کرد که با این کار می‌تواند موفق شود.

اما با شهید شدن اکبری، آن کسانی که فکر می‌کردند پاسدارها نماز نمی‌خوانند و مسلمان نیستند، با چشم خودشان عظمت روح بزرگشان را دیدند، و همین امر باعث شد که بتوانیم در طول جنگ، از نیروهای بومی بلوچستان، لشکری از عشایر تشکیل بدهیم. [۱].

[۱] پیشانی و خاک، ص ۱۳.

ناامیدی شیطان

وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به رسالت مبعوث شد، ابلیس فریاد کشید و شیاطین را به دور خود جمع کرد و به آنها گفت: بر روی زمین جستجو کنید، ببینید چه حادثه‌ی مهمی رخ داده است!

شیاطین به هر سو پراکنده شدند. پس از جستجوی بسیار به نزد ابلیس بازگشتند و گفتند: بر ما چیزی معلوم نشد!

ابلیس گفت: این کار، کار خود من است، خواهم رفت و خبر آن را برای شما می‌آورم.
آن گاه به جستجو پرداخت و پس از کسب خبر، به نزد شیاطین بازگشت و گفت: اکنون از جانب خدا، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله به رسالت مبعوث شده است.
حالا شما مأموریت دارید که به گمراه کردن پیروان او پردازید. اما بیشتر شیاطین از این مأموریت ناامید باز می‌گشتند و می‌گفتند: ما هرگز چنین امتی را ندیده‌ایم، زیرا به هزار و یک حيله، آنان را وسوسه می‌کنیم، ولی وقتی به نماز می‌پردازند، همه‌ی حيله‌های ما باطل می‌شود.
ابلیس گفت: عجله نکنید و نگران نباشید. شما می‌توانید به وسیله‌ی جلوه دادن دنیا و دنیاطلبی فرزندان آدم، بر آنان مسلط شوید. [۸].

[صفحه ۶۷]

[۸] محجة البیضاء، ج ۵، ص ۶۱.

فلسفه‌ی وجوب نماز ظهر

عده‌ای از رسول خدا صلی الله علیه و آله علت نمازهای پنج‌گانه را، که در پنج وقت از شبانه‌روز واجب شد، پرسیدند.
آن حضرت فرمود: علت وجوب نماز ظهر از این قرار است: همانا در هنگام زوال آفتاب، همه چیز در این عالم خلقت خداوند سبحان را تسبیح می‌گویند و به حمد خداوند مشغول می‌شوند مگر عرش خدا، و در این موقع خداوند بر من درود می‌فرستد، در این ساعت خداوند نماز را بر من و امتم واجب ساخت که در قرآن مجید آمده است، نماز را در وقت زوال آفتاب تا اول تاریکی شب به پا دار، و این ساعتی است که جهنمیان را در روز قیامت به جهنم وارد می‌کنند، پس در این ساعت هر مؤمنی در حال رکوع یا سجود یا قیام مشغول باشد خداوند سبحان جسدش را بر آتش جهنم حرام می‌گرداند. [۸].

[۸] وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸.

فلسفه‌ی وجوب نماز عصر

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:
اما علت وجوب نماز عصر، و آن در ساعتی است که حضرت آدم از آن میوه که از خوردن آن نهی شده بود، خورد و خداوند

او را از بهشت خارج کرد، پس خداوند ذریه حضرت آدم را امر به نماز عصر نمود، و خداوند سبحان این نماز عصر را برای امت من نیز اختیار نمود و این نماز از محبوبترین نمازها در نزد خداوند است و مرا سفارش نمود به حفظ بیشتر این نماز در بین نمازهای یومیه. [۸]

[۸] وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸.

فلسفه‌ی وجوب نماز مغرب

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

اما علت نماز مغرب، و آن در ساعتی است که خداوند سبحان توبه‌ی حضرت آدم را در این ساعت قبول نمود، و پذیرفتن توبه‌ی آدم سیصد سال پس از خوردن حضرت آدم از آن میوه‌ی درخت که نهی شده بود، طول کشید و در روزهای آخر یک روز آن، که ما بین نماز عصر و عشاء مانند هزار سال بود، حضرت آدم سه رکعت نماز مغرب به جای آورد، رکعتی برای خطای خویش و رکعتی برای خطای همسرش حوا و رکعتی برای قبول توبه‌اش.

پس خداوند این سه رکعت را بر امت من واجب کرد. در هنگام مغرب دعا مستجاب می‌شود، پروردگارم به من وعده داده که دعای مومنین را در این وقت مستجاب نماید و این همان نمازی است که

خداوند در قرآن مرا به آن امر نموده و فرمود، خدا را هنگام شام و صبحگاه در نماز مغرب و صبح تسبیح و ستایش نمایند. [۸].

[۸] وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸.

فلسفه‌ی وجوب نماز عشاء

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

اما نماز عشاء، پس همانا در قبر و روز قیامت تاریکی همه جا را فراگرفته است؛ لذا پروردگارم به من و امتم نماز عشاء را امر فرمود. برای نورانیت قبر و روشن ساختن آن، و این که به من و امتم نوری روی صراط عطا فرماید، و هر کس قدمی در راه نماز عشاء بر دارد. خداوند بدنش را از آتش جهنم حرام می‌گرداند و این نمازی است که پروردگار آن را برای مرسلین و انبیای قبل از من اختیار نمود. [۸]

[۸] وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۹.

معنای سلام پایان نماز

امام صادق علیه‌السلام فرمود:

«معنای سلام در پایان نماز، همان معنای امان است؛ یعنی هر کس فرمان خدا و سنت پیامبرش را با فروتنی در برابر او، انجام

[صفحه ۷۰]

دهد، از بلای دنیا در امان و از کیفر آخرت رهیده است. [۹].

[۹] مصباح الشریعه ص ۱۱۹.

فلسفه‌ی ذکر رکوع و سجود

هشام بن حکم می‌گوید: از امام موسی بن جعفر علیه‌السلام سؤال کردم، چرا در آغاز نماز هفت تکبیر مستحب است، و چرا در رکوع نماز می‌گوییم «سبحان ربی العظیم و بحمده» و در سجده می‌گوییم؛ «سبحان ربی الأعلی و بحمده». فرمود: خداوند آسمان‌های هفتگانه آفرید، و زمین را هفت طبقه کرد، و پرده‌ها را هفت عدد قرار داد؛ هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب معراج به آخرین نقطه‌ی اصلی رسید، یکی از پرده‌ها به رویش گشوده شد، حضرت تکبیر گفت... پرده‌ی دوم برداشته شد، حضرت تکبیر گفت... پرده‌ی سوم و چهارم و پنجم و ششم تا هفتم به همین ترتیب پس از گشودن هر پرده‌ای تکبیر گفت.

وقتی پس از گشودن پرده‌ی هفتم، عظمت خدا را دید، لرزه بر اندامش افتاد و خم گردید و دست‌ها را بر زانو گذاشت و گفت: «سبحان ربی العظیم و بحمده؛ پاک و منزّه است پروردگار بزرگ من، و حمد و سپاس می‌کنم او را».

[صفحه ۷۱]

وقتی که از حال رکوع برخاست و ایستاد، عظمتی دیگر بالاتر از عظمت اول، از خدا دید، به سجده افتاد و گفت: «سبحان ربی الأعلی و بحمده؛ پاک و منزّه است پروردگار اعلا و باعظمت و من او را حمد و سپاس می‌گوییم» تا هفت بار که این جمله را گفت: لرزه از اندامش رفع شد. [۸].

[۸] علل الشرایع ص ۳۷۱.

نماز و همسر داری

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که همسر خود را بیازارد، نماز و اعمال نیک او مورد پذیرش الهی قرار نمی‌گیرد. مگر آن که به کمک او پردازد و رضایتش را جلب کند، گرچه همیشه روزه‌دار باشد و البته شوهر نیز دارای همین نوع از عقاب است و در صورتی که همسرش را بیازارد و به او ظلم روا دارد.» [۹].

[۹] وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۶.

اثری عجیب از نماز

استاد احمد امین، ریاضی‌دان و فیزیکدان عراقی و متوفای ۱۳۹۰ هجری، می‌نویسد:
یک دختر جوان به نام «مای پاولز» فلج به دنیا آمده بود. به

[صفحه ۷۲]

طوری که هیچ قدرت راه رفتن نداشت، در عین حال پسر یکی از همسایگان که او را دیده بود، به خواستگاریش آمد. دختر که با وجود نقص بدنی از این خواستگاری بسیار خوشحال شده بود، موضوع را با مادر خود در میان گذاشت، ولی مادر با شنیدن این مطلب، سخت به گریه افتاد، زیرا پزشکان متخصص به او گفته بودند: اگر این دختر فلج، ازدواج هم نکند، فرزنددار نخواهد شد و در تمام عمر با درد نازائی باید به سر ببرد!
مادر که تا آن روز این موضوع را از دختر پنهان داشته بود، گفت: حال که این جوان، اصرار به ازدواج دارد، باید او را از این موضوع آگاه کنیم.
دختر گفت: ایرادی ندارد، اما اگر این ازدواج صورت گرفت، من هر شب نماز حاجت می‌خوانم و از درگاه الهی درخواست می‌کنم، تا به من فرزند کرامت فرماید.

مادر، در حالی که سخن دختر را به تمسخر گرفته بود، و برای نظریه پزشکان اعتبار زیادی قائل بود، با ازدواج دختر موافقت کرد، خواستگار هم از موضوع مطلع شد و ازدواج صورت گرفت.

پس از ازدواج دختر هر شب به نماز و راز و نیاز با خداوند می‌پرداخت، و با سوز دل و چشم‌های پر اشک، این گونه با خدا سخن می‌گفت:

خدایا! مرا از نعمت راه رفتن محروم ساختی، آیا راضی

[صفحه ۷۳]

می‌شوی که از نعمت زایمان و بچه‌داری، که میلیون‌ها نفر از زنانی که روی پای خود راه می‌روند و از آن برخوردارند، محروم باشم؟! خدایا! آیا به زنان دیگر، نعمت راه رفتن و زایمان را می‌دهی، و مرا از یکی از این دو نعمت هم محروم می‌داری؟ آری، این زن مدت چهار سال، این دعا را با اشک و آه و سوزی که از اعماق دل بر می‌خاست، با سماجت و بدون خستگی انجام داد، تا این که سرانجام باردار شد، و به تدریج دارای سه فرزند سالم گردید. [۸].

[۸] التکامل فی الاسلام، ج ۷، ص ۲۱۰.

نکته‌ای شیرین از اذان نماز

صدوق، رضوان الله علیه، در کتاب مجالس نقل می‌کند:

امام صادق علیه‌السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس که برای خدا اذان بگوید و نظر دیگری نداشته باشد، خداوند ثواب چهل هزار شهید و چهل هزار صدیق به او می‌دهد و به شفاعت او چهل هزار گنه‌کار را می‌بخشد و روانه‌ی بهشت می‌کند. بدانید مؤذن وقتی بگوید: «أشهد ان لا اله الا الله» نود هزار فرشته بر او صلوات می‌فرستند. استغفار برایش می‌کنند و در روز قیامت در سایه‌ی عرش خداست تا خداوند از حساب مردم فارغ شود.

[صفحه ۷۴]

ثواب گفتن «أشهد ان محمداً رسول الله» او را چهل میلیون فرشته می‌نویسند.

و هر کس مداومت داشته باشد صف اول جماعت را، و سعی کند که تکبیر اول امام را درک کند و مسلمانی را نیازارد، خداوند به او نیز همان پاداش مؤذن را در دنیا و آخرت می‌دهد. [۸].

عبادتی شگفت‌انگیز

ابودرداء می‌گوید: شبی علی علیه‌السلام را دیدم که از مردم کنار گرفته و در مکان خلوتی مشغول مناجات با پروردگار خود است. در حالی که او در محراب عبادت ایستاده بود، اشکهایش بر روی صورتش می‌غلطید، وی مانند مارگزیده به خودش می‌پیچید و مانند مصیبت دیده‌ها گریه می‌کرد و می‌گفت: آه! آه! از توشه‌ی اندک و سفر طولانی و انیس و همنشین کم! آه از آتشی که جگرها را بریان کند و پوست بدن را برکند! آه از آتشی که خرمن گستراند!

ناگاه دیدم صدا خاموش شد. گفتم حتماً حضرت را خواب برده است، رفتم تا آن حضرت را بیدار کنم. چون ایشان را حرکت دادم، دیدم همچون چوب خشک شده است. گفتم: بلکه امام از دنیا رفته است و به خانه‌ی آن حضرت رفتم و فاطمه علیها‌السلام را از این امر آگاه

[صفحه ۷۵]

ساختم. فرمود: این حالتی است که از ترس خدا هر شب بر او عارض می‌شود. [۱].

نماز و رفع مشکل

ابی‌عبیده خدای گفت: با حضرت باقر علیه‌السلام بودم، مرکبم گم شد. امام علیه‌السلام فرمود: دو رکعت نماز بگذار و بعد بگو: خداوندا، تو که گمشده را باز می‌گردانی، و از گمراهی به هدایت می‌آوری، گمشده‌ام را به من بازگردان که آن از احسان و بخشش توست.

بعد امام باقر علیه‌السلام فرمود: ای اباعبیده! پیش آی و سوار مرکب شو. با حضرت سوار شدم. همچنان که راه می‌پیمودم یک سیاهی به چشم ما خورد، امام علیه‌السلام فرمود: این شتر توست. چون دقت کردم دریافتم که شتر من است. [۱].

[۸] مکارم الاخلاق، ص ۲۵۹.

اثر وضوی نماز بر فرزند

شیخ مرتضی انصاری از علماء و مراجع برجسته‌ی قرن سیزدهم بود و کتابهای درسی مکاسب و رسائل، در حوزه‌های علمیه از زمان او تاکنون جزء کتابهای درسی است که از تألیفات او است.

[صفحه ۷۶]

وی بسیار زاهد بود و به عبادت اهمیت خاصی می‌داد، و در جهات علمی و معنوی یگانه‌ی عصر بود. به مادرش گفتند: فرزندان به درجات عالی از علم و تقوا رسیده است. مادر او در پاسخ گفت: من در انتظار آن بودم که فرزندم، ترقی بیشتری داشته باشد زیرا من به او شیر ندادم مگر این که با وضو بودم و حتی در شبهای سرد زمستان هم بدون وضو او را شیر ندادم. [۸].

[۸] پندهائی از رفتار علمای اسلامی، ص ۸.

نماز موجب آمرزش گناهان

در الدر المنتور است که احمد و طبرانی از ابی امامه روایت کرده‌اند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ فرد مسلمانی وقت نماز یومیه را درک نمی‌کند و برای وضو بر نمی‌خیزد و نماز را به خوبی نمی‌خواند، مگر آن که آنچه بین این نمازش و نماز گذشته‌اش گناه کرده، آمرزیده می‌شود. [۸].

[۸] ترجمه تفسیر المیزان ج ۱۱ ص ۸۹.

دین بدون نماز فایده و خیری ندارد

در سالهایی که مسلمانان به پیروزی‌های چشمگیری نائل شده بودند بزرگان قبیله‌های عرب یکی پس از دیگری به مدینه

[صفحه ۷۷]

می‌آمدند، چند نفر از سران بنی‌تقیف، که در طائف سکونت داشتند، از طرف مردم به مدینه آمده و خدمت رسول الله مشرف شدند، و عرض کردند که، ما مسلمان می‌شویم ولی به چند شرط:

یکی اینکه: بت «لات» در بین ما باقی بماند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قبول نفرمود و دیگر اینکه: بتها را با دست خود نشکنند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اشکالی ندارد ما کسانی می‌فرستیم که تمامی بتها را بشکنند.

سوم اینکه از نماز خواندن ما را معاف بدار. حضرت فرمود:

«اما الصلاة فلا خیر فی دین لا صلاة فیه؛ دینی که در او نماز نباشد، فایده و خیری ندارد، و چیزی در آن نیست».

مسلمانی که در طول شبانه‌روز در برابر خدای خود سر تعظیم فرود نیاورد و به یاد خدای خویش نباشد مسلمان درستی نیست. [۸].

[۸] تاریخ طبری ج ۳ ص ۹۹ فروغ ابیدیت ج ۲ ص ۴۱۴.

جذبه‌ی نماز

یکی از نوادگان حضرت کاظم علیه‌السلام به نام محمد بن اسماعیل گوید: گروهی از بنی‌عباس و چند نفر دیگر از منحرفین به نزد صالح بن وصیف رئیس شرطه‌ی سامراء آمده و گفتند: ابومحمد عسکری

[صفحه ۷۸]

را که زندان کرده‌ای بر او سخت گیر و نگذار که در استراحت باشد. صالح گفت: می‌خواهید چه بکنم؟ دو نفر که در نظرم از همه شرورتر بودند، بر او مأمور کرده بودم، چنان اهل عبادت و نماز شده‌اند که خارج از حد است. آنگاه گفت: آن دو را آوردند. گفتم: وای بر شما! جریان شما درباره‌ی این مرد چیست؟!

گفتند: چه بگوئیم در خصوص مردی که در روز روزه است و همه‌ی شب را مشغول عبادت حق می‌باشد. با کسی که سخن نمی‌گوید و به غیر عبادت مشغول نمی‌شود.

چون به او نگاه می‌کنیم بندبند شانه‌هایمان به لرزه می‌افتد و چنان مجذوب می‌شویم که قدرت از دست ما می‌رود، چون بنی‌عباس این را شنیدند ذلیلانه برگشتند. [۸].

مجازات عظیم سستی در امر نماز

از حضرت فاطمه علیهاالسلام نقل است که خدمت پدر بزرگوارش پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله عرض کرد: پدرجان! کسی که در نمازش سستی و تبلی کند از مرد و زن چه مجازات و کیفری دارد؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: فاطمه جان! هر که در نمازش سستی کند از مرد و زن، خداوند متعال او را به پانزده خصلت مبتلا می‌سازد.

[صفحه ۷۹]

شش خصلت از آنها در دنیا و سه خصلت در موقع مردن و سه خصلت در موقع خروج از قبر.

اما آنچه در دنیا به او می‌رسد:

اول - خداوند برکت را از عمرش بر می‌دارد.

دوم - خداوند برکت را از روزیش بر می‌دارد.

سوم - خداوند عزوجل علامت صالحین را از صورت او محو می‌کند.

چهارم - هر عملی که انجام دهد اجر و مزدی به او داده نمی‌شود.

پنجم - دعای او به طرف آسمان بالا نمی‌رود.

ششم - برای او بهره و نصیبی از دعای صالحین نخواهد بود.

و اما آنچه در موقع مردن به او می‌رسد:

اول - اینکه ذلیل می‌میرد.

دوم - گرسنه می‌میرد.

سوم - تشنه می‌میرد که اگر از نهرها و چشمه‌های دنیا به او آب دهی، سیراب نمی‌شود!

اما آلهائی که در قبر به او می‌رسد:

اول - خدای متعال ملکی را مأمور می‌کند که او را در قبر عذابش کند.

دوم - قبرش بر او تنگ می‌گردد.

[صفحه ۸۰]

سوم - قبر او ظلمانی و تاریک خواهد بود.

و اما آنهایی که در روز قیامت هنگام خروج از قبر به او می‌رسد.
اول - خداوند متعال ملکی را فرماید که او را به رو می‌کشد و مردم به او تماشا می‌کنند.
دوم - با حساب سخت و شدید او را محاسبه می‌نمایند.
سوم - خدای سبحان به او نظر نکرده و او را پاک نمی‌کند، و برای اوست عذاب دردناک.

مانع نماز تا چهل شبانه‌روز

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

من اغتاب مسلماً أو مسلمة لم يقبل الله تعالى صلاته و لا صيامه أربعين يوماً و ليلة الا أن يغفر له صاحبه.
خدای متعال، تا چهل شبانه‌روز نماز و روزهی غیبت‌کننده‌ی از مرد یا زن مسلمان را نمی‌پذیرد، مگر این که غیبت شونده از او درگذرد. [۱].

[صفحه ۸۱]

[۱] جامع الاخبار ص ۴۱۲.

و این درس بزرگ نماز است که انسان را از آزدن دیگران باز می‌دارد.

نماز جوان اسیر

یکی از اسیران در سلول انفرادی خود مشغول نماز و دعا و مناجات می‌گردد، مزدوران رژیم عراق، در زندان، برای اذیت کردن روحی آن جوان اسیر، زن بدکاره‌ای را به سلول او می‌فرستند، تا او را منحرف سازند. آن زن به گونه‌ای مختلف خود را نشان می‌دهد و طنز می‌کند، ولی آن اسیر به نماز و دعا ادامه می‌دهد. سرانجام آن زن، متأثر شده با حالتی پر از اندوه از سلول بیرون می‌آید.

وقتی غرق نماز شویم

هر وقت، هنگام نماز می‌رسید، امیرالمؤمنین علیه‌السلام حالت اضطراب و تزلزل پیدا می‌نمود. می‌گفتند: شما را چه می‌شود که این قدر ناراحت هستید؟ می‌فرمود: وقت امانتی فرا رسیده است که خداوند آن را بر آسمان و زمین عرضه داشت و آنها از حمل آن امتناع ورزیدند.

در جنگ صفین تیری بر ران مقدس حضرت علی علیه السلام وارد گردید، هر چه کردند در موقع عادی خارج نمایند، از شدت درد و ناراحتی آن جناب نتوانستند. خدمت امام حسن علیه السلام جریان را

[صفحه ۸۲]

عرض کردند، فرمود: صبر کنید تا پدرم به نماز بایستد، زیرا در آن حال چنان از خود بی خود می شود که به هیچ چیز متوجه نمی گردد. به دستور امام حسن علیه السلام در آن حال تیر را خارج کردند. بعد از نماز، علی علیه السلام متوجه شد خون از پای مقدسش جاری است. پرسید: چه شد؟ عرض کردند: تیر را در حال نماز از پای شما بیرون کشیدیم. [۱].

[۱] انوار نعمانیه، ص ۳۴۲.

ترک نماز موجب سقوط در جهنم

در قیامت بارها میان اهل بهشت و دوزخ گفتگو رخ می دهد که قرآن ترسیمی از آن گفتگوها را بیان فرموده است. یکی از آن صحنه ها که در سوره ی مدثر است اینکه اهل بهشت از مجرمان می پرسند: چه عاملی شما را به دوزخ روانه کرد؟ آنها می گویند چهار عامل، که اولین آنها پایبند نبودن به نماز است «لم نک من المصلین» و عامل دیگر بی اعتنایی به گرسنگان بود: «و لم نک نطمع المسکین». سومین جهت این بود که ما در جامعه ی فاسد، هضم شدیم: «و کنا نخوض مع الخائضین» و قیامت را هم نمی پذیرفتیم: و «کنا نکذب بیوم الدین». [۱].

[صفحه ۸۳]

[۱] یکصد و چهارده نکته درباره ی نماز ص ۳۱.

قضا نمودن نماز خسارت جبران ناپذیر

شخصی خدمت امام صادق علیه السلام آمد و استخاره کرد، استخاره بد آمد، ولی او آن را نادیده گرفت و به مسافرت تجارتی رفت، و اتفاقاً به او خوش گذشت و سود فراوانی هم برد.

وقتی بازگشت خدمت امام رفت و گفت: یادتان هست که استخاره برایم کردید و بد آمد؟ اما من آن را ندیده گرفتم و سود هم بردم.

حضرت فرمود: یادت هست در فلان منزل خسته بودی نماز مغرب و عشاء را خواندی، شام خوردی و خوابیدی، و هنگامی که بیدار شدی آفتاب صبح زده بود، و نماز صبح تو قضا شد؟
عرض کرد: آری، یابن رسول الله.
فرمود: اگر خدا دنیا و هر چه در آن است را به تو داده بود جبران آن خسارت معنوی نمی‌شد. [۸].

[۸] داستان‌ها و حکایتها ص ۸۸.

دعائی عجیب در مقابل مرقد شریف امام رضا

ابو عبدالله هروی نقل می‌کند: مردی از اهالی بلخ همراه غلامش به زیارت مرقد شریف حضرت رضا علیه‌السلام به مشهد آمدند، آن مرد در قسمت بالاسر مرقد، مشغول نماز شد و غلامش در قسمت پائین

[صفحه ۸۴]

به نماز ایستاد، و پس از نماز هر دو به سجده رفتند و سجده را طول دادند، سپس قبل از غلام آن مرد سر از سجده برداشت و غلام خود را به حضور طلبید. غلام بی‌درنگ سر از سجده برداشت و به حضور او آمد. آن مرد به غلام خود گفت: آیا می‌خواهی تو را آزاد کنم؟

غلام گفت: آری. آن مرد به غلام گفت: تو را در راه خدا آزاد کردم. و کنیزم فلان زن را که در بلخ است نیز آزاد نمودم، و او را در عقد ازدواج تو درآوردم. و ضامن مهریه‌اش شدم، و فلان مزرعه‌ام را وقف شما و فرزندان شما و نسلهای آینده شما نمودم و حضرت رضا علیه‌السلام را بر این موضوع، گواه می‌گیرم.
غلام با شنیدن این سخن گریه کرد و گفت: سوگند به خدا و به این امام، من در سجده همین مطلب را از امام خواستم که گفتی و اینک به حاجتم رسیدم. [۹].

[۹] عیون اخبارالرضا علیه‌السلام ج ۲ ص ۲۸۲.

نماز خوان و پرهیز از غیبت

سعدی در کتاب گلستان چنین می‌گوید: یاد دارم که در ایام طفولیت متعبد بودمی، و شبخیز و مولع زهد و پرهیز، شبی در خدمت پدر رحمة الله علیه نشسته بودم و همه‌ی شب دیده بر هم

[صفحه ۸۵]

نهیسته و مصحف عزیز (قرآن) بر کنار گرفته و طایفه‌ای گرد ما خفته، پدر را گفتم، از اینان کسی سر بر نمی‌دارد که دوگانه‌ای بگذارد (نماز شب بخواند) چنان خواب غفلت برده‌اند که گویی نخفته‌اند که مرده‌اند. گفت: جان پدر تو نیز اگر خفتی به از آن بود که در پوستین خلق افتی.

نبیند مدعی جز خویشان را
که دارد پرده‌ی پندار در پیش

گرت چشم خدا بینی ببخشد
نبینی هستی هیچ کس عاجزتر از خویش

ذره‌ای مال حرام و نماز

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

من اشتری ثوباً بعشرة دراهم و فیه درهم حرام لم یقبل الله له صلاة مادام علیه.

هر کس جامه‌ای به ده دینار بخرد و یک درهمش حرام باشد، خداوند تا هنگامی که در بر اوست، نمازش را نمی‌پذیرد. [۸].

[صفحه ۸۶]

[۸] مسند ابن حنبل ج ۲، ص ۴۱۷.

به راستی که این درس از نماز، اگر جامه‌ی عمل پوشد بزرگترین معضل جامعه بشری حل می‌گردد و خیر و برکت زیاد می‌شود.

نماز و نگاه کینه‌توزانه به والدین

امام صادق علیه‌السلام فرمود:

من نظر أبویه نظر ماقت و هما ظالمان له لم یقبل الله له صلاة.

کسی که به پدر و مادرش کینه‌توزانه بنگرد، حتی اگر بر او ستمکار باشند، خداوند نمازی را از او نمی‌پذیرد. [۸].

[۸] کافی ج ۲، ص ۳۴۹.

نمازخوان بودن موجب نزول باران

نقل شده که غلام سیاهی به نام برخ، در زمان حضرت موسی زندگی می‌کرد بسیار متعبد، نمازخوان بود، حضرت موسی به توسط او طلب باران نمود. خدای بزرگ هم به خاطر این جوان متعبد و نمازخوان باران برای مردم فرستاد و خداوند خطاب به موسی فرمود: برخ بنده‌ی بسیار خوب من است فقط یک عیب در او وجود دارد و آن اینکه در سحرها که برای عبادت و نماز بر می‌خیزد از نسیم سحرگاهی لذت برده و به وسیله‌ی آن آرامش می‌یابد، کسی که مرا دوست می‌دارد، نباید توجه و آرامش او به چیز دیگری باشد. [۸].

[صفحه ۸۷]

[۸] کشکول شیخ بهائی ص ۴۶۲.

پاداش یاد دادن یک جمله‌ی نماز

شخصی به نام عبدالرحمان، در مدینه، مدتی معلم و آموزگار کودکان و نوجوانان بود، یکی از فرزندان امام حسین علیه‌السلام به نام «جعفر» به مکتب او می‌رفت.

معلم، آیه شریفه‌ی «الحمد لله رب العالمین» را به جعفر آموخت.

امام حسین علیه‌السلام به خاطر این آموزش معلم، هزار دینار و هزار حله به معلم داد و دهان او را پر از مروارید کرد. شخصی از امام پرسید، آیا آن همه پاداش به معلم، رواست؟ امام حسین علیه‌السلام در پاسخ فرمود: آنچه که دادم چگونه برابری می‌کند با ارزش آنچه که او (معلم) به پسر من این جمله را آموخت: «الحمد لله رب العالمین؟!»

در اینجا این حدیث نیز جالب است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: وقتی معلم، آیه «بسم الله الرحمن الرحیم» به کودکی بیاموزد خداوند برای او و آن کودک و پدر و مادرش، برائت از آتش را می‌نویسد. [۹].

پاداش یاد دادن یک جمله‌ی نماز

شخصی به نام عبدالرحمان، در مدینه، مدتی معلم و آموزگار کودکان و نوجوانان بود، یکی از فرزندان امام حسین علیه‌السلام به نام «جعفر» به مکتب او می‌رفت.

معلم، آیه شریفه‌ی «الحمد لله رب العالمین» را به جعفر آموخت.

امام حسین علیه‌السلام به خاطر این آموزش معلم، هزار دینار و هزار حله به معلم داد و دهان او را پر از مروارید کرد. شخصی از امام پرسید، آیا آن همه پاداش به معلم، رواست؟ امام حسین علیه‌السلام در پاسخ فرمود: آنچه که دادم چگونه برابری می‌کند با ارزش آنچه که او (معلم) به پسر من این جمله را آموخت: «الحمد لله رب العالمین؟!»

در اینجا این حدیث نیز جالب است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: وقتی معلم، آیه «بسم الله الرحمن الرحيم» به کودکی بیاموزد خداوند برای او و آن کودک و پدر و مادرش، برائت از آتش را می نویسد. [۷].

[۷] تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۳.

اثر نماز در روز قیامت

امام ششم علیه السلام می فرماید:

در روز قیامت پیرمردی را برای رسیدگی به اعمالش

[صفحه ۸۸]

می آورند. سپس نامه‌ی اعمالش را به او می دهند. ظاهر نامه، که به طرف مردم است، در آن چیزی جز گناه و معاصی مشاهده نمی شود. و کار محاسباتش به طول می انجامد. پس آن پیرمرد می گوید: پروردگارا آیا به آتشم می سوزانی و مرا به جهنم می افکنی؟ پروردگار بزرگ می فرماید؛ ای پیرمرد به راستی من حیا می کنم که عذابت کنم؛ چون که در دنیا برای من نماز می گزاردی و عبادت می کردی. سپس امر می فرماید که بنده‌ی مرا به بهشت ببرند. [۷].

[۷] نماز از دیدگاه قرآن و حدیث ص ۹۵.

نماز محافظ انسان

زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، زنی در غیاب شوهرش زنا کرد، ولی پس از این عمل زشت پشیمان شده، سخت ناراحت شد، در حالی که بسیار پریشان بود در یکی از کوچه‌های مدینه می گذشت و فریاد می زد: مرا به رسول خدا صلی الله علیه و آله راهنمایی کنید.

پیامبر صلی الله علیه و آله او را دید، و از او پرسید: چرا پریشان هستی و فریاد می زنی؟!

او عرض کرد: در غیاب شوهرم زنا کرده‌ام، پس از مدتی دارای فرزند شدم، پس از تولد او را در میان سرکه‌ی داخل خمره گذاردم

[صفحه ۸۹]

و سپس آن سرکه را فروختم. آیا توبه‌ام پذیرفته است؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: زنا کردی، باید سنگسار شوی. مرتکب قتل (کودک) شده‌ای که کیفرش دوزخ است، سرکه آن چنانی را فروخته‌ای و در نتیجه، گناه بزرگی کرده‌ای، ولی گمانم آن است که نماز عصر را ترک کرده‌ای و به خاطر ترک نماز عصر و سهل‌انگاری در نماز، آن گونه منحرف شده‌ای که به چنین گناه بزرگی آلوده شده‌ای. [۸].

[۸] داستان دوستان ج ۱، ص ۵۶.

نماز خوان و پرهیز از غیبت

سعدی در کتاب گلستان چنین می‌گوید: یاد دارم که در ایام طفولیت متعبد بودمی، و شبخیز و مولع زهد و پرهیز، شبی در خدمت پدر رحمة الله علیه نشسته بودم و همه‌ی شب دیده بر هم

[صفحه ۸۵]

نسته و مصحف عزیز (قرآن) بر کنار گرفته و طایفه‌ای گرد ما خفته، پدر را گفتم، از اینان کسی سر بر نمی‌دارد که دوگانه‌ای بگذارد (نماز شب بخواند) چنان خواب غفلت برده‌اند که گویی نخفته‌اند که مرده‌اند. گفت: جان پدر تو نیز اگر خفتی به از آن بود که در پوستین خلق افتی.

نبیند مدعی جز خویشتن را
که دارد پرده‌ی پندار در پیش

گرت چشم خدا بینی ببخشد
نبینی هستی هیچ کس عاجزتر از خویش

ذره‌ای مال حرام و نماز

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

من اشتری ثوباً بعشرة دراهم و فیه درهم حرام لم یقبل الله له صلاة مادام علیه.

هر کس جامه‌ای به ده دینار بخرد و یک درهمش حرام باشد، خداوند تا هنگامی که در بر اوست، نمازش را نمی‌پذیرد. [۹].

[۱] مسند ابن حنبل ج ۲، ص ۴۱۷.

به راستی که این درس از نماز، اگر جامه‌ی عمل پوشد بزرگترین معضل جامعه بشری حل می‌گردد و خیر و برکت زیاد می‌شود.

نماز و نگاه کینه‌توزانه به والدین

امام صادق علیه‌السلام فرمود:

من نظر أبویه نظر مامت و هما ظالمان له لم يقبل الله له صلاة.

کسی که به پدر و مادرش کینه‌توزانه بنگرد، حتی اگر بر او ستمکار باشند، خداوند نمازی را از او نمی‌پذیرد. [۱].

[۱] کافی ج ۲، ۳۴۹.

نمازخوان بودن موجب نزول باران

نقل شده که غلام سیاهی به نام برخ، در زمان حضرت موسی زندگی می‌کرد بسیار متعبد، نمازخوان بود، حضرت موسی به توسط او طلب باران نمود. خدای بزرگ هم به خاطر این جوان متعبد و نمازخوان باران برای مردم فرستاد و خداوند خطاب به موسی فرمود: برخ بنده‌ی بسیار خوب من است فقط یک عیب در او وجود دارد و آن اینکه در سحرها که برای عبادت و نماز بر می‌خیزد از نسیم سحرگاهی لذت برده و به وسیله‌ی آن آرامش می‌یابد، کسی که مرا دوست می‌دارد، نباید توجه و آرامش او به چیز دیگری باشد. [۱].

[۱] کشکول شیخ بهائی ص ۴۶۲.

پاداش یاد دادن یک جمله‌ی نماز

شخصی به نام عبدالرحمان، در مدینه، مدتی معلم و آموزگار کودکان و نوجوانان بود، یکی از فرزندان امام حسین علیه‌السلام به نام «جعفر» به مکتب او می‌رفت.

معلم، آیه شریفه‌ی «الحمد لله رب العالمین» را به جعفر آموخت.

امام حسین علیه‌السلام به خاطر این آموزش معلم، هزار دینار و هزار حله به معلم داد و دهان او را پر از مروارید کرد. شخصی از امام پرسید، آیا آن همه پاداش به معلم، رواست؟ امام حسین علیه‌السلام در پاسخ فرمود: آنچه که دادم چگونه برابری می‌کند با ارزش آنچه که او (معلم) به پسر من این جمله را آموخت: «الحمد لله رب العالمین؟!»

در اینجا این حدیث نیز جالب است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: وقتی معلم، آیه «بسم الله الرحمن الرحیم» به کودکی بیاموزد خداوند برای او و آن کودک و پدر و مادرش، برائت از آتش را می‌نویسد. [۷].

[۷] تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۳.

اثر نماز در روز قیامت

امام ششم علیه‌السلام می‌فرماید:
در روز قیامت پیرمردی را برای رسیدگی به اعمالش

[صفحه ۸۸]

می‌آوردند. سپس نامه‌ی اعمالش را به او می‌دهند. ظاهر نامه، که به طرف مردم است، در آن چیزی جز گناه و معاصی مشاهده نمی‌شود. و کار محاسباتش به طول می‌انجامد. پس آن پیرمرد می‌گوید: پروردگارا آیا به آتشم می‌سوزانی و مرا به جهنم می‌افکنی؟ پروردگار بزرگ می‌فرماید: ای پیرمرد به راستی من حیا می‌کنم که عذابت کنم؛ چون که در دنیا برای من نماز می‌گزاردی و عبادت می‌کردی. سپس امر می‌فرماید که بنده‌ی مرا به بهشت ببرند. [۸].

[۸] نماز از دیدگاه قرآن و حدیث ص ۹۵.

نماز محافظ انسان

زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، زنی در غیاب شوهرش زنا کرد، ولی پس از این عمل زشت پشیمان شده، سخت ناراحت شد، در حالی که بسیار پریشان بود در یکی از کوچه‌های مدینه می‌گذشت و فریاد می‌زد: مرا به رسول خدا صلی الله علیه و آله راهنمایی کنید.

پیامبر صلی الله علیه و آله او را دید، و از او پرسید: چرا پریشان هستی و فریاد می‌زنی؟! او عرض کرد: در غیاب شوهرم زنا کرده‌ام، پس از مدتی دارای فرزند شدم، پس از تولد او را در میان سرکه‌ی داخل خمره گذاردم

[صفحه ۸۹]

و سپس آن سرکه را فروختم. آیا توبه‌ام پذیرفته است؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: زنا کردی، باید سنگسار شوی. مرتکب قتل (کودک) شده‌ای که کیفرش دوزخ است، سرکه آن چنانی را فروخته‌ای و در نتیجه، گناه بزرگی کرده‌ای، ولی گمانم آن است که نماز عصر را ترک کرده‌ای و به خاطر ترک نماز عصر و سهل‌انگاری در نماز، آن گونه منحرف شده‌ای که به چنین گناه بزرگی آلوده شده‌ای. [۸].

[۸] داستان دوستان ج ۱، ص ۵۶.

علامت قیامت

رسول خدا در کعبه را گرفت و سپس روی نازنین خود را به طرف ما کرد و فرمود: آیا می‌خواهید شما را خیر دهم از علامات قیامت؟ و در آن روز سلمان از هر کس دیگر به آن جناب نزدیک‌تر بود، لذا در پاسخ رسول خدا صلی الله علیه و آله عرضه داشت: بله یا رسول الله! حضرت فرمود: یکی از علامتهای قیامت این است که نماز ضایع می‌شود، یعنی از میان مسلمین می‌رود. [۹].

[۹] ترجمه تفسیر المیزان ج ۱۳، ص ۵۵۹.

خداوند به یاد نمازگزاران است

در تفسیر قمی در ذیل جمله‌ی «ولذکر الله اکبر» می‌گوید:

[صفحه ۹۰]

در روایت ابی‌الجارود از امام باقر علیه‌السلام آمده که آن جناب در معنای این جمله می‌فرماید: یعنی، این که خدا به یاد نمازگزاران است، مهم‌تر از این که نمازگزاران از او یاد می‌کنند، مگر نشنیدی که فرمود: «اذکرونی اذکرکم؛ مرا به یاد آورید تا شما را به یاد آورم»؟ [۱۰].

[۱۰] ترجمه‌ی تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۲۱۲.

ترک کننده‌ی نماز و کفر به خدا

یکی از شیعیان به نام «مسعدة» به حضور امام صادق علیه‌السلام آمد و پرسید: چرا شما زناکار را به عنوان کافر، معرفی نمی‌کنید، ولی ترک کننده‌ی نماز را کافر می‌نامید؟ دلیل این تفاوت چیست؟

امام صادق علیه‌السلام فرمود: زیرا زناکار و امثال او این کار را به خاطر چیره شدن شهوت جنسی بر او، انجام می‌دهد، ولی ترک کننده‌ی نماز، آن را ترک نمی‌کند مگر به خاطر «استخفاف» (سبک شمردن نماز)، مرد زناکار به سوی زن نمی‌آید، مگر به جهت آن میل شدیدی که به او دارد، و لذتی که می‌برد، ولی کسی که نماز را ترک می‌کند، در ترک نماز هیچ‌گونه لذتی نیست، وقتی لذت نبود، معلوم می‌شود که «سبک شمردن نماز» باعث ترک آن شده است. «و اذا وقع الاستخفاف وقع الکفر»؛ وقتی سبک شمردن نماز حاصل شد به دنبال آن، نوعی کفر حاصل می‌گردد. [۱].

[صفحه ۹۱]

[۱] اصول کافی، ج ۲، ص ۳۸۶.

نماز امام محمد باقر

نقل شده که در یکی از شبها یکی از فرزندان امام محمد باقر علیه‌السلام از بلندی افتاد و دستش شکست. از اهل خانه فریاد بلند شد همسایگان جمع شدند و شکسته‌بند آوردند. دست آن طفل را بستند ولی حضرت از اشتغال به عبادت نمی‌شنید. چون صبح شد و از عبادت فارغ گردید دست طفل را دید در گردن آویخته، از کیفیت حال پرسید. آن حضرت را از آنچه اتفاق افتاده بود خبر دادند. [۱].

[۱] منتهی الآمال ج ۲، ص ۵۸۷.

صدقه دادن بستان به خاطر حواس پرتی

منقول است که ابی‌طلحه در بستان خود نماز می‌گذارد در اثناء نماز نظرش به مرغی افتاد که در درخت بود و می‌خواست از وسط درخت خارج شود، به آن مرغ سرگرم شد به قسمی که ندانست چند رکعت نماز به جای آورده است. خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و حالش را بیان نمود و عرض کرد: بستانم را صدقه دادم به هر مصرفی که صلاح می‌دانید مصرف نمایید. [۱].

[صفحه ۹۲]

[۱] صلوة الخاشعین ص ۹۵.

نماز را بیشتر دوست داشتم

در مورد خواجه ربیع نقل شده که اسبی بسیار اصیل داشت که قیمت آن بیست هزار درهم بود، وقتی خواجه مشغول نماز بود آن اسب را دزدیدند، نمازش را قطع نکرد و از بردن اسب ناراحت نشد، عده‌ای از خواجه پرسیدند: پس چرا جلوی دزد را نگرفتی؟ جواب داد: من مشغول عملی (نماز) بودم که آن عمل را از اسب بیشتر دوست داشتم. [۸].

[۸] کلیات جامع التمثیل ص ۲۰۳.

کمک به فقیر در حال نماز

قرآن کریم صحنه‌ای را نقل می‌کند که فقیری وارد مسجد شد و از مردم استمداد کرد. کسی به او توجهی نکرد و فقیر با ناله به خداوند حال خود را گفت. حضرت علی علیه‌السلام مشغول نماز بود به فقیر اشاره کرد و او جلو آمد و حضرت در حال رکوع انگشتر خود را به او داد، آیه نازل شد که: فقط رهبر شما خداوند و پیامبرش و کسانی‌اند که در حال رکوع به فقرا رسیدگی می‌کنند. همین که مردم آیه را شنیدند به مسجد آمدند تا ببینند این آیه درباره‌ی چه کسی نازل شده است. فهمیدند که مورد آیه شخص علی بن ابیطالب علیه‌السلام است. [۹].

[صفحه ۹۳]

[۸] یکصد و چهارده نکته درباره‌ی نماز ص ۷۸.

خواندن نماز یا پیدا کردن جوال؟!

گویند علت نامگذاری ابوعبدالله جوالیقی این بود که روزی جوال خود را گم کرد و هر چه فکر کرد به یادش نیامد کجا گذارده یا به چه کسی داده، مدتی در اندیشه پیدا کردن آن برآمد ولی اثری نبخشید تا اینکه در نماز ناگاه متوجه شد که جوال را چه کرده پس از پایان نماز به منزل آمده به پسر خود گفت: جوال را پیدا کردم، پسر پرسید چطور شد که به یادت آمد؟ گفت: مشغول نماز خواندن بودم در آن حال به فکر فرو رفتم بالاخره به یادم آمد چه کرده‌ام، پسرش پس از شنیدن جریان گفت: پس شما نماز نمی‌خواندی بلکه جوال پیدا می‌کردی؟! از این سخن ابوعبدالله چنان تحت تأثیر قرار گرفت که علاقه‌مند به تحصیل دانش و تزکیه‌ی نفس شد تا بجائی رسید که تفسیری از خود به یادگار گذاشت. [۱].

[۱] نماز ره رستگاری، ص ۳۵.

درخواست از جناب عزرائیل

ابوالحسین گوید در وقت احتضار خیر نساج حاضر بودم وقت نماز شام رسید وی را غشی عارض شد و از هوش رفت چون به هوش آمد و دیده باز کرد به سوی در خانه اشاره کرد و گفت:

[صفحه ۹۴]

ساعتی مرا امان ده که تو مأمور خدائی و من نیز مأمور خدا، آن فرمان که تو داری فوت نمی‌شود و من در اختیار توأم، اما نماز من وقتش فوت می‌شود، پس آب خواست وضو گرفت و نماز شام بجا آورد و سپس جان بداد. [۱].

[۱] تفسیر روح البیان، ج ۷، ص ۱۱۵.

اعاده‌ی سی سال نماز

از یکی از بزرگان حکایت شده که قضاء نماز سی سال خود را بجای آورد و علت آن این بود که آن بزرگوار سی سال نمازش را به جماعت می‌گذاشت و همیشه در صف اول بود. تا اینکه روزی دیرتر رسید و نشد که در صف اول بایستد و از این امر در نفس خود احساس شرمندگی در مقابل دیگران نمود و به این نتیجه رسید که نمازهایی که در صف اول بجای آورده بود مایه‌ی سرور و راحتی نفس او بوده و از اینکه دیگران او را همیشه در صف اول می‌دیدند خوشحال بوده است لذا همه‌ی نمازهایی که در این مدت بجای آورده بود قضاء نمود. [۱].

[۱] کشکول شیخ بهائی ص ۷.

نماز کلاغی

حضرت صادق علیه‌السلام فرمود: روزی علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام مردی را مشاهده کرد همانند کلاغ که منقار به زمین می‌زند نماز می‌خواند

[صفحه ۹۵]

به او فرمود: چند وقت است که این طور نماز می‌خوانی؟ عرض کرد: از فلان زمان. حضرت فرمود: «عمل تو نزد خدا مانند کلاغی است که منقار بر زمین می‌زند. اگر با همین وضع بمیری، بر غیر امت حضرت محمد صلی الله علیه و آله خواهی مرد». آن گاه فرمود: «دزدترین مردم آن کسی است که از نمازش بدزدد».[۸]

[۸] محاسن برقی، ج ۱، ص ۸۲.

نماز خربزه‌ای

مرحوم حاج شیخ الاسلامی - رحمه الله علیه - می‌فرمود: شنیدم از عالم بزرگوار و سید عالی مقدار امام جمعه بهبهانی که در اوقات تشریف به مکه معظمه روزی به عزم تشریف به مسجدالحرام و خواندن نماز در آن مکان مقدس از خانه خارج شدم و در اتنای راه خطری پیش آمد و خداوند مرا از مرگ نجات داد. و با کمال سلامتی از آن خطر رو به مسجد آوردم. نزدیک در مسجد خربزه‌ی زیادی روی زمین ریخته بود و صاحبش مشغول فروش آنها بود. قیمت آن را پرسیدم. گفت: آن قسمت فلان قیمت و قسمت دیگر ارزان‌تر و فلان قیمت است. گفتم پس از مراجعت از مسجد می‌خرم و به منزل می‌برم، پس به مسجدالحرام رفتم و مشغول نماز شدم، در حال نماز در این خیال شدم که از قسمت گران آن خربزه بخرم

[صفحه ۹۶]

یا قسمت ارزان‌ترش، و چه مقدار بخرم و خلاصه تا آخر نماز در این خیال بودم و چون از نماز فارغ شدم. خواستم از مسجد بیرون روم که شخصی از در مسجد وارد و نزدیک من آمد و در گوشم گفت: خدایی که تو را از خطر مرگ امروز نجات بخشید، آیا سزاوار است که در خانه‌ی او نماز خربزه‌ای بخوانی؟ فوراً متوجه عیب خود شده و بر خود لرزیدم، خواستم دامنش را بگیرم او را نیافتم.[۸].

[۸] داستان‌های شگفت، ص ۹۳.

نماز با وجود اصابت تیر

در یکی از غزوات که رسول خدا صلی الله علیه و آله همراه لشکر بودند در شبی که پاسبانی لشکر اسلام بر عهده‌ی عباد بن بشر و عمار یاسر بود. نصف اول شب نصیب عباد گردید و نصف دوم نصیب عمار، پس عمار خوابید و تنها بشر بیدار بود و مشغول نماز گردید. در آن حال یکی از کفار به قصد شیبخون زدن به لشکر اسلام برآمد به خیال اینکه پاسبانی نیست و همه خوابند. از دور کسی را دید که ایستاده و تشخیص نمی‌داد که انسان است، یا حیوان، یا درخت. برای اینکه از طرف او نیز مطمئن شود، تیری به سویش انداخت. تیر بر پیکر عباد نشست و او ابدأ اعتنائی نکرد. تیر

[صفحه ۹۷]

دیگری به او زد و او را سخت مجروح و خونین نمود، باز حرکت نکرد. تیر سوم زد پس نماز را کوتاه نمود و تمام کرد و عمار را بیدار نمود، عمار دید سه تیر بر بدن عباد نشسته و او را غرق در خون کرد، گفت: چرا در تیر اول مرا بیدار نکردی؟ عباد گفت: مشغول خواندن سوره‌ی کهف در نماز بودم و میل نداشتم آن را ناتمام بگذارم و اگر نمی‌ترسیدم که دشمن بر سرم برسد و صدمه‌ای به پیغمبر صلی الله علیه و آله برساند و کوتاهی در این نگهبانی که به من واگذار شده، کرده باشم، هرگز نماز را کوتاه نمی‌کردم. اگرچه جانم را از دست می‌دادم. [۸].

[۸] نماز ره رستگاری، ص ۶۴.

نماز مقابل پاتک دشمن

برادر علی اکبر علی‌زاده چنین نقل می‌کند:

در منطقه‌ی «سور کوره» به ما مأموریت داده بودند. رفتیم داخل خط. نیمه شب عراقی‌ها تک زدند، طوری که آتش خیلی شدیدی می‌ریختند روی سرمان. هوا خیلی سرد بود و چند نفری هم شهید دادیم. اما دغدغه‌ی بچه‌ها نماز صبح بود که قضا نشود. درگیری خیلی شدید بود. حتی نشسته هم نمی‌شد نماز خواند. از آن طرف، آفتاب هم داشت می‌زد. دیدیم چاره‌ای نیست. آن نماز را طور خاص و عجیبی خواندیم. یک نفر به حالتی نزدیک به سجده نماز می‌خواند

[صفحه ۹۸]

و بقیه مواظبش بودند تا نمازش تمام شود. بعد وقتی نمازش تمام می‌شد، اسلحه را بر می‌داشت و شروع می‌کرد به تیراندازی، تا نفر بعدی نمازش را شروع کند. به همین شکل، تمام بچه‌ها نمازشان را خواندند و حتی بعضی‌ها دعای بعد از نماز را هم از دست ندادند. [۸]

[۸] پیشانی سوخته، ص ۱۷.

خواندن نماز در چهار زاویه

یکی از آزادگان چنین نقل می‌کند:

در اوایل اسارت، ما را از «العماره» به بغداد انتقال دادند و یک راست به سازمان امنیت بردند. وقتی به آن جا رسیدیم، موقع خواندن نماز بود، اما عراقی‌ها اجازه این کار را به ما نمی‌دادند، ناچار روی زمین نشستیم و برای این که نگاهان‌ها متوجه نشوند، نماز را به صورت نشسته خواندیم. آن هم در چهار زاویه‌ی مختلف چرا که حتی جرأت پرسیدن جهت قبله را از مأموران عراقی نداشتیم. [۸].

[۸] نماز در اسارت، ص ۱۵.

نماز حضرت علی

ابن ابی‌جمهور می‌گوید: در حدیث است که علی علیه‌السلام هر گاه وقت نماز می‌شد، ناآرام و لرزان می‌گشت و رنگش تغییر می‌کرد.

[صفحه ۹۹]

به ایشان گفته می‌شد: شما را چه شده است، ای امیرمؤمنان؟ می‌فرمود: وقت نماز در رسیده است، وقت امانتی که خداوند آن را بر آسمانها و زمین عرضه کرد و آنها از بر دوش کشیدنش خودداری ورزیدند و از آن ترسیدند. [۸].

[۸] عوالی الآلی ج ۱، ص ۳۲۴.

حضرت زهرا و نماز

در کتاب اسرارالصلوة آمده است که فاطمه زهرا علیهاالسلام هنگام نماز از ترس خدا نفس نفس می‌زد و رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی فرموده است:

اما دخترم فاطمه علیهاالسلام پس به راستی که او سیده‌ی زنان عالمیان از اولین و آخرینشان می‌باشد. تا اینکه فرمود: زمانی که در محرابش در مقابل پروردگار - جل جلاله - می‌ایستد، نورش برای ملائکه پرتوافکنی می‌کند، آن چنان که ستارگان آسمان برای اهل زمین نورافکنی می‌نمایند و خداوند متعال به ملائکه‌هایش می‌فرماید: ای ملائکه‌ی من بنگرید به امه و کنیز من فاطمه سیده‌ی کنیزانم، که در مقابل من به عبادت ایستاده به طوری که بدنش از ترس مقام من می‌لرزد. و با تمام وجود و قلبش بر عبادت و اطاعتم رو آورده است. شما فرشتگانم را شاهد می‌گیرم که شیعیان فاطمه را از آتش جهنم ایمن گردانیدم. [۸].

[صفحه ۱۰۰]

[۸] میزان الحکمه، ج ۵.

پیامبر اکرم در حال نماز

عطا ابن ریاح گوید: روزی نزد عایشه رفتم پرسیدم: شگفت‌انگیزترین چیزی که در عمرت از پیامبر صلی الله علیه و آله دیدی چه بود؟ او گفت: کارهای پیامبر صلی الله علیه و آله همه‌اش شگفت‌انگیز بود ولی از همه عجیب‌تر اینکه شبی از شبها که پیامبر صلی الله علیه و آله در خانه‌ی من بود، به استراحت پرداخت، هنوز آرام نگرفته بود که از جا برخاست و لباس پوشید و وضو گرفت و به نماز ایستاد و آن قدر در حال نماز و در جذبه‌ی خاص الهی اشک ریخت که جلوی لباسش، از اشک چشمش، تر شد. [۸].

پیامبر اکرم در حال نماز

عطا ابن ریاح گوید: روزی نزد عایشه رفتم پرسیدم: شگفت‌انگیزترین چیزی که در عمرت از پیامبر صلی الله علیه و آله دیدی چه بود؟ او گفت: کارهای پیامبر صلی الله علیه و آله همه‌اش شگفت‌انگیز بود ولی از همه عجیب‌تر اینکه شبی از شبها که پیامبر صلی الله علیه و آله در خانه‌ی من بود، به استراحت پرداخت، هنوز آرام نگرفته بود که از جا برخاست و لباس پوشید و وضو گرفت و به نماز ایستاد و آن قدر در حال نماز و در جذبه‌ی خاص الهی اشک ریخت که جلوی لباسش، از اشک چشمش، تر شد. [۸].

[۸] اخلاق و کردار محمد (ص)، ص ۷۸.

امام هادی و نماز

آمده است چندین نوبت که متوکل ملعون، افرادی را برای تفتیش و بازرسی به منزل آن حضرت فرستاده بود. مأموران متوکل در هر دفعه که وارد خانه می‌شدند می‌دیدند که امام بر روی سجاده‌ی حصیری‌اش مشغول عبادت و نماز خواندن بود و یا قرآن تلاوت می‌کرد.

و مسعودی در اثبات الوصیه روایت کرده که چون حضرت امام علی النقی علیه‌السلام داخل خانه‌ی متوکل شد، و ایستاد و مشغول به نماز گشت یکی از مخالفین آمد، ایستاد مقابل آن حضرت و گفت تا کی (نعوذ بالله) ریاکاری می‌کنی، حضرت بعد از سلام دادن نماز رو

[صفحه ۱۰۱]

کرد به او و فرمود: اگر دروغ گفתי در این نسبتی که به من دادی خدا تو را از بیخ برکند، تا این کلمه را فرمود آن مرد افتاد و بمرد. [۱].

[۱] منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۰۰۱.

آخرین وصیت

ابوبصیر گوید: بعد از درگذشت حضرت صادق علیه‌السلام پیش ام‌حمیده رفتم تا او را در این مصیبت تسلیت بگویم. تا چشمش به من افتاد شروع به گریه کرد من نیز از حال او به گریه افتادم. آن گاه گفت: ابامحمد! اگر حضرت صادق علیه‌السلام را هنگام مرگ مشاهده می‌کردی چیز عجیبی می‌دید. در آن لحظات آخر، چشم باز کرده، فرمود: هر کس بین من و او خویشاوندی هست بگوید بیاید. همه را گرد من جمع کنید سفارشی دارم. ام‌حمیده گفت: تمام خویشاوندان آن جناب را جمع کردیم در این موقع امام صادق علیه‌السلام نگاهی به آن نموده فرمود: شفاعت ما نخواهد رسید به آن کسی که نمازش را سبک بشمارد. [۱].

[۱] محاسن برقی، ج ۱، ص ۸۰.

نماز پیامبر اکرم

جابر بن عبدالله می‌گوید: پیامبر خدا برای خوراک و یا چیز دیگری، نماز را به تأخیر نمی‌انداخت. [۱].

[صفحه ۱۰۲]

عائشه می‌گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با ما و ما با او گفتگو می‌کردیم. هنگام نماز که می‌شد گویا نه او ما را می‌شناخته و نه ما او را می‌شناختیم. [۲].

ابوعبدالله بن حامد گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه نماز می‌خواند، از سینه‌اش آوایی از خوف، چو آواز جوشش دیگ شنیده می‌شد. [۳].

امام سجاد علیه‌السلام فرمود: پیامبر آنقدر در نماز می‌ایستاد، تا پاهایش ورم می‌کرد. [۴].

[۱] السنن الکبری، ج ۳، ص ۱۰۵.

[۲] عدۀ الداعی، ص ۱۳۹.

[۳] خصال، ص ۲۸۲.

[۴] فتح الابواب، ص ۱۷۰.

نماز شرطی

حسن بصری را گفتند: نماز نمی‌خوانی؟ بازاریان نمازشان را بخوانند.

گفت: بازاریان هر گاه کارشان سود دهد، نماز به تأخیر اندازند و هر وقت کسادی حاصل شود در آن تعجیل کنند! [۱].

[۱] کشکول شیخ بهائی، ص ۴۳۰.

فکر می‌کنید چند درصد از بازاریان از این امر مستثنی هستند؟

توصیه خدا به حضرت آدم

امام صادق علیه‌السلام فرمود: خداوند متعال به حضرت آدم علیه‌السلام وحی فرمود: من تمام سخنان را در چهار جمله برایت بیان می‌کنم.

[صفحه ۱۰۳]

آدم عرض کرد: پروردگارا، این جمله‌ها چیست؟

خداوند فرمود: یکی از آنها من هستم، دیگری تو هستی، سومی میان من و توست و چهارمی میان تو و مردم است.

آدم عرض کرد: آنها را بیان فرما، تا بفهمم.

خداوند تبارک و تعالی فرمود: آنچه مخصوص من است، آن است که مرا عبادت کنی و چیزی را شریک و همتای من نسازی، آنچه از تو است، آن است که من پاداش عمل تو را بدهم، زمانی که از هر وقت دیگر به آن محتاج تر باشی. و اما آنچه بین من و توست، دعا کردن تو و اجابت کردن من است. و آنچه میان تو و مردم است این که آنچه برای خود می‌پسندی برای مردم هم بیسندی، و آنچه برای خود نمی‌پسندی، برای مردم هم نپسندی.[۱]

[۱] ناسخ التواریخ، ص ۲۳.

شتاب به سوی نماز

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

من سبق الى الصلاة مخافة أن تسبقه أوجب الله له الجنة، و من تركها ماثرة عليها لم يدركها بعمل الى الحول.
هر کس به سوی نماز بشتابد، از این رو که می‌ترسد به آن نرسد، خداوند بهشت را برایش واجب می‌گرداند و هر

[صفحه ۱۰۴]

کس آن را ترک کرده کار دیگری را مقدم دارد، تا یک سال با عمل دیگری بهشت را در نمی‌یابد.[۱]

[۱] حلیة الأولیاء.

شکیبایی پیامبر اکرم در امر نماز

حضرت علی علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با وجود این که به بهشت مزده داده شده بود، برای نماز خود را به رنج می‌افکند و این به خاطر فرمان خدای سبحان بود که می‌فرماید: اهل خویش را به خواندن نماز فرمان ده و خود بر انجام آن شکیبیا باش. پس آن حضرت اهل خود را به نماز فرمان می‌داد و خود با شکیبایی آن را به انجام می‌رسانید.[۱]

[۱] نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۹۰.

عفو نماز گزار

یکی از بستگان امام صادق علیه السلام در غیاب آن حضرت به ناسزاگویی آن حضرت پرداخت و نزد مردم از آن حضرت بدگویی می کرد.

شخصی به محضر امام صادق علیه السلام آمد و جریان را به اطلاع امام رسانید. امام صادق علیه السلام همان دم به کنیز خود فرمود: آب وضو بیاور، او آب آورد و امام وضو ساخت و مشغول نماز شد. حماد لحام می گوید: من در آنجا بودم، با خود گفتم اکنون امام به آن ناسزاگو نفرین خواهد کرد، ولی برخلاف تصور من دیدم آن حضرت دو رکعت نماز خواند و بعد از نماز عرض کرد:

[صفحه ۱۰۵]

خدایا من حقم را به او بخشیدم، تو بزرگوارتر و سخی تر هستی، او را به من ببخش و مواخذه اش مفرما! سپس رقت قلب و ترحم خاصی به آن حضرت دست داد، و همچنان در مورد آن شخص ناسزاگو دعا کرد، و من از کار آن امام بزرگوار تعجب کردم. [۶].

[۸] انوار البهیة محدث قمی، ص ۱۲۶.

نماز خواندن حضرت عیسی پشت سر امام زمان

در کتاب شریف بحار الأنوار است که در آن روز موعود (روز ظهور) آن حضرت به اذن پروردگار به مسجد الحرام می رود و پشت مقام ابراهیم و رو به کعبه می ایستد و دو رکعت نماز می گزارد و سپس اعلام ظهور می فرماید. بعد از آنکه حضرت عیسی علیه السلام به یاران حضرت حجت (عج) می پیوندد حضرت مهدی به آن حضرت می گوید جلو بایست و با مردم نماز بخوان ولی حضرت عیسی می گوید: نماز برای تو اقامه شده لذا پشت سر حضرت ولی عصر (عج) می ایستد و نماز می خواند و با او بیعت می کند. [۹].

[۹] طاووس بهشتیان، ص ۲۲۸.

نماز و تربت امام حسین

ابن عمار گوید: «امام صادق علیه السلام پارچه دیباج زردی داشت که

تربت ابا عبدالله علیه السلام در آن بود و زمانی که وقت نماز می‌رسید آن را بر سجاده‌اش می‌ریخت و بر آن سجده می‌کرد، سپس می‌فرمود: سجده بر خاک حسین حجاب‌های هفت‌گانه را می‌درد.» [۱]

[۱] بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۱۵۳.

گواهی زمین برای نمازگزار

نقل شده که ابوامیه در مسجدالحرام نماز می‌خواند ولی یکجا نمی‌خواند بلکه در مواضع و نقاط متعدد و مختلف انجام می‌داد. کسی به او گفت: ای ابوامیه: این چه کاری است که می‌کنی؟ چطور یکجا نمی‌ایستی؟ او در جواب گفت: من این آیه کریمه را قرائت کردم که (یومئذ تحدث أخبارها) اکنون می‌خواهم که این مواضع مختلف برای من در روز قیامت گواهی دهند. [۱]

[۱] نمونه‌هایی از تأثیر و نفوذ قرآن، ص ۱۸۶.

نماز و آینده‌ی انسان

روایت شده جوانی از انصار در نماز جماعت با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شرکت می‌کرد. ولی کارهای زشت را نیز مرتکب می‌شد. به پیامبر صلی الله علیه و آله خبر دادند، آن حضرت فرمود: بالاخره نمازش روزی او را نجات خواهد داد و از کارهای زشت باز می‌دارد، پس مدتی نگذشت که جوان توبه کرد. [۱]

[۱] بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۱۹۸.

مسجد و نماز جماعت

اقامه‌ی نماز جماعت در مسجد، علیرغم ثواب غیر قابل وصف و آثار ارزنده‌ای که دارد، دارای کارکرد تربیتی و اجتماعی بسیار مهمی نیز می‌باشد و آن اینکه انسان از طریق نماز جماعت، ضمن بهره‌مندی از صفا و طراوت و قداست مکان با شکوهی چون مسجد، با اقشار مختلف مردم ارتباط صمیمی برقرار می‌کند. مردمی که پرهیزگار هستند و مؤمن، آگاه به هدف جهان خلقت می‌باشند و رهرو راه

معصومین علیهم السلام، صمیمی هستند و نودوست. مردمی که به خدای جهان آفرین بهاء می دهند و بعد از ساعتها کار و تلاش، به راز و نیاز با او می پردازند و او را حمد و سپاس می گویند.

[صفحه ۱۱۰]

نکته‌ی قابل توجه اینکه خداوند بنده نواز، از طریق نماز جماعت، انسانها را از تنهایی و عدم آگاهی از یکدیگر می رهاند و بین قلوب آنان پیوند ایجاد می کند که این خودش نقش تربیتی و اجتماعی قابل توجهی دارد و نیاز انسان به اجتماع را به نحو شایسته‌ای، آن هم چندین نوبت در شبانه روز، پاسخ می دهد. و اما چند حدیث و داستان در ارتباط با مسجد و نماز جماعت.

بهتر از چهل سال نماز در خانه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

صلاة الرجل في جماعة خير من صلاته في بيته أربعين سنة، قيل: يا رسول الله صلوة يوم، فقال: صلوة واحدة؛ نماز انسان در جماعت بهتر است از نمازی که چهل سال در خانه اش خوانده شود. عرض کردند: یا رسول الله، نماز یک روز؟ فرمود: بلکه یک نماز. [۱].

[۱] وسائل الشیعه ج ۵ ص ۳۷۴.

نماز پشت سر عالم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

من صلی خلف عالم فکأنما صلی خلف رسول الله.

[صفحه ۱۱۱]

کسی که پشت سر عالمی نماز به جا آورد، مانند کسی است که پشت سر پیغمبر خدا نماز خوانده است.

خانه های خدا

ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام در مورد علت لزوم تعظیم مساجد سؤال کردم. امام علیه‌السلام فرمودند: از آن روی به تعظیم و احترام مساجد فرمان داده شد، که مساجد خانه‌های خدا در روی زمین هستند. [۸].

[۸] وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۵۷.

بهره‌ای عجیب

از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که فرمود: شخصی از مسجد باز می‌گردد، کمترین چیزی که به چنگ آورده است، می‌تواند یکی از سه مورد زیر باشد؛ دخول در بهشت، دفع بلا، دوستی که می‌تواند باعث موفقیت‌های او در اعمال نیک شود. [۸].

[۸] بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۷۵.

خداوند استقبال می‌کند

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

لا یتوضأ أحد فیحسن وضوءه و یسبعه ثم یأتی

[صفحه ۱۱۲]

المسجد لا یرید الا الصلاة فیہ الا تشبش الله به کما یتشبش أهل الغائب بطلعته.
هیچ کس وضویی کامل و نیکو نمی‌گیرد و سپس برای نماز به مسجد نمی‌آید، مگر اینکه خداوند با لطف و خوشی از او استقبال می‌کند، همچون خوشحالی خانواده‌ی شخص غائب هنگام ورودش. [۸].

[۸] مسند ابن حنبل ج ۳ ص ۱۷۵.

فلسفه‌ی اجتماع در مسجد

به نقل یکی از علمای مورد اطمینان، شیخ الرئیس ابوعلی سینا برای ابوسعید ابوالخیر نامه نوشت که: چه لزومی دارد مردم همه در مسجد اجتماع کنند، با این که خداوند از رگ گردن به انسان نزدیکتر است، هر جا که باشی اگر رابطات را با خدا برقرار سازی نتیجه خواهی گرفت.

ابوسعید جواب نامه‌ی ابوعلی سینا را نوشت و در آن نامه چنین مثال زد:

اگر چند چراغ در یک جا روشن باشد، یا هر کدام در اطافی در بسته باشد، در صورت اول اگر یکی از آنها خاموش شود، چراغهای دیگر روشن است، ولیکن در حالت دوم، اگر یکی از

[صفحه ۱۱۳]

چراغها خاموش شد، آن اطاف تاریک می‌گردد.

انسانها نیز همین گونه هستند، بعضی گناهکار هستند که اگر تنها باشند، شاید موفق به فیوضات و برکات نور الهی نشوند. ولی اگر در اجتماع باشند، شاید خداوند به برکت وجود بعضی از افراد دیگر اجتماع، آنها را نیز مشمول فیوضات و برکاتش قرار دهد. قابل توجه اینکه این مطلب فقط نشانگر یک بعد از ابعاد بسیار زیاد جماعت می‌باشد. [۱].

[۱] داستانها و پندها، ج ۹ ص ۵۸.

فضیلتی ویژه برای مسجدیها

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

من مشی الی مسجد یطلب فیہ الجماعة کان له بكل خطوة سبعون ألف حسنة، و یرفع له من الدرجات مثل ذلک، فان مات و هو علی ذلک وکل الله به سبعین ألف ملک یعودونه فی قبره و یؤنسونه فی وحدته، و یستغفرون له حتی یبعث. هر کس به قصد برپائی نماز جماعت به سوی مسجد برود، برای هر قدم او هفتاد هزار حسنه می‌دهند. و درجات وی به همین نسبت بالا می‌رود. و اگر در این

[صفحه ۱۱۴]

حالت بمیرد، خداوند هفتاد هزار فرشته را مأمور می‌کند تا در قبر همدم او باشند و برای او تا روزی که برانگیخته می‌شود، طلب مغفرت کنند. [۱].

[۱] مجموعه الاخبار، ص ۲۶۶.

کاخ بهشتی در عوض مسجد

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:
من بنی لله مسجداً، بنی الله له قصرأ فی الجنة.
هر کس برای خدا مسجدی بسازد، خداوند برای او کاخی در بهشت بنا می‌کند.[۸].

[۸] کنز العمال ج ۷ ص ۶۵۴.

اثر نماز جماعت

یکی از بزرگان گفت: خواب دیدم که در قصر بزرگ، سلطانی بر تخت آن نشسته (در آن دنیا)، خیال کردم یکی از انبیاء است. رفتم سلام کردم و گفتم: تو کیستی؟
گفت: من در دنیا حمال بودم.
گفتم: چه شد که به این درجه رسیدی؟
گفت: به واسطه‌ی دو عمل: یکی روزه، و دیگری ترک نشدن نماز جماعت.

[صفحه ۱۱۵]

نماز و افراد منافق

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «پیامبر صلی الله علیه و آله برای ادای نماز صبح با جماعت وارد مسجد شد، پس از نماز به پشت سر نگاه کرد و دید عده‌ای از مسلمین برای نماز نیامده‌اند، نام آنها را به زبان آورد و فرمود: آیا این افراد در نماز شرکت نمودند؟ حاضران گفتند: نه.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آگاه باشید که بر افراد منافق، نمازی سخت‌تر از نماز عشاء و نماز صبح نیست. اگر آنها پاداش نماز صبح و عشاء را با جماعت در می‌یافتند، گرچه چهار دست و پا باشد خود را به جماعت می‌رساندند.[۹].

[۹] وسائل الشیعه ج ۵ ص ۳۷۸.

تأثیر شگرف نماز جماعت عصر

در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «واقم الصلاة طرفی النهار...» نقل شده که ابوالیسر عمرو بن غزیه انصاری، روزی در بازار خرمافروشان، خرما می‌فروخت. زن صاحب جمالی را، که برای خرید خرما به نزد او آمده بود، دیدار کرد. ابوالیسر، که شیفته‌ی جمال آن زن شده بود، گفت: با من به خانهاام بیا! تا خرماى بهتری به تو عرضه کنم. زن بیچاره فریب خورد و به

[صفحه ۱۱۶]

خانه‌ی وی رفت. ابوالیسر او را در برگرفت و به تقبیل و تمتع پرداخت. زن گفت: ای مرد! از خدا بترس! ابوالیسر فی‌الحال پشیمان شده و زن را رها کرد و به محضر شریف رسول اکرم صلی الله علیه و آله مشرف شد. و در حال گریه به عرض آن حضرت رسانید که: یا رسول الله چه می‌فرمایی در حق کسی که زن بیگانه‌ای را به خانه‌ی خود آورد و میانه‌ی ایشان ملامسه و تقبیل غیر از جماع واقع شود؟ حضرت هیچ جواب نفرمود و منتظر وحی شد، تا وقت نماز عصر فرا رسید. رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز عصر را به جا آورد. جبرئیل آمد و این آیه را آورد: «... ان الحسنات یذهبن السيئات». یعنی نماز سیئات را می‌برد و پاک می‌سازد. حضرت رسول صلی الله علیه و آله ابوالیسر را احضار کرد و فرمود: آیا نماز عصرت را با ما گزارده‌ای؟ گفت: بلی یا رسول الله. حضرت فرمود: نمازت کفاره گناهت می‌باشد. اصحاب عرض کردند: یا رسول الله این حال (نماز موجب آمرزش گناهان است) مخصوص به ابوالیسر است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: نه، همه‌ی مردم در این حکم داخلند. مؤید این در حدیث آمده که «من الصلاة الى الصلاة کفارة ما بینهما، ما اجتنب الكبائر؛ نمازی تا به نماز دیگر کفاره‌ی گناهان مابین دو نماز است مادامی که از گناهان کبیره اجتناب شود.» [۱].

[صفحه ۱۱۷]

[۱] نماز از دیدگاه قرآن و حدیث ص ۹۳.

ارزش صف اول جماعت

قال ابوالحسن موسى بن جعفر علیه السلام:

ان الصلوة فی الصف الاول کالجهد فی سبیل الله عزوجل

نماز خواندن در صف اول مانند جهاد کردن در راه خداست. [۱].

[۱] وسائل الشیعه، ج ۵ ص ۳۸۷.

یهود امت پیامبر اکرم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: به یهود و نصاری سلام کنید، و بر «یهود امت من» سلام نکنید. عرض کردند: یا رسول الله! یهود امت شما کیست؟

فرمود: آنهایی که اذان و اقامه را می شنوند، ولی در نماز جماعت حضور پیدا نمی کنند. [۸].

[۸] لئالی الاخبار، ج ۴، ص ۲۰۴.

تأثیر صفوف منظم

ابن مردویه از انس روایت کرده که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین بود که هر وقت به نماز می ایستاد می فرمود: صف نماز را منظم

[صفحه ۱۱۸]

کنید. فلانی تو قدری جلو بیا، و فلانی تو قدری عقب برو! آن گاه می فرمود: اگر صفوف نماز خود را منظم کنید و به خط مستقیم بایستید خدای متعال شما را مانند ملائکه هدایت می کند، آن گاه این آیه را تلاوت می فرمود:

«و انا لنحن الصافون و انا لنحن المستحون» [۸].

و در کتاب محراب اسارت آمده است. شکوه و عظمت صفهای منسجم و فشرده‌ی نماز که از اول آسایشگاه تا نزدیک در، رسیده بود از انتهای صفها بیشتر نمایان بود. و حرکت‌های منظم و هماهنگ که ابهتش دشمن را به لرزه می انداخت، صمیمیت و یکدلی را بیشتر در قلبها زنده می کرد، گویی این نماز متجلی وحدت و یکپارچگی بود. آن شب من به عنوان نگهبان، کنار پنجره ایستاده بودم تا اگر سر و کله‌ی نگهبان عراقی پیدا شد، با رمز مخصوص، دیگران را با خبر کنم. اما آن قدر رکوع و سجود بچه‌ها زیبا و با صفا بود که به کلی وظیفهام را فراموش کرده بودم و خدا را شکر که آن موقع نگهبان نیامد و الا نمی دانم چه می شد. خوف دشمن از این گونه برنامه‌های شکوهمند و منسجم، گوشه‌هایی از حکمت نماز جماعت را برای ما ملموس می نمود.

[صفحه ۱۱۹]

[۸] ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۲۷۳.

اثر تأخیر در رسیدن به جماعت

از عبدالله بن مسعود نقل شده است که: روزی از تکبیر نماز جماعت ماندم و به خاطر این کار، یک بنده آزاد نمودم، و وقتی که جریان را خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کردم فرمود: فضیلت از دست رفته را درک نخواهی کرد ای پسر مسعود! اگر تمام روی زمین را انفاق کنی، ثواب تکبیر را تدارک نخواهی نمود. [۸].

[۸] داستانها و حکایتهای مسجد، ص ۸۹.

ارزش حضور در مسجد

مردی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: مسجدی در همسایگی من قرار دارد، من در خانه (با انجام مستحبات) و طولانی نماز بخوانم بهتر است یا در مسجد با جماعت؟ امام در جواب وی نوشت: با جماعت نماز بخوان و از نماز فرادای طویل بپرهیز. [۹].

[۹] وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۷۷.

ارزش نماز جماعت صبح

در روایتی چنین آمده است: یک شب امیرالمؤمنین علیه السلام تا صبح

[صفحه ۱۲۰]

مشغول عبادت بود و وقت اذان صبح فوراً نماز خود را به صورت فرادی خواند و به منزل برگشت و استراحت کرد. چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حضرت را در صف نمازگزاران مشاهده نفرمود. به منزل آن حضرت آمد و از حضرت زهرا علیها السلام حال علی علیه السلام را جویا گردید. فاطمه زهرا علیها السلام جریان را به پدر عرضه داشت. حضرت فرمود: آنچه از دست او رفته است، به خاطر عدم حضور در نماز جماعت صبح بیش از آن چیزی است که به دست آورده است از شب زنده‌داری و عبادت تمامی شب.

در این هنگام علی علیه السلام از گفتگوی پیامبر و فاطمه علیها السلام بیدار شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت فرمود: یا علی، ان من صلی الصلاة فی جماعة أفضل من قیام لیلۃ کله: ای علی! کسی که نماز صبح را به جماعت بخواند، بهتر است از آن که تمام شب را به عبادت برخیزد. [۱۰].

[۱۰] بحارالانوار، ج ۸۸، ص ۱۷.

همسایگان مسجد

حضرت علی علیه السلام فرمود:

لا صلاة لمن لم يشهد الصلوات المكتوبات من جيران المسجد اذا كان فارغاً صحيحاً.

[صفحه ۱۲۱]

بر آن دسته همسایگان مسجد که تندرست و فارغند ولی در نمازهای واجب حاضر نمی شوند، نمازی نیست. [۸].

[۱] تهذیب ج ۳ ص ۲۶۱.

آهی از اتمام نماز

یکی از مسلمین با شتاب به سوی مسجد پیامبر (ص) آمد، تا در نماز جماعت آن حضرت شرکت کند. وقتی که به در مسجد رسید، دید که مردم از مسجد بیرون می آیند. از یکی پرسید: چرا از مسجد بیرون می آید؟ او گفت: نماز جماعت تمام شد. به کجا می روی؟ آن مرد عقب مانده، از اعماق قلب، آهی کشید و افسوس خورد که چرا موفق به درک جماعت نشده است. مردی از مسلمین به او گفت: تو، آن آه سوزان را به من ببخش و من نماز جماعت را به تو می بخشم. عقب مانده گفت: بسیار خوب، من آه خودم را به تو دادم و تو نماز را به من بده. عقب مانده این را گفت و به مسجد رفت. همان شب در عالم خواب دید که هاتفی به او گفت: خوشا به حالت روحانی تو، که آه سوزان و آب حیات و شفا یافتی و سپس به خاطر گذشت از مقام

[صفحه ۱۲۲]

روحانی آن آه، در مقابل نماز شخص دیگر، نماز همه ی آنها که در مسجد بودند، قبول درگاه خدا شد. [۸].

[۱] داستانهای مثنوی، ج ۲، ص ۱۶ و ۱۷.

نماز جماعت عزاداران حسینی

آیت‌الله امینی می‌فرماید: امسال در حرم حضرت معصومه علیهاالسلام در روز عاشورا هیئتی از قم می‌آمدند هیئت بزرگی بود همین که وارد صحن حضرت معصومه علیهاالسلام شدند، مؤذن اذان گفت، این را می‌دانید که سینه‌زنان اباعبدالله الحسین علیه‌السلام چقدر علاقه دارند که در حرم مفصل عزاداری کنند. آن هم روز عاشورا! همینکه به صحن حضرت معصومه علیهاالسلام رسیدند مؤذن گفت: الله اکبر. وسط صحن نماز را خواندند و بعد دوباره شروع به عزاداری نمودند. خدا می‌داند این مردم های‌های شروع به گریه کردند. حقیقت اسلام اینجور ظاهر می‌شود. [۸].

[۸] نماز بهشت خلوت انس ص ۷۴.

سجده بر سنگهای داغ

برادر باقری، از لشکر ۲۷ حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله نقل می‌کرد:
عملیات رمضان هنوز شروع نشده بود. همان روز به منطقی

[صفحه ۱۲۳]

جنوب آمده بودیم. تابستان بود. ظهر شد. اذان گفتند. روحانی ما همه را به نماز جماعت دعوت کرد. وسط صحرا به نماز ایستادیم. به جای مهر، از سنگ‌های بیابان استفاده کردیم. به اولین سجده که رفتیم، پیشانی‌ها شروع کرد به سوختن، خیلی هم شدید. تمام نماز آن روز را با سجده کامل خواندیم و پیشانیهای همه سوخته بود، اما کسی سجده را قطع نکرد. هنوز هم معنویت و آسمانی بودن آن نماز در ذهنمان مانده است. [۸].

[۸] پیشانی سوخته، ص ۲۱.

نماز جماعت در هوای گرم

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در گرمای شدید نیمروز، نماز ظهر را به جماعت برگزار می‌کرد. این کار برای برخی از یاران آن حضرت، بسیار گران می‌آید. از سویی، عده‌ای از منافقان هم گرمی هوا را بهانه‌ی خوبی برای ایجاد تفرقه و شکاف در صفوف مسلمین قرار داده و از شرکت در نماز جماعت سرباز می‌زدند. گروهی دیگر نیز به پیروی از آنها، در صف نماز جماعت حاضر نمی‌شدند و در نتیجه جمعیت نمازگزاران مسلمان، کاهش یافته بود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله از این مسأله ناراحت بود، که این آیه نازل شد: حافظوا علی الصلوات و الصلوة

[صفحه ۱۲۴]

الوسطی و قوموا لله قانتین؛

در انجام نمازها و نماز وسطی (نماز ظهر) کوشا باشید و از روی خضوع و اطاعت، برای خدا به پا خیزید.[۸].

[۸] تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۴۶.

نماز جماعت علی رغم تهدید دشمن

مدت زمانی بود که در اثر مقاومت سرسختانه و عناد و سماجت دشمن نماز جماعت برگزار نمی‌شد. شیعیان درس خوانده در مکتب پر فیض اهل بیت را بسی سخت و دشوار است که تحمل چنین حالتی را برای همیشه بر دوش خود پذیرا باشند. در یک اقدام بسیار زیبا و خدایسنده گروه زیادی از برادران در میدانگاه اردوگاه نماز جماعت به پا کردند. بی‌خردان بعضی که دریافته بودند اگر از همین ابتدا جلوی ریزش فواره‌های این سد حساس را نگیرند، اقامه جماعات سیل بنیان برافکنی نسبت به توطئه‌های آنان خواهد شد، با سراسیمگی کاملاً مشهود در پی تنبیه و توبیخ جمعی از برادران شرکت کننده برآمدند. غروب آن روز بیشتر آسایشگاهها با بی‌اعتنائی به تهدید پوشالی دشمن نماز جماعت بپا کردند، و این مسأله به معنای یک رویارویی مستقیم تلقی گردید.

[صفحه ۱۲۵]

آنان که در مقابل این حرکت جسورانه احساس ضعف و زبونی می‌کردند، بلافاصله دست به دامان بغداد شدند و فردای آن روز گروهی از افسران اطلاعاتی عراق به داخل اردوگاه آمدند و تهدید کردند و گفتند دیگر جماعت نباید برگزار شود، افسوس که کور خوانده بودند.[۹].

[۹] سالهای اسارت صفحه ۱۴۹.

در حال بیماری

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در حال احتضار بود. ناگهان صدای بلال، مؤذن مدینه به گوش رسید و اذان صبح در مدینه، طنین‌انداز شد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله برخاستند و وضو گرفتند، دستی بر دوش امیرمؤمنان علیه‌السلام و دستی بر دوش فضل بن عباس انداختند و به سختی تمام به مسجد آمدند و نماز صبح را به جماعت با مردم برگزار نمودند، و بعد از نماز به سوی خانه بازگشتند و در بستر آرمیدند.[۱۰].

[۱] منتهی الآمال، ج ۱، ص ۷۶.

نباید اجتماع را رها کرد

حمید روحانی می‌گوید: امام خمینی می‌فرمودند:
در دوران رضاخان من از یکی از ائمه جماعت سؤال کردم که

[صفحه ۱۲۶]

اگر یک وقت رضاخان لباسها را ممنوع کند و اجازه‌ی پوشیدن لباس روحانی به شما ندهد، چه کار می‌کنید؟ او گفت: ما توی منزل می‌نشینیم و جایی نمی‌رویم. گفتم: من اگر پیش نماز بوم و رضاخان لباس را ممنوع می‌کرد، همان روز با لباس تغییر یافته به مسجد می‌آمدم و به اجتماع می‌رفتم. نباید اجتماع را رها کرد و از مردم دور بود. [۱].

[۱] امام در سنگر نماز، ص ۵۵.

جایگاه نماز جماعت

زراره بن اعین و فضیل گویند: از امام صادق علیه‌السلام پرسیدیم که آیا واجب است نماز را به جماعت بخوانیم؟ آن حضرت فرمود: نماز، فریضه و واجب است، اما در تمامی نمازها، جماعت فرض و واجب نیست، بلکه نماز جماعت سنت است و کسی که بدون علت جماعت مؤمنین را ترک کند و نماز را به جماعت نگذارد، نمازی برای او نیست.

در تمام عمر به مسجد نرفت

شخصی در ظاهر مسلمان بود، ولی به اصطلاح، مسلمان

[صفحه ۱۲۷]

شناسنامه‌ای. وی در امور و احکام اسلام کاملاً بی‌تفاوت بود، مثلاً با مسجد میانه نداشت، مسجد رفتن برای او بسیار سخت بود و اگر احياناً از کنار آن رد می‌شد، با کمال بی‌اعتنائی عبور می‌کرد. روزی با یکی از پسرانش که کودک بود، بر سر موضوعی نزاع کرد و بلند شد تا پسرش را کتک بزند، پسر از دست او فرار کرد، و او پسرش را دنبال نمود، تا این که پسر به طرف مسجد آمد و می‌دانست پدرش

با مسجد میانه ندارد، رفت داخل مسجد، آن پدر تا نزدیک در مسجد آمد ولی وارد مسجد نشد و در همان جا فریاد زد: «بیا بیرون، بیا بیرون، من در تمام عمر به مسجد نیامده‌ام، نگذار اکنون وارد مسجد شوم، بیا بیرون!!» [۸].

[۸] داستانها و حکایتهای مسجد ص ۲۵.

خانه‌ی خودم

هارون‌الرشید در بغداد مسجدی احداث کرد و بر سر در آن نام خود را نوشت. روزی که برای بررسی به آن مسجد آمده بود، بهلول رسید و گفت: چه ساخته‌ای؟ هارون‌الرشید گفت: خانه خدا بنا کرده‌ام. بهلول گفت: دستور بده تا اسم مرا به جای اسم تو بر دیوار نقش کنند. شاه غضبناک شد و گفت: من مسجد ساخته‌ام و بر آن نام تو را بنویسم؟

[صفحه ۱۲۸]

بهلول گفت: پس چرا می‌گویی خانه‌ی خدا؟
هارون‌الرشید گفت: پس چه بگویم؟
بهلول گفت: بگو خانه‌ی خودم. [۸].

[۸] حکایت برگزیده از زندگی علماء با سلاطین ص ۷۴.

توجه به مسجد حتی اگر مخروبه باشد

از گفتار راشد در مورد پدرش مرحوم ملا عباس تربتی رحمه الله علیه است که، به سبب پیش‌آمدهای آن چند سال، مردم در همه جا نسبت به امور دینی کم اعتنا گشته بودند و از این رو هنوز کسی برای نوسازی مسجدی که ویران شده بود، اقدام نکرده بود و آوارهای فرو ریخته، همچنان تپه خاکی، در کف مسجد باقی بود. پدرم حاج آخوند تربتی در زیر همان قسمت که نیمی از آن فرو ریخته بود مقداری از آوارها را کنار زده و حصیر را پاکیزه کرده بود و سه نوبت نمازش را می‌رفت در همانجا می‌خواند. روزی من به ده آمده بودم، نهار خوردم و خواستم استراحت بکنم، پدرم برخاست و وضو گرفت و به مسجد رفت. من نیز غنیمت دانستم که نمازی پس از چند سال با آن مرد بخوانم. وضو گرفتم و به مسجد رفتم. از جانیی وارد شدم که او مرا ندید و آهسته جلو رفتم. در رکعت دوم نماز بود و خدا می‌داند که میان این نمازش در

[صفحه ۱۲۹]

حال تنهایی، در میان آواره‌های فرو ریخته مسجد این ده با نمازی که آن روز در مسجد گوهرشاد به او اقتدا کردم و نیمی از صحن مسجد گوهرشاد و تمامی یک شبستان از جمعیتی که به او اقتداء کرد، پر بود، از لحاظ طمأنینه و قرائت و همه ذکرهای واجب و مستحب ذره‌ای تفاوت نداشت. یعنی آن داعی یا نیت یا عشق یا شوق که او را وادار به نماز می‌کرد، در هر دو جا یکسان بود و آن جز خدا نمی‌تواند باشد که: «و هو معکم اینما کنتم» [۱].

[۱] فضیلت‌های فراموش شده ص ۱۲۴.

رابطه‌ی امام موسی بن جعفر با مسجد

خطیب بغدادی - که از اعظم اهل سنت و از مورخین موثق و از قدماء ایشان است - گفته: موسی بن جعفر علیه‌السلام را که عبد صالح می‌گفتند: از شدت عبادت و کوشش و اجتهادش بود - و او گفته: روایت شده که: آن حضرت داخل مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله شد و در اول شب به سجده رفت و شنیدند که پیوسته تا صبح این را می‌گفت:

«عظم الذنب من عبدک فلیحسن العفو من عندک»

«پروردگارا! بزرگ است گناه از عبد تو، پس چه نیکو است عفو و اغماض از نزد تو» [۱].

[صفحه ۱۳۰]

[۱] نماز از دیدگاه قرآن و حدیث ص ۱۴۴.

بستن طناب از منزل تا مسجد

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تصمیم گرفت کسانی که (بدون عذر شرعی) در منزل‌های خود نماز می‌خوانند و در جماعت مسلمانان شرکت نمی‌کنند، خانه‌هایشان را آتش بزنند. یک نفر نایبنا به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: من نایبنا هستم، صدای اذان جماعت را می‌شنوم، ولی کسی نیست که دستم را بگیرد و مرا به جماعت برساند، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: از منزل تا مسجد، طنابی ببند، هنگام نماز جماعت، آن طناب را بگیر و با راهنمایی آن خود را به مسجد برسان و در نماز جماعت شرکت کن. [۱].

[۱] نماز از دیدگاه قرآن و حدیث ص ۱۴۴.

اثر تربیتی حضور در مسجد

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در نصایح و راهنمایی‌های خویش به اباذر غفاری می‌فرماید:
ای اباذر! هر کس ندای داعی و پیک حق (مؤذن) را جواب گوید و مساجد را آباد نماید، پاداش عمل او بهشت است.
اباذر گفت: عرض کردم یا رسول الله! پدر و مادرم به فدایت. چگونه مساجد را آباد کند؟ فرمود: صدا در آن بلند نکند، در باطل

[صفحه ۱۳۱]

فرو نرود، در میان مسجد خرید و فروش ننماید، تا در مسجد است لغویات را ترک کند؛ اگر این کارها را نکند، در قیامت جز شخص خویش را ملامت ننماید. [۱].

[۱] مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۴۷۲.

آثار ترک مسجد

به امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام خبر رسید که گروهی برای نماز در مسجد حاضر نمی‌شوند، حضرت خطبه‌ای خواند و در آن خطبه چنین فرمود:
به درستی که گروهی برای نماز در مساجد ما حاضر نمی‌شوند، پس با ما، نه غذا بخورند، نه آب بیاشامند و نه مشورت کنند و نه از ما (زن) بگیرند و از غنایم ما چیزی اخذ نکنند، تا این که در نماز جماعت با ما حاضر شوند. [۱].

[۱] بحارالانوار، ج ۸۸، ص ۱۳.

همسایگان مسجد

به امام علی علیه‌السلام خبر دادند که در کوفه قومی هستند در همسایگی مسجد که به جماعت مسلمین در مسجد حاضر نمی‌شوند.

[صفحه ۱۳۲]

امام علی علیه‌السلام فرمود: باید به جماعت ما و نماز با ما در مسجد حاضر شوند، و گرنه باید کوچ کنند و از همسایگی مسجد دور شوند و با ما همسایه نباشند و ما نیز با آنان مجاور نباشیم. [۱].

نماز اول وقت

انسان با اقامه‌ی نماز اول وقت و دست کشیدن از کسب و کار و تجارت و دل کندن از گرماگرم بحث و گفتگو و صرف غذا و سرگرم بودن به چیزی، در حقیقت زیباترین و بامعناترین حرکت را از خودش به یادگار می‌گذارد. حرکتی که حاکی از درک عظمت الهی و رسالت انسانی در برابر الله می‌باشد و پاسخی زیبا و مثبت و شایسته به ندای ملکوتی «حی علی الصلوة» و «حی علی الفلاح» است و اگر این عکس‌العمل نسبت به آوای ملکوتی اذان نباشد و انسان اقامه‌ی نماز را به خاطر امور کم‌ارزش و یا کسب و تجارت به تأخیر اندازد به نوعی نمازش را از درون مایه‌ی سجده در برابر خدای قهار و عظیم تهی نموده است و از بیا داشتن و زنده

نگه داشتن نماز به سمت نماز خواندن همراه با سهل‌انگاری میل نموده، که این امر، به هیچ وجه در شأن انسان خداپرست و خداخواه و شیعه‌ی حضرت علی علیه‌السلام و رهرو راه امام حسین علیه‌السلام نمی‌باشد. و درسی که انسان از طریق نماز اول وقت آن هم چندین نوبت در شبانه‌روز، فرا می‌گیرد این است که باید متعهد باشد و وقت‌شناس. زندگی‌ش دارای نظام اولویت بندی باشد و در طول زندگی از صفت خوب امانت داری برخوردار باشد یعنی امانت نماز را به عنوان یک نمازگزار بخوبی حفظ نماید و از ضایع نمودن آن پرهیز کند و چه امانتی بهتر از امانت خداپرستی و اهل سجده و رکوع بودن در برابر ذات احدیت.

به دست آوردن بهشت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله:

مفتاح الجنة الصلاة؛ کلید بهشت، نماز است. [۱].

همچنین فرمود:

ان لعبدی علی عهداً ان اقام الصلاة لوقتها ان لا اعذبه و ان ادخله الجنة بغير حساب.

برای بنده‌ام تعهد کرده‌ام، اگر نماز را در وقتش برپا دارد

کیفرش ندهم و او را بی محاسبه وارد بهشت گردانم. [۲].

[۱] مسند ابن حنبل ج ۵، ص ۱۰۳.

[۲] کنز العمال ج ۷ ص ۳۱۲.

برآورده شدن خواسته‌ها

امام باقر علیه السلام فرمود:

لما کلم الله موسى بن عمران عليه السلام، قال موسى:

الهي فما جزاء من صلى الصلاة لوقتها، لم يشغله عن وقتها دنيا؟ قال: يا موسى، اعطيه سوله و أبيحه جنتي.

موسی هنگام گفتگو با خداوند چنین گفت: خدای من، پاداش آن کس که نمازش را در وقتش خوانده و دنیا او را به خود مشغول

نساخته است، چیست؟ خداوند فرمود: ای موسی، آنچه خواسته به او می‌بخشم و بهشتم را بر او روا می‌سازم. [۱].

[۱] امالی صدوق.

محبوب‌ترین کارها

عبدالله بن مسعود می‌گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم:

أی الاعمال احب الی الله عزوجل؟ قال: الصلوة

لوقتها، قلت ثم ای شیء؟ قال: بر الوالدین، قلت: ثم ای شیء؟ قال: الجهاد فی سبیل الله عزوجل.

محبوب‌ترین کارها نزد خداوند چیست؟ حضرت فرمود: نماز در وقت خودش. پرسیدم: بعد از آن چیست؟ فرمود: نیکی به پدر و مادر.

سپس پرسیدم بعد از آن چیست؟ حضرت فرمود: جهاد در راه خداوند عزوجل. [۱].

[۱] خصال صدوق، ص ۷۶.

نماز اول وقت و ملک الموت

امام صادق علیه السلام فرمود:

ان ملك الموت يدفع الشيطان عن المحافظ على الصلاة و يلقنه شهادة أن، لا اله الا الله و أن محمداً رسول الله في تلك الحالة العظيمة. به درستی که ملک الموت، شیطان را در دم مرگ از کسی که مراقب نماز است دور می‌کند و شهادت بر «لا اله الا الله» و «محمد رسول الله» را به او تلقین می‌نماید. تا شیطان توفیق گفتن شهادتین را از او نگیرد. [۱].

[صفحه ۱۳۹]

[۱] وسائل لشبیه، ج ۳ ص ۱۹.

تأثیر نماز اول وقت در برزخ

جوانی از بستگان نویسنده‌ی کتاب «رؤیا از نظر دین و روان‌شناسی» به علت بیماری دار فانی را وداع گفت. جوانی بسیار متدین، با تقوا و نیکوکار بود. پسرش که حدود یازده سال داشت، او را در خواب می‌بیند که صورتش مثل خورشید می‌درخشد و نورانی است. از او می‌پرسد: پدر! چرا صورت شما این قدر نورانی شده که من نمی‌توانم به آن نگاه کنم؟ پدر پاسخ می‌دهد: عزیزم! من همواره در دنیا مقید بودم که نمازهایم را در اول وقت به جا آورم. به همین سبب، در عالم برزخ صورتم نورانی شده است. [۱].

[۱] تپش قلم، ص ۳۳.

تأخیر انداختن نماز موجب جرأت پیدا کردن شیطان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

لا يزال الشيطان يربع من بني آدم ما حافظ على الصلوات الخمس فاذا ضيعهن تجرء عليه

[صفحه ۱۴۰]

و أوقعه في العظام.

شیطان پیوسته از فرزندان آدم تا وقتی که نمازهای خود را با دقت و با شرایط و آداب می‌خوانند در وحشت و هراس است، پس اگر نماز را ضایع نمود. (و در وقت مقرر آن بجا نیاورد) شیطان بر او چیره می‌شود و او را در گناهان کبیره می‌اندازد و وی را گرفتار می‌نماید. [۸].

[۸] بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۰۲.

نجات از غفلت

امام باقر علیه‌السلام فرمود:

أیما مؤمن حافظ علی الصلوات المفروضة فصلاها لوقتها، فلیس هذا من الغافلین.

هر شخص با ایمانی که بر نماز واجب مواظبت ورزد و آنها را در وقتشان بخواند از غافلان نخواهد بود. [۸].

[۸] کافی، ج ۳.

نشانه‌ی شیعه بودن

امام صادق علیه‌السلام فرمود:

امتحنوا شیعتنا عند مواقیت الصلاة کیف محافظتهم علیها.

[صفحه ۱۴۱]

پیروان ما را در وقتیهای نماز بیازمائید که مواظبت بر نمازشان چگونه است. [۸].

[۸] خصال صدوق.

برترین اعمال

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

افضل الأعمال عندالله الصلاة في أول وقتها
برترین امال نزد خداوند، نماز اول وقت است.

دو چندان شدن

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:
صلوا صلاتکم فی أول وقتکم، فان الله (عزوجل) یضاعف لکم
نمازتان را در اول وقت بخوانید که خدای عزوجل برایتان دو چندان می‌کند. [۸].

[۸] المعجم الكبير.

برطرف شدن غم و اندوه

حضرت علی علیه‌السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرد که آن حضرت فرمود:
ما من عبد اهتم بمواقیت الصلاة و مواضع

[صفحه ۱۴۲]

الشمس الا ضمنت له الروح عند الموت و انقطاع الهموم و الأحزان و النجاة من النار.
بنده‌ای نیست که به اوقات نماز و طلوع و غروب خورشید اهمیت بدهد مگر اینکه من ضامن می‌شوم برای او راحتی هنگام مرگ، و
برطرف شدن غم و اندوه و نجات از آتش دوزخ را. [۸].

[۸] بحار، ج ۸۳، ص ۹.

اول وقت نخواندن سبب محرومیت

حضرت علی علیه‌السلام فرمود:
من سمع النداء فلم یجبه من غیر علة فلا صلوة له.
کسی که صدای اذان را بشنود و بی هیچ عذری آماده نماز نشود نمازی بر او نیست. [۸].

[۱] وسایل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۵.

اول وقت نخواندن سبب مذمت الهی

حضرت علی علیه السلام فرمود:

لیس عمل أحب الی الله عزوجل من الصلوات، فلا یسغلنکم عن اوقاتها شیء من امور الدنیا، فان الله عزوجل ذم أقواماً فقال: الذین هم عن صلاتهم

[صفحه ۱۴۳]

سahون معناً انهم غافلون استهانوا بأوقاتها.

هیچ عملی نزد خداوند محبوبتر از نماز نیست، پس کاری از کارهای دنیا شما را از اوقات نماز باز ندارد، زیرا خداوند متعال گروههایی را مذمت کرده، (در آنجا که می فرماید: وای بر نمازگزاران) آنها که از نمازشان سهو می کنند! یعنی آنها از نماز غافلند و به اوقات نماز اهمیت نمی دهند. [۱].

[۱] بحار، ج ۸۳، ص ۱۳.

زن مؤمنه و نماز اول وقت

آورده اند که روزی زن صالحه ای به مجلس واعظی رفت و آن واعظ می گفت هر مؤمن و هر مومنه ای که در اول وقت نماز بخواند و کارهای دنیا نکرده به نماز مشغول شود حقتعالی به نور خود دل او را روشن گرداند و مهمات دنیا و آخرت او را بسازد و او را از شر نگاه دارد. آن زن چون حدیث را بشنید همیشه در اول وقت نماز می گذارد. روزی تنوری تافته تا نان بیزد بانک اذان شنید و کودکی داشت به گریستن آمد و خمیر ترش گردیده بود، چنانکه از کنار ظرف بیرون آمده، آن زن با خود گفت مرا سه کار ضروری پیش آمده هیچ چیز بهتر از آن نیست که همه را بگذارم و اول نماز را به جای آورم که رضای خدا در آن است. پس به نماز ایستاد شیطان که

[صفحه ۱۴۴]

آن حال را بدید فریاد برآورد یاران او حاضر شده دور او را گرفتند ای مهربان! تو را چه واقع شده. آن ملعون گفت: مرا درد سر گرفته از کردار این زن که سجده می کند.

گفتند: ای مهتر چون به نماز ایستاد کودک او را در میان تنور انداز، پس شیطان کودک او را در تنور انداخت کودک در میان تنور آواز کشید و آوازش به گوش مادر رسید غم در دلش پیچید خواست که نماز را قطع کند باز در دل گفت روی از خدا گردانیدن از وسوسه شیطان است با خاطر جمع نماز را تمام کرده برخاست و سر تنور رفت دید به قدرت حق تعالی کودک در میان آتش بازی می‌کند پس سجده‌ی شکر به جای آورده او را از میان آتش به سلامت بیرون آورد و پستان به دهانش نهاد و بعد به پختن نان مشغول شد.

اثر نماز اول وقت بر مهندس روسی

یک مهندس روسی تعدادی کارگر ایرانی را برای کار استخدام کرده بود. کارگران، بنا به وظیفه‌ی شرعی، وقت اذان که می‌شد، برای خواندن نماز دست از کار می‌کشیدند. یک روز مهندس به آنها اخطار می‌دهد که اگر هنگام کار، نماز بخوانند، آخر ماه از حقوقشان کسر می‌شود. کسانی که ایمان ضعیف و سست داشتند، از ترس کم شدن حقوقشان، نماز را به آخر وقت می‌گذارند، اما

[صفحه ۱۴۵]

عده‌ای بدون ترس از کم شدن حقوق، همچنان در اول وقت، نماز ظهر و عصرشان را می‌خواندند. آخر ماه، مهندس به آنها که همچنان نمازشان را ظهر خوانده بودند. بیشتر از حقوق عادی (ماهیاره) پرداخت می‌کند. کسانی که نماز خود را به بعد از کار گذاشته بودند. به مهندس اعتراض می‌کنند که چرا حقوق آنها را زیاد داده است. مهندس می‌گوید:

اهمیت دادن آنها به نماز و صرف نظر کردن از کسر حقوق، نشانگر آن است که ایمان آنها بیشتر از شماسست و این قبیل آدمها هرگز در کار خیانت نمی‌کنند، همچنانکه به نماز خود خیانت نکردند.

نماز اول وقت

الامام الصادق علیه السلام:

فی قوله تعالی: (والذین هم علی صلواتهم یحافظون) علی أوقاتها و حدودها.

امام صادق علیه السلام درباره‌ی آیه‌ی «و آنان که بر نمازشان مواظبت می‌کنند». فرمود: یعنی بر وقتها و حدود نماز. [۸].

[صفحه ۱۴۶]

[۸] تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۹.

ملا هادی سبزواری و نماز اول وقت

گویند فیلسوف معروف ملا هادی سبزواری در تمام عمر یک سوم آخر شب را بیدار و به راز و نیاز و خواندن دعای جوشن کبیر و نماز شب سرگرم بود و با ناله و گریه و مناجاتهای نیمه شب، خانواده وی که در حجره‌های بالای خانه در خواب بودند از خواب بیدار می‌گشتند و صدای حکیم را می‌شنیدند و در تمام مدت تدریس ممکن نشده که بانگ مؤذن بلند شود و ایشان درسی را قطع ننموده و به بیانات خود پایان ندهند. و صدایشان به اذان بلند نشود.

نماز در آخرین لحظات عمر

زهره اشراقی نقل می‌کند: بعد از عمل امام (ره)، یکی از دکترها گفت: «آقا چشمشان را باز کرده‌اند و آقای انصاری را که مسئول کارهای شرعی است، صدا کرده‌اند». آقای انصاری به امام گفت: شما می‌خواهید نماز بخوانید؟ امام ابرویشان را تکان دادند. اما به هیچ سؤال دیگری پاسخ نمی‌دادند. بعد هم دستشان را تکان دادند، معلوم بود که دارند نماز می‌خوانند. این اواخر، مدام نگران نماز اول وقتشان بودند. [۸].

[صفحه ۱۴۷]

[۸] امام در سنگر نماز، ص ۲۸.

پیمان الهی

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله به مسجد آمد. گروهی از اصحاب گردش جمع شدند، در آن لحظه حضرت فرمود: می‌دانید پروردگارتان چه فرمود؟ عرض کردند: خداوند و رسول او آگاهند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند می‌فرماید: هر کس نمازهای پنج‌گانه را در وقت آن به جای آورد و از آنها محافظت نماید مرا ملاقات می‌کند در حالی که پیمان بسته‌ام تا وی را به بهشت وارد نمایم. و هر کس چنین نکند، مرا ملاقات خواهد کرد بدون چنان پیمانی، اگر خواستم او را عذاب می‌کنم و اگر بخواهم می‌بخشم. [۸].

[۸] ثواب الاعمال، ص ۱۶.

شگفت‌انگیز

آیت‌الله رضا استادی می‌گوید:

یکی از روایاتی که می‌تواند اهمیت نماز را در سطحی خیلی عالی بیان کند روایتی است که کمتر در تاریخ این حدیث را شنیدم. رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرمؤمنان فرمود: «لئن یهدی الله بک رجلاً» اگر خدای متعال توسط تو یک نفر را هدایت کند بهتر است از دنیا

[صفحه ۱۴۸]

و آنچه در دنیا هست، یعنی مفاد حدیث این است که از هدایت کردن انسان، کاری بالاتر پیدا نمی‌کنیم. مهمترین، با ارزش‌ترین و ارزنده‌ترین کار هدایت یک انسان است. این مقدمه را داشته باشید. امام هشتم علیه‌السلام با عمران صابی مباحثه می‌کردند این روایت در احتجاجات بحار است. عمران صابی خیلی پر مدعا بود. می‌گفت: با بسیاری از افراد صحبت کردم ولی قانع نشدم. امام هشتم علیه‌السلام با او مشغول احتجاج و گفتگو شد به جایی رسید که عمران پر مدعا کم کم حالت پذیریش در او پیدا شد. در این هنگام مؤذن صدا به اذان بلند کرد.

امام هشتم علیه‌السلام فرمود: حضرت الصلوة وقت نماز فرا رسید.

عمران گفت: آقا قد لان قلبی دلم نرم شده الان است که اگر یک قدری ادامه بدهید شاید مسلمان بشوم.

امام حاضر نشد گفت نماز می‌خوانیم بر می‌گردیم. وقتی که مقایسه کنیم با کارهایی که من و افرادی مثل من می‌گویند کار مهمی داشتیم و نماز را گذاشتیم برای بعد از انجام دادن کار، از زمین تا آسمان فاصله است.

امام هشتم آن هدایتی که آن مقدار ارزش دارد و طرف هم یک دانشمند پر مدعا که می‌تواند خیلی جاها مؤثر باشد اما با توجه به اینها امام رضا علیه‌السلام به مأمون فرمود: حضرت الصلوة نماز می‌خوانیم و بر می‌گردیم و طبق روایات امام در داخل و مأمون در

[صفحه ۱۴۹]

خارج نماز را برپا داشتند و مراجعت کردند و صحبت را ادامه دادند و عمران صابی هم مسلمان شد. بنده معتقدم در مسلمان شدن او این نماز امام رضا علیه‌السلام از حرف‌های آینده‌ی امام رضا علیه‌السلام شاید بیشتر مؤثر بوده است. ببینید امام مقید به دینش است. حاضر است از مسلمان شدن یک نفر صرف نظر کند اما نماز از بین نرود. [۸].

[۸] نماز بهشت خلوت انس ص ۶۶.

تأخیر انداختن نماز سبب افتادن در ویل

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

من ترک صلاته متعمداً فقد هدم دینه، و من ترک اوقاتھا یدخل الویل، و الویل واد فی جهنم کما قال الله تعالی فی سورة أرایت: «فویل للمصلین الذین هم عن صلاتهم ساهون».

هر کس نمازش را عمداً ترک کند، دینش را نابود کرده است. و هر کس در وقتش نخواند در «ویل» داخل می‌شود و «ویل» دره‌ای در جهنم است همان گونه که خداوند متعال در سوره‌ی «أرایت» فرمود: پس ویل برای نمازگزاران است، آنان که از نمازشان غافلند. [۱].

[صفحه ۱۵۰]

[۱] جامع الاخبار ۱۸۵.

تأخیر انداختن نماز سبب محروم شدن از شفاعت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

لا ینال شفاعتی غداً من آخر الصلاة المفروضة بعد وقتها.

شفاعت من فردای (قیامت) به کسی که نماز واجب را از وقتش به تأخیر اندازد، نمی‌رسد. [۱].

[۱] امالی صدوق.

تأخیر انداختن نماز سبب نزول شر

داود بن فرقد می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام در مورد این آیه پرسیدم: «به درستی که نماز بر مؤمنین واجب است در وقت معین». حضرت فرمودند: نماز واجب حتمی و ثابت و در وقت معین است، و مختصر تعجیل و تأخیر در وقت معین مادامی که نماز ضایع نشود ضرری به نماز نمی‌رساند پس به درستی که خدای عزوجل در مورد قومی فرموده است: ضایع کردند نماز را و پیروی کردند خواهشها را، پس زود باشد که ببینند شر را. [۱].

[صفحه ۱۵۱]

[۱] وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۹.

تأخیر انداختن نماز نشانه‌ی نفاق

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

ألا أخبرکم بصلاة المنافق؟ أن یؤخر العصر حتی کانت الشمس کثر البقرة صلاھا.

آیا از نماز منافق آگاهتان نکنم؟ نماز عصر را تا نزدیک غروب خورشید به تأخیر می‌اندازد.[۱].

[۱] النهایه ج ۱، ص ۲۰۹.

غذا بعد از نماز

یکی از دوستان نزدیک شهید رجائی چنین می‌گوید: روزی حدود ظهر نزد شهید بزرگوار رجائی بودم، صدای اذان شنیده شد، در حالی که ایشان از جایشان حرکتی کرده، می‌خواستند خود را برای اقامه‌ی نماز آماده کنند، یکی از خدمتگزاران وارد اتاق شد و گفت: «غذا آماده است سرد می‌شود، اگر اجازه می‌فرمایید بیاورم» شهید رجائی فرمودند: «خیر، بعد از نماز». وقتی که خدمتگزار از اتاق خارج شد ایشان با چهره‌ای متبسم و دلی آرام خطاب به من فرمودند: عهد کرده‌ام هیچ وقت قبل از نماز ناهار نخورم اگر زمانی ناهار را قبل از نماز بخورم، یک روز روزه می‌گیرم.[۱].

[صفحه ۱۵۲]

[۱] روشهای پرورش احساس مذهبی نماز، ص ۲۹.

قطع کردن جلسه‌ی سران کشورها

روزی که سران کشورهای مسلمان برای قضیه‌ی صلح ایران و عراق به خدمت امام (ره) آمده بودند وسط جلسه بود که اذان ظهر گفته شد امام بلند شدند و فرمودند که من می‌خواهم نماز بخوانم و چون مقید بودند هنگام ظهر نماز خود را با عطر خوشبو کنند در همان جلسه اشاره کردند که عطر مرا بیاورید. پس از عطر زدن به نماز ایستادند و دیگران هم پشت سر ایشان نماز جماعت خواندند.[۱].

[۱] روش‌های پرورش احساس مذهبی، ص ۳۲.

ظهر روز تاریخ‌ساز عاشورا

بسیاری از یاران باوفای شهید کربلا، امام حسین علیه‌السلام، به خاک و خون غلتیده و به شرف شهادت نایل آمده بودند. «ابو ثمامه صیداوی» یکی از فداکاران و یاوران امام شهید علیه‌السلام متوجه شد که وقت نماز ظهر فرا رسیده است، بی‌درنگ به حضور امام حسین علیه‌السلام شتافت و گفت: «یا ابا عبدالله جانم فدایت باد، می‌بینم که این دشمنان بی‌دین، دست به نبردی سخت زده‌اند، اما به خدا سوگند من نمی‌گذارم تو کشته شوی. مگر این که پیش از تو به خون

[صفحه ۱۵۳]

درغلتتم! اینک دوست دارم که این آخرین نماز ظهر را با شما به جای آورم».

امام حسین علیه‌السلام سر بر آسمان فراز کرد و چون دید هنگام نماز فرا رسیده است، فرمود: ای ابو‌ثمامه! از نماز یاد کردی، خداوند تو را در صف نمازگزاران قرار دهد. سپس فرمود: از این گروه بخواه تا دست از جنگ بردارند، زیرا ما می‌خواهیم اقامه‌ی نماز کنیم». در این هنگام یکی از سربازان سپاه یزید، با صدای بلند و گستاخانه و بی‌شرمانه فریاد زد: «نماز شما مقبول درگاه خداوند نیست». «زهیر بن قین» و «سعید بن عبدالله» که چنین دیدند، پیش روی حضرت ایستادند تا امام بتوانند نماز ظهر را به جای آورند. آن دو بزرگوار وجود خود را سپر تیرها و نیزه‌ها ساختند و امام حسین علیه‌السلام در آن هنگامه‌ی خون و شمشیر، با تعداد اندکی که از یاران بی‌ظنیرش باقی مانده بودند، به اقامه‌ی نماز خوف پرداخت. [۸].

[۸] منتهی الآمال، ج ۱، ص ۴۲۰.

مقابل سیصد الی چهارصد خبرنگار

در یکی از نشریات از قول فرزند امام (ره) نقل شده: روز اولی که شاه رفت ما نوفل لوشاتو بودیم. نزدیک به سیصد الی چهارصد خبرنگار اطراف منزل امام جمع شده بودند. تختی

[صفحه ۱۵۴]

گذاشتند و امام روی آن ایستادند. تمام دوربین‌ها کار می‌کرد. قرار بود هر چند نفر خبرنگار، یک سؤال بکنند. دو سه سؤال از امام شد که صدای اذان ظهر شنیده شد. بلافاصله امام آنجا را ترک کردند و فرمودند: وقت فضیلت نماز ظهر می‌گذرد. تمام حاضرین از اینکه امام بدون جهت صحنه را ترک کردند متعجب شدند. کسی از امام خواهش کرد که چند دقیقه‌ای صبر کنید تا حداقل چهار پنج سؤال دیگر بکنند. امام با ناراحتی فرمودند به هیچ وجه نمی‌شود و رفتند. [۹].

[۹] سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام (ره) ج ۱، ص ۱۹۱.

توجه به وقت نماز در عملیات

قاضی جهانی از مشکین شهر چنین نقل می‌کند:

ستون داشت می‌رفت جلو، در سه متری ما ستون دیگری داشت حرکت می‌کرد. می‌رفتیم برای شروع عملیات رمضان، هوا رو به تاریکی می‌رفت. فرماندهی ما گفته بود: هیجده کیلومتر رمل در پیش داریم. حواستان جمع باشد. ممکن است دشمن در پشت تپه‌های

رملی کمین کرده باشد. نگاهی به تپه‌ها انداختم. خاموش و آرام از کنارمان می‌گذشتند. گوش به زنگ صداها بودم. دستی خورد به شانهام. نفر عقبی بود. پیام داشت نزدیکش شدم. گفت:

[صفحه ۱۵۵]

وقت نماز است. پیام را رساندم به نفر جلوئی. وضو داشتیم همه‌مان. نماز را در راه خواندیم. با حضور قلب و برای اولین بار. [۸].

[۸] پیشانی و خاک ص ۶۵.

اقامه‌ی نماز زیر بمباران

مهدی کفایت، از لشکر ۱۴ امام حسین علیه السلام اصفهان، نقل می‌کند: ظهر بود. قبل از عملیات محرم نماز را مثل همیشه، در محوطه‌ی قرارگاه برپا کردیم. در رکعت دوم نماز، صدای سوت خمپاره آمد. آماده شدیم برای خیز رفتن و موضع گرفتن. نفس در سینه‌هایمان حبس شد. به تقلایی پنهان هم حتی افتادیم، اما صدای سوت خمپاره قطع شد. بعدها فهمیدیم خمپاره خورده بود به دپویی که شب پیش نمازمان را در آن جا خوانده بودیم.

نگاه به آسمان در حین جنگ

از کتاب ارشاد القلوب دیلمی نقل شده است: «هنگامی که علی علیه‌السلام در جنگ صفین سرگرم نبرد بود. در میان هر دو صف کارزار مواظب وضع آفتاب بود و به آسمان نگاه می‌کرد تا ببیند کی ظهر می‌شود و نماز ظهر را بخواند. عبدا بن عباس عرض کرد:

[صفحه ۱۵۶]

یا امیرالمؤمنین علیه‌السلام این چه کاریست؟
فرمود: آفتاب را می‌نگرم که اگر وقت نماز در رسید نماز بگذارم.
ابن عباس گفت: آیا حالا وقت نماز است با این سرگرمی جنگ؟
فرمود: ما چرا با ایشان می‌جنگیم؟ تنها به خاطر نماز با آنان نبرد می‌کنیم و می‌خواهیم که نماز برپا شود. [۸].

[۸] راز نماز در نهج البلاغه.

سفارشی مهم در آخرین لحظات عمر

تا چشم ام‌حمیده، مادر امام کاظم علیه‌السلام به ابوبصیر که برای تسلیت گفتن به او به مناسبت وفات شوهر بزرگوارش امام صادق علیه‌السلام آمده بود، افتاد، اشکهایش جاری شد. ابوبصیر نیز لختی گریست همین که گریه‌ی ام‌حمیده تمام شد به ابوبصیر گفت: تو در ساعت احتضار امام حاضر نبودی، قضیه عجیبی اتفاق افتاد.

ابوبصیر پرسید: چه قضیه‌ای؟ گفت: لحظات آخر زندگی امام بود و امام دقائق آخر عمر خود را سپری می‌کرد. پلکها روی هم افتاده بود. ناگهان امام پلکها را از روی هم برداشت و فرمود: همین الآن جمیع افراد خویشاوندان مرا حاضر کنید حتماً مطلب عجیبی بود که در این وقت امام همچو دستوری داده بود. ما هم همت کردیم و همه را جمع کردیم. کسی از خویشاوندان و نزدیکان امام

[صفحه ۱۵۷]

باقی نماند که آنجا حاضر نشده باشد. همه منتظر و آماده که امام در این لحظه‌ی حساس، می‌خواهد چه بکند و چه بگوید؟ امام، همین که همه را حاضر دید، جمعیت را مخاطب قرار داده فرمود: شفاعت ما هرگز نصیب کسانی که نماز را سبک می‌شمارند نخواهد شد. [۸].

[۸] نماز ره رستگاری ص ۶۴.

دغدغه حتی روی تخت بیمارستان

در یکی از روزها که امام راحل (ره) در بیمارستان بستری بودند پزشکان برای آرام شدن درد به ایشان قرص مسکن دادند. امام که می‌دانستند این قرص خواب‌آور است از پزشکان خواستند که به هنگام اذان ظهر ایشان را بیدار کنند. وقت اذان ظهر فرا رسید ولی پزشکان برای رعایت حال امام ایشان را بیدار نکردند. به دستور پزشکان غذای امام را بالای سر ایشان قرار دادند امام لحظاتی بعد از خواب بیدار شدند و از دیدن سینی غذا تعجب کردند و از پزشکان پرسیدند مگر وقت نماز و ناهار شده است؟ پزشکانی که خدمت امام بودند عرض کردند: اذان را گفته‌اند ولی به دلیل رعایت حالتان شما را بیدار نکردیم. امام از این کار پزشکان ناراحت شده، قبل از این که غذا را میل کنند نماز

[صفحه ۱۵۸]

ظهر و عصر را به جای آوردند. [۸].

[۸] روشهای پرورش احساس مذهبی نماز، ص ۲۹.

درنگ نکردن برای اصحاب

قطب راوندی روایت کرده از ابراهیم بن موسی قزاز و بود او روزی در مسجد امام رضا علیه السلام به خراسان. گفت: مبالغه کردم در سؤال و طلب چیز از حضرت امام رضا علیه السلام. سپس بیرون رفت آن حضرت به جهت استقبال بعضی از آل ابوطالب. پس وقت نماز شد و آن حضرت میل کرد به سوی قصری که آنجا بود. پس فرود آمد در زیر سنگ بزرگی که نزدیک آن قصر بود و من با آن حضرت بودم و نبود با ما ثالثی. پس فرمود: اذان بگو. گفتم: درنگ کنید تا برسند به ما اصحاب ما. فرمود: خدا تو را بیامرزد. نماز را بی جهت از اول وقتش تأخیر مینداز و همیشه نماز را در اول وقت بخوان. آنگاه من اذان گفتم و نماز خواندیم. [۸].

[۹] منتهی الآمال ج ۲، ص ۸۸۱.

پیامبر اکرم و لحظات ملکوتی اقامه‌ی نماز

عایشه گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با ما و ما با وی سخن می‌گفتیم چون

[صفحه ۱۵۹]

وقت نماز فرا می‌رسید، پیامبر اکرم (ص) به سبب توجه به عظمت حق تعالی، چنان بود که گویی ما را نشناخته و ما او را نمی‌شناسیم. [۸].

[۱۰] محجة البیضاء، ج ۱، ص ۳۵۰.

منظور از سبک شمردن نماز

آقای محمود بروجردی نقل می‌کند:

مسئله دیگر نماز اول وقت بود که امام خمینی (ره) خیلی به آن اهمیت می‌دادند. روایتی از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می‌کردند که «چنانچه کسی نمازش را سبک بشمارد، از شفاعتشان محروم می‌شود.» من یک بار به ایشان عرض کردم: «سبک شمردن نماز شاید به این معنی باشد که شخص نمازش را یک وقت بخواند و یک وقت نخواند.» فرمود: نه این که خلاف شرع است. منظور امام صادق این بوده است که وقتی مثلاً ظهر می‌شود و فرد در اول وقت نماز نمی‌خواند، در واقع به چیز دیگری رجحان داده است. [۱۱].

[۱] امام در سنگر نماز، ص ۱۶.

اقامه‌ی نماز در کلاس

برادر موسی بخشایش، از توپخانه‌ی سپاه چنین نقل می‌کند:
قبل از انقلاب بود. در دبیرستان اجازه نمی‌دادند نماز بخوانیم.

[صفحه ۱۶۰]

جایی هم برای این کار نبود. با چند نفر بچه‌ها پنهانی گوشه‌ی کلاس روزنامه پهن می‌کردیم، و نمازمان را همان جا می‌خواندیم. یک تکه مهر هم همیشه همراهمان بود. زنگهای تفریح، گوشه‌ی کلاس می‌شد میعادگاهمان. یک روز که مشغول نماز ظهر بودم، یک دفعه پشت گردنم شروع کرد به تیر کشیدن، کمی پرت شدم به جلو، اما توجهی نکردم و نماز را ادامه دادم تا تمام شد.
چرا داری نماز می‌خوانی؟ چرا توی مدرسه اغتشاش به پا می‌کنی؟
مدیرمان بود، برافروخته بود و عصبانی.
چیزی نگفتم، تنها نگاهش می‌کردم. به خاطر همین، یک هفته از مدرسه بیرونم کردند. [۱].

[۱] پیشانی سوخته، ص ۵۰.

نماز حضرت نوح

کشتی حضرت نوح علیه‌السلام دارای پنجره‌ها و سوراخهایی بود که از آن نور خورشید به داخل منعکس می‌گشت و از این طریق وقت نماز را تشخیص می‌دادند. [۱].

[صفحه ۱۶۳]

[۱] بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۳۳۳.

نماز شب

انسان از طریق نماز شب، ضمن راز و نیاز با خداوند به زیباترین شکل، در حقیقت بهترین و پرجاذبه‌ترین لحظه‌های زندگی را درک می‌کند. در لحظه‌های نماز شب است که انسان ناگفته‌های خودش را با خداوند در میان می‌گذارد و با توجه به اینکه در آن خلوت نیمه شب می‌تواند ارتباط خوبی با خدا برقرار سازد چیزهای خوب و ماندگاری هم از او می‌گیرد. از او نور می‌گیرد. راه سعادت‌مندی را درک می‌کند و می‌بیند که چراغ آسمان یقین و باورش به حقیقت جهان هستی، نور حقیقی می‌یابد و در سایه آن از تاریکیهای وحشتناک شک و شبهه رهایی پیدا می‌کند.

نکته‌ی دیگر اینکه انسان از طریق نماز شب به مبارزه با شهوت خواب می‌پردازد. مبارزه‌ای که حاصلش همان لحظه‌های

[صفحه ۱۶۴]

ماندگار و غیر قابل وصف مناجات سحرگاهی است، و به نوعی افق زندگی روزانه و ابدی خویش را روشن می‌نماید و از ظلمات لذات دنیائی و ترس از پیچ و خم‌های مشکلات آن احساس رهایی می‌کند.

برخاستن برای نماز شب

حضرت علی علیه‌السلام فرمود:

قیام اللیل مضححه للبدن و تمسک باخلاق النبیین و رضی رب العالمین.

برخاستن برای نماز شب بدن را تندرست می‌کند و تمسکی است به اخلاق پیغمبران و خدا را خشنود می‌کند. [۸].

[۸] میزان الحکمه، ج ۵، ص ۴۲۱.

قضای نماز شب

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

ان الله یباهی بالعبد یقضی صلوٰه اللیل بالنهار، یقول: ملائکتی عبدی یقضی ما لم افترضه علیه اشهدوا انی قد غفرت له.

[صفحه ۱۶۵]

همانا خداوند مباحات می‌کند به بنده‌ای که نماز شب را در روز قضا کند. می‌فرماید: ای فرشتگان من، بنده من قضا می‌کند چیزی را که بر او واجب نکرده‌ام گواه باشید که من او را آمرزیدم. [۱].

[۱] بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۲۰۲.

خوشبخت و سعادت‌مند

حضرت علی علیه‌السلام فرمود: خوشبخت و سعادت‌مند آنکه فرائض پروردگار خویش را انجام دهد، رنج‌ها را مانند سنگ آسیا، خورد کند، شب هنگام از خواب دوری گزیند، آن گاه که سپاه خواب، حمله می‌آورد، زمین را فرش و دست خود را بالش، قرار می‌دهد! در زمین گروهی که بیم بازگشت، خواب از چشمهایشان روده و پهلویشان، جا خالی کرده است و لبهایشان به ذکر پروردگارشان، در زمزمه است، ابرهای گناهان بر اثر استغفار مداوم آنان، برطرف شده است، آنان حزب خدا، همانا تنها آنان رستگارند. [۱].

[۱] سوز سحرگاهی ص ۳۴.

تأثیر عجیب نماز شب

امام صادق علیه‌السلام فرمود:
صلوة اللیل یببض الوجه و صلوة اللیل تطیب

[صفحه ۱۶۶]

الریح و صلوة اللیل تجلب الرزق.

نماز شب روی را سفید می‌گرداند و بو را خوش می‌کند و روزی را جلب می‌کند. [۱].

[۱] علل الشرایع، ص ۳۶۳.

چراغ تاریکی قبر

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

صلوة اللیل سراج لصاحبها فی ظلمة القبر.

نماز شب برای صاحبش چراغی است در تاریکی قبر. [۱].

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

علیکم بصلاة اللیل فانها سنة نبیکم و دأب الصالحین قبلکم و مطردة الداء عن أجسادکم.

بر شما باد به اقامه‌ی نماز شب، زیرا نماز شب سنتی است از پیامبرتان رسول الله صلی الله علیه و آله، نماز شب عادت و رسم صالحان و پاکان است که قبل از شما بودند و نماز شب موجب طرد و دفع بلا و بیماریها و دردها از بدن شما می‌باشد. [۲].

[صفحه ۱۶۷]

[۱] بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۱۶۱.

[۲] تفسیر صافی، ص ۲۹۵.

زیبائی معنوی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

من کثرت صلاته باللیل حسن وجهه بالنهار.

کسی که بیشتر نماز شب بخواند هنگام روز زیبا و نورانی است. [۱].

[۱] نهج الفصاحه، ص ۵۸۰.

نماز شب و رزق

مردی نزد امام صادق علیه السلام آمد و نیاز خود را باز گفت و در بیان خواسته اش، زیاده روی کرد، تا بدان جا که نزدیک بود از گرسنگی هم سخن گوید.

امام صادق علیه السلام به او فرمود: تو، نماز شب به جا می آوری؟

مرد گفت: بله!

امام صادق علیه السلام رو به سوی اصحاب کرد و فرمود: آن کس که گمان برد، نماز شب به جا می آورد و روز گرسنه است، به خطا رفته، زیرا خداوند تبارک و تعالی، نماز شب را پشتوانه ای برای رزق روزانه قرار داد. [۱].

[صفحه ۱۶۸]

[۱] ثواب الاعمال، ص ۶۴.

اثر تربیتی نماز شب

شبی دزدی به خانه شیخ احمد خضرویه رفت و بسیار بگشت هیچ نیافت شیخ آواز داد: ای جوان دلو بگیر و آب از چاه برکش و طهارت کن و به نماز مشغول شو و تا روز چیزی به تو دهم تا محروم نگردی. دزد همچنان کرد چون روز شد خواجه صد دینار بیاورد.

به دزد داد و فرمود: این جزای عبادت یک شب نماز تست. دزد را حالتی پدید آمده و لرزه بر اندامش افتاد و گفت: زر قبول نمی‌کنم
مرا به راه خدا راهنمایی کن که دولت لازوال از درگاه لایزال حاصل کنم شیخ او را مرید کرد و یکی از اولیای حق شد. [۱].

[۱] داستان عارفان ص ۱۶۱.

نماز شب و رفع مشکلات

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای مردم، هیچ کس از شما نیست مگر این که مشکلات همچون کمربندی او را محاصره کرده
است. پس زمانی که دو سوم از شب گذشت ملکی بر او وارد می‌شود و به او می‌گوید:
برخیز! و ذکر خداوند بگوی که صبح نزدیک است. اگر او حرکت کرد و ذکر خداوند گفت، یک گره از گرفتاریهایش گشوده

[صفحه ۱۶۹]

خواهد شد و اگر او برخاست و وضو گرفت و به نماز ایستاد، تمامی گره‌های گرفتاری از او گشوده می‌شود و صبحگاهان شادمان و با
روشنی چشم از خواب بر می‌خیزد. [۱].

[۱] بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۲۳.

تأثیر سحرخیزی زن

زنی به خدمت حضرت صادق علیه‌السلام آمد و عرض کرد: ای پسر پیغمبر، شوهرم مرا دوست نمی‌دارد، چه کنم؟
حضرت فرمود: «علیک بصلوة اللیل»
برو نماز شب بخوان. پس از چندی خدمت حضرت رسید و تشکر کرد و گفت: شوهرم از آن وقت هیچ کس را به اندازه‌ی من دوست
نمی‌دارد.
پس آن حضرت فرمود: خدا رحمت کند زنی را که سحر برخیزد و شوهرش را بیدار کند. و همچنین مردی که برخیزد و زنش را بیدار
کند و نماز شب بخواند. [۱].

[۱] قیامت و قرآن، ص ۱۵۷.

دنیا و آخرت در نماز شب

مرحوم علامه طباطبایی می‌گوید: چون به نجف اشرف برای

[صفحه ۱۷۰]

تحصیل مشرف شدم از نقطه نظر مراقبت و خویشاوندی، گاهیگاهی به محضر مرحوم قاضی شرفیاب می‌شدم، تا اینکه یک روز در مدرسه ایستاده بودم که مرحوم قاضی از آنجا عبور می‌کردند، چون به من رسیدند، دست خود را روی شانه‌ی من گذاشتند و گفتند: ای فرزند، دنیا می‌خواهی نماز شب بخوان، آخرت می‌خواهی نماز شب بخوان! این سخن آنقدر در من اثر کرد که از آن به بعد تا زمانی که به ایران مراجعت کردم، پنج سال تمام در محضر قاضی روز و شب به سر می‌بردم و آنی از ادراک فیض ایشان دریغ نمی‌کردم. [۱].

[۱] مهر تابان ص ۱۶.

مقامات عالی

مرحوم آقای ملکی تبریزی در «اسرار الصلوة» می‌فرمایند:
استاد من - ظاهراً مرحوم ملا حسینقلی همدانی بود - فرمود:
هیچ یک از آنان که دنبال واقعیت هستند به هیچ کجا نرسیدند، مگر از راه شب زنده‌داری. گویا این مطلب را در روایت هم دیدم که، هیچ کس بدون آن به هیچ کجا نمی‌رسد. [۱].

[صفحه ۱۷۱]

[۱] اخلاق و عرفان در وضو و نماز ص ۱۸۱.

اثر نماز شب امام خمینی بر سرگرد و خدمه‌ی هواپیما

در یکی از نشریه‌ها از قول فرزند امام خمینی آمده است:

- ۱- شبی که از پاریس عازم ایران بودیم، امام در هواپیما برای نماز شب برخاست و چنان می‌گریستند که خدمه تعجب کرده بودند! و شنیدم پرسیده بودند، آیا امام از چیزی ناراحت هستند، من گفتم کار هر شب امام است.
- ۲- وقتی که امام را از قم برای زندان بردند، امام با حالتی نماز شب خواندند که یکی از همراهان (مثل اینکه سرگرد عصار بود) بعداً به من گفت که ما تحت تأثیر شدید نماز شب امام، واقع شدیم و یکی از آنها تا تهران گریه کرده بود!!

۳- روزی که از نجف عازم کویت شدیم، ساعت ۴ صبح و شاید هم زودتر بود، درست بعد از اذان صبح و بعد از آن همه گرفتاریها ۱۲ ساعت و شاید بیشتر، سرانجام، امام در هتل بصره استراحت کردند. دو ساعت نخوابیده بودند که ساعتشان زنگ زد و بیدار شدند و نماز شب خواندند و بعد هم نماز صبح را بجا آوردند. [۸].

[صفحه ۱۷۲]

[۸] فرازهایی از زندگی امام ص ۷۵.

اثر نماز سحرگاهی

سعید بن محمد بن جنید، معروف به «ابن جنید» از دانشمندان و عرفای نامی قرن سوم به شمار می‌آمد. او استادی زبردست و عالمی ناطق بود، ولی در سلک صوفیان به شمار می‌رفت. او در سال ۲۹۷ هجری قمری از دنیا رفت. یکی از علمای بزرگ آن عصر به نام «جعفر خالدي» می‌گوید: او را در عالم خواب دیدم و به او گفتم: خداوند با تو چگونه رفتار کرد؟ در پاسخ گفت: همه‌ی این اشارات و عبارات و رسوم و علوم که داشتم به حالم سودی نبخشید. جز چند رکعت نمازی که در سحرگاهان می‌خواندم. [۸].

[۸] الکلی و القاب ج ۲ ص ۱۵۸.

رهائی از وحشت قبر

روزی جناب ابوذر رحمة الله عليه کنار کعبه ایستاده بود و مردم را موعظه می‌نمود و به سفر آخرت تحریص می‌کرد، پرسیدند: توشه این سفر چیست؟ فرمود: گرفتن روزه در شدت گرما برای روز حساب و خواندن دو رکعت نماز در تاریکی شبها برای رهائی از وحشت قبر

[صفحه ۱۷۳]

و دادن صدقه برای نجات یافتن از روز سختی و تنگدستی. [۸].

[۸] حلیة المتقین ص ۲۴۶.

دعائی بعد از نماز نیمه شب

نقل می‌کنند مرحوم ملا محمدتقی مجلسی، شبی برای نماز شب از خواب برخاست، پس از نماز به دعا مشغول شد، در دعا، احساس کرد، حال عرفانی مخصوصی پیدا کرده که گویی اگر دعا کند دعایش به استجابت می‌رسد، در این فکر بود که چه دعای مفید و پر بهره‌ای کند، ناگهان پسرش محمدباقر که آن وقت کودک شیرخواری بود در گهواره به گریه افتاد، ملا محمدتقی متوجه محمدباقر شد و برای او این گونه (به این مضمون) دعا کرد:

«خداوندا به این پسر، آن گونه توفیق عنایت فرما که وقتی بزرگ شد، آثار و تعالیم پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان را تا آخرین حد امکان، نشر بدهد و به جهانیان برساند، این دعا به استجابت رسید و همان گونه که او خواسته بود. پسرش بهترین توفیق را در نشر تعالیم و معارف و روایات اسلامی پیدا نمود، که جمعاً ۹۵ کتاب از عربی و فارسی تألیف کرد که برخی از آنها دهها جلد شده است مانند مرآة العقول و شرح اصول کافی، بحارالانوار در ۲۵ جلد بزرگ در طبع قدیم و بیش از صد جلد به طبع جدید.

[صفحه ۱۷۴]

شب زنده‌داری پیامبر اکرم

عطاء بن زیاد گوید: روزی به عایشه گفتم عجیب‌ترین چیزی که از پیامبر صلی الله علیه و آله دیدی چه بود؟ عایشه گفت: کار پیامبر صلی الله علیه و آله هم‌هش عجیب است، ولی از همه عجیب‌تر این که شبی از شب‌ها پیامبر صلی الله علیه و آله منزل من بود، اندکی استراحت کرد، هنوز آرام نگرفته بود، برخاست و وضو گرفت و به نماز ایستاد و آن قدر در حال نماز گریه کرد که جلوی لباسش از اشک چشمش تر شد، سپس سر به سجده نهاد و آن قدر گریست که زمین تر شد، و همچنان تا طلوع صبح، پریشان و گریان بود....[۱]

[۱] تفسیر ابوالفتح رازی، ج ۳، ص ۲۱۳.

جبرئیل و نماز شب

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در ضمن گفتاری فرمود: همواره جبرئیل در مورد «همسایه» به من سفارش می‌کند به گونه‌ای که گمان کردم که همسایه از همسایه ارث می‌برد، و همواره در مورد «بردگان» سفارش می‌کند، به گونه‌ای که گمان بردم که «وقت معینی» برای آزاد کردن آنها تعیین نموده است که وقتی آن «وقت» فرا رسید، آنها آزاد می‌شوند، و همواره در مورد «مسواک» کردن دندانها به

[صفحه ۱۷۵]

من سفارش می‌کند، به گونه‌ای که گمان کردم به زودی آن را واجب می‌نماید، و همواره در مورد مناجات و نماز شب به من سفارش می‌کند، به طوری که گمان بردم که «بهترین افراد امت من، در شب نمی‌خوابند» [۱].

[۱] سفینه البحار، ج ۱، ص ۴۱۳.

شب آشتی با خدا

یکی از سربازان که از خانواده‌های غیرمذهبی بود نماز نمی‌خواند. او در عملیات والفجر ۸ شهید شد. همه تعجب کرده بودیم که چرا او شهید شد. اما وقتی به سراغ یادداشت‌های رفتیم چیزهایی نوشته بود که خیلی تکان دهنده بود. او نوشته بود: «قبل از عملیات یک شب از رزم شبانه برگشتیم. چون آن شب خیلی خسته بودم دراز کشیدم تا بخوابم، اما بقیه رزمندگان به نماز خواندن مشغول شدند. در آن لحظه نسبت به آنها احساس کمبود کردم و با این که آنها دوستانم بودند حس کردم خیلی با آنها فاصله دارم. ناگهان به گریه افتادم. در همان لحظه با خدای خود عهد کردم همیشه به یاد او باشم و نماز بخوانم. بلافاصله وضو گرفتم و در کنار یکی از برادرانی که خیلی دوستش داشتم مشغول خواندن نماز شدم. من آن شب را هیچ وقت فراموش نمی‌کنم. شب آشتی با

[صفحه ۱۷۶]

خدای خودم بود» پس از شهادت آن رزمنده شنیدم که خانواده‌اش هم تغییر عقیده دادند و نمازخوان شدند. [۱].

[۱] جانماز معطر، ص ۲۰.

طرح عبادت

برادر آزاده، محمد توجهی، از نیروی هوایی سپاه نقل می‌کند:

طرحی را بچه‌ها درست کرده بودند به نام «طرح عبادت». ساعت یک یا دو نیمه شب بیدار می‌شدند و ملافه‌ای را که لباس عربی بلندی بود می‌پوشیدند و شروع می‌کردند به نماز شب خواندن. اسم این طرح را هم گذاشته بودند «طرح عبادت» بین بچه‌ها رواج داشت که می‌گفتند: کاروانی هست که شبها راه می‌افتد، سعی کنید جا نمانید. هر کسی هم خواب می‌ماند، بیدارش می‌کردند و می‌گفتند: فلانی! کاروان داره راه می‌افته، جا نمونی! [۱].

[۱] پیشانی سوخته، ص ۲۶.

اثر آزدن گنجشک بر نماز شب

یکی از بزرگان فرمودند: حالات خوشی داشتم که ناگهان از دستم رفت و مدتی جویای علت این محرومیت گردیدم. شبی در عالم رؤیا فرمودند: شکت عنک عصفوره فی الحضرة:

[صفحه ۱۷۷]

گنجشکی نزد خدا از تو شکایت کرده است.

یعنی علت محرومیت آزدگی دل گنجشک است. از خواب پریدم و دانستم رؤیای صادقه است، چون روزی در اطاق نشسته بودم و گنجشکی وارد اطاقم شد، برخاستم و او را گرفتم و قدری با او بازی کردم و رهایش نمودم، او از من شکایت کرده و توفیقات سلب گردیده است.

پس از این ماجرا، روزی به صحرا رفتم و دیدم ماری گنجشکی را صید کرده و می‌برد. با عصا به سویش دویدم، مار گنجشک را رها کرد و رفت، شب هنگام دوباره هاتنی در عالم رؤیا فرمود: شکر عنک عصفوره فی الحضرة؛ گنجشکی نزد خداوند از تو تشکر کرد و حالت خوشم بازگشت. [۱].

[۱] نماز، نیاز عاشقان، ص ۱۰۹.

آب وضو برای نماز شب امام خمینی

شهید محراب مرحوم صدوقی گوید: «ما مسافرت‌هایی با امام (ره) کرده‌ایم، در مسافرت مشهد یک اخلاق پدران‌ای نسبت به ما مبذول می‌داشتند. وقتی از ارض اقدس برمی‌گشتیم در بین راه روسها برای بازرسی جلوی ماشین ما را گرفتند - در آن زمان قسمتهایی از ایران زیر نظر دولتهای شوروی و آمریکا و انگلستان

[صفحه ۱۷۸]

بود - همگی پیاده شدیم و چون امام از اول تکلیف، مراقب نماز شب بودند و این عمل، صد در صد از ایشان ترک نشده، بعد از پیاده شدن خواستند که نماز شب بخوانند. آن جا که وسط بیابان بود آبی وجود نداشت. یک وقت نگاه کردیم که آبی جاری شد و ایشان آستین بالا زد و وضو گرفت. بعداً نفهمیدیم که تا ایشان نمازش تمام شد آب بود یا نه. به هر حال ما در آن سفر یک چنین کرامتی از ایشان دیدیم. [۱].

سجده در نیمه شب

جانشین فرمانده لشکر ۵ نصر بودم. قبل از عملیات والفجر ۳، با چند تا از بچه‌ها رفته بودیم شناسایی، نزدیکی‌های ارتفاعات «کانی سخت». شناسایی مان طول کشید. نمی‌شد برگشت قرارگاه. رفتیم رسیدیم به محوطه‌ای که می‌شد تا صبح را آن جا گذراند. دو سه ساعت بیشتر تا اذان صبح باقی نمانده بود.

آن روزها بچه‌ها عادت داشتند نماز و نیایشهای خودشان را از هم مخفی نگه دارند. فقط کمی توانستم استراحت کنم، بلند شدم. چند متر آن طرفتر از من کسی داشت نماز شب می‌خواند.

[صفحه ۱۷۹]

بلند شدم رفتم طرفش، خیلی آهسته، شناختمش. حصاربی بود. فرمانده یکی از گردان‌های تیپ امام رضا علیه‌السلام. نخواستم مزاحمش شوم. تو عالم خودش بود. با صدای بلند گریه می‌کرد. بعد رفت به سجده. سجده‌اش آن قدر طولانی شد که با خودم گفتم شاید خوابش برده باشد. هوا سرد بود.

ترسیدم سرما بخورد. رفتم پتویی آوردم. نزدیکش شدم. فهمید. سر از سجده برداشت و نمازش را سلام داد. مرا دید.

گفت: اگر مزاحم شما شدم، معذرت می‌خواهم، نمی‌خواستم از خواب بیدارتان کنم.

فکر می‌کرد از صدای گریه‌های او بیدار شده‌ام. گفتم: معذرت برای چه؟ من خودم بیدار شدم.

و صورتش را بوسیدم. گونه‌هایش از تماس با سنگریزه‌های بیابان، زخمی شده بود.

اشک هنوز در نی‌نی چشم‌هایش می‌لرزید. محل سجده‌اش خیس از اشک‌های صورتش بود.

به دنبال فرصت مناسبی گشتم تا او آنجا نباشد.

در غیابش رفتم کمی از خاک محل سجده‌اش را ریختم توی دستمالی و با خودم آوردمش عقب برای تبرک.

«حصاری» در حصار این دنیا نماند و مفقودالآثر شد. [۱].

[صفحه ۱۸۰]

تسبیح در و دیوار همراه نماز شب ملا محمد کاشی

در شرح حال آخوند ملا محمد کاشی، استاد آقای نجفی قوچانی و حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی و بسیاری دیگر از اعظام، آورده‌اند: هر نیم شب نمازی چنان به سوز و گداز می‌خواند و بدنش به لرزه می‌افتاد که از بیرون حجره صدای حرکت استخوان‌هایش احساس

می‌شد! روزی پس از ختم درس، یکی از طلاب به درس آن بزرگوار آمد و گفت: آقا این شیخ می‌گوید که دیشب به وقت سحر دیدم که از در و دیوار مدرسه صدای «سبوح قدوس ربنا و رب الملائكة و الروح» بر می‌آید!
آخوند فرمود: اینکه در و دیوار به ذکر من متذکر می‌باشند، امری نیست. مهم آن است که او از کجا محرم راز گشته است. [۸].

[۸] تاریخ حکما و عرفای متأخر بر صدرالمآلهین، ص ۷۵.

صدائی برای سحرخیزی

مرحوم میرزا جواد آقای ملکی در کتاب «اسرار الصلوة» می‌فرماید: می‌شناسم کسانی از متهجیدین را که می‌شنیدند

[صفحه ۱۸۱]

صدای کسی را که صدایش می‌کرده. در آغاز شب زنده‌داری صدایش کرده و می‌گفت: آقا بلند شو، آن وقت او بلند می‌شد. [۸].

[۸] اخلاق و عرفان در وضو و نماز، ص ۱۸۰.

آرزوی مادر حضرت عیسی

حضرت عیسی با مادرش در بیابانها می‌گشت غالباً خوراکش سبزه‌های بیابان بود. در یکی از کوههای لبنان عبور می‌کرد مادرش را گذاشت و خودش برای تهیه توشه و افطار رفت. اجل حضرت مریم رسید. وقتی حضرت عیسی برگشت مادرش را افتاده دید. ابتدا خیال کرد خواب است بعد متوجه شد از دنیا رفته است. خیلی متأثر شد گریه‌ی زیادی کرد. در همان حال روح مادرش را دید. حضرت مریم فرزندش را تسلیت داد. حضرت عیسی پرسید: آیا آرزویی داری؟ حضرت مریم گفت: آری آرزویم این است که به دنیا برگردم و در تاریکی شب و در هوای سرد وضو گرفته و بر در خانه خدا بایستم و او را عبادت کنم و نماز بخوانم و در روزهای گرم روزه بگیرم. [۸].

[صفحه ۱۸۲]

[۸] داستانهای پراکنده از آثار شهید دستغیب، ج ۲، ص ۱۳۷.

نماز شب در سخت‌ترین حالت

مصائب عاشورا برای حضرت زینب علیهاالسلام بسیار سنگین بود ولی حضرت زینب علیهاالسلام همچون کوهی استوار در برابر مصائب ایستاد و خم به ابرو نیاورد!

به نگرهبانی اسیران پرداخت، به گرد آوردن زنان و کودکان پرداخت، به جمع‌آوری گمشدگان در بیابان پرداخت به پرستاری بیمار ناتوان پرداخت.

پس از آن که از این کارها فراغت یافت و از سلامت همه اطمینان حاصل کرد به عبادت پرداخت و نماز شب به جای آورد. آنقدر ناتوان و کوفته شده بود که نتوانست ایستاده بخواند، نماز شب را نشسته به جای آورد و با خدای خود به راز و نیاز پرداخت. [۱].

[۱] سیمای فرزندگان، ص ۲۱۸.

بانگ «الهی العفو»

یکی از اسراء که پایش قطع شده بود، نیمه‌های شب از خواب بیدار می‌شد، و بالشتی جلوی خود می‌گذاشت، و بعد مهر خود را روی آن قرار می‌داد، و به صورت نشسته مشغول خواندن نماز شب می‌شد، او مدت‌ها ذکر می‌گفت، و اشک مثل مروارید، از چشمانش

[صفحه ۱۸۳]

فرو می‌غلطید.

خدا گواه است، که نوای دلنشین «الهی العفو» چنین عزیزانی در نیمه‌های شب قلب هر انسانی را تکان می‌داد، و مانند صاعقه، شب تاریک و ظلمانی را می‌شکافت. [۱].

[۱] نماز در اسارت، ص ۱۰۸.

زیبایی شب زنده‌داران

در عیون اخبارالرضا آمده است که از امام رضا علیه‌السلام پرسیدند از چه رو شب زنده‌داران مؤمن خوش‌سیماتر از دیگرانند. فرمود: از آن رو که با خداوند خلوت همی‌کنند و خداوند نور خود برایشان همی‌افکند. [۱].

[۱] کشکول شیخ بهائی، ص ۵۳۷.

صدای مناجات نیمه شب

شهید محراب، ملا محمدتقی برغانی قزوینی می‌گوید:

روزی مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء وارد قزوین شد و در منزل یکی از بزرگان، رحل اقامت افکند. در آن منزل، باغی نیز وجود داشت. وقت خواب فرا رسید و همه خوابیدند و من هم در گوشه‌ی آن باغ خوابیدم. چون پاسی از شب گذشت، شنیدم شیخ مرا

[صفحه ۱۸۴]

صدا می‌زند و می‌گوید: برخیز و نماز شب به جای آور. عرض کردم؛ بلی برمی‌خیزم. شیخ رد شد و من دوباره خوابیدم. ناگهان صدایی به گوشم خورد، به دنبال آن روانه شدم وقتی به نزدیک جائی که سر و صدا می‌آمد رسیدم دیدم جناب شیخ به تضرع و گریستن و مناجات مشغول است و صدای ایشان چنان در من اثر گذاشته که از آن شب تاکنون که ۲۵ سال می‌گذرد هر شب بر می‌خیزم و به مناجات مشغول می‌شوم. [۱].

[صفحه ۱۸۷]

[۱] قصص العلماء، ص ۱۸۹.

نماز جمعه

انسان از طریق نماز جمعه ضمن بهره‌مندی از ثواب ارزنده‌ی آن، با مشکلات دنیای اسلام و جوامع بشری آشنا می‌شود و این رویکرد نماز همراه با بهره‌وریهای شایسته آن در حقیقت عالیتترین پاسخ به عالیتترین نیازهای انسان یعنی خداخواهی و اسلام‌خواهی و انسان دوستی می‌باشد. چرا که انسان از طریق نماز جمعه با سیاست روز دنیای اسلام و موضع‌گیریهای به حق جامعه اسلامی آشنا می‌گردد. نکته‌ی دیگر در مورد نماز جمعه که در مورد نماز جماعت هم مصداق دارد اینکه به طور طبیعی نوعی اعلام حضور مردم مسلمان و مؤمن جهت دفاع از ارزش‌های اسلامی می‌باشد چیزی که موجب ترس و هراس و ضعف روحیه‌ی دشمنان اسلام می‌گردد و در می‌یابند که به این مردم متعهد و اجتماع باشکوه نمی‌توان ضربه‌ای وارد کرد.

[صفحه ۱۸۸]

جایگاه نماز جمعه

زراره می‌گوید: امام صادق علیه‌السلام ما را آن قدر به نماز جمعه تشویق نمود که پنداشتم منظور آن حضرت این است که خدمت ایشان برسیم (و نماز جمعه را به امامتشان برپا داریم).

برداشت خود را به آن حضرت عرض کردم، امام علیه‌السلام فرمود:

خیر، همانا مقصود نمازی بود که خودتان دارید. [۸].

[۸] تهذیب، ج ۳ ص ۲۳۹.

ثواب حج و عمره

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

ان لکم فی کل جمعة حجة و عمره فالحجة الهجيرة الجمعة و العمرة انتظار العصر بعد الجمعة:

هر روز جمعه برای شما ثواب یک حج و یک عمره است، حج شما شتاب و مبادرت به نماز جمعه، و عمره‌ی شما انتظار اقامه‌ی نماز عصر پس از نماز جمعه است. [۸].

[۸] کنز العمال، ج ۷ ص ۷۲۷.

ضمانت بهشت

حضرت علی علیه السلام فرمود:

ضمنت لستة علی الله الجنة منهم رجل خرج الی

[صفحه ۱۸۹]

الجمعة فمات فله الجنة.

در محضر خداوند برای شش گروه ضمانت بهشت نموده‌ام، یکی از آنان کسی است که به قصد نماز جمعه از منزل خارج شده، سپس فوت نموده است. [۸].

[۸] وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۱.

عقوبت ترک نماز جمعه

امام صادق علیه السلام فرمود:

من ترک ثلاث جمع متعمداً من غیر علة طبع الله علی قلبه.

کسی که سه مرتبه عمداً و بدون جهت نماز جمعه را ترک کند، خداوند قلب او را مهر می‌زند. [۸].

[۱] میزان الحکمه، ج ۵، ص ۴۲۷.

رهایی از آتش

امام صادق علیه السلام فرمود:

ما من قدم سعت الی الجمعة الا حرم الله جسدها علی النار.

[صفحه ۱۹۰]

قدمی نیست که به سوی نماز جمعه برداشته شود، مگر آن که خداوند پیکر او را بر آتش دوزخ حرام می‌فرماید. [۱].

[۱] وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۷۰.

برتر از تجارت

امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش نقل می‌کند: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله ایستاده و خطبه می‌خواند، در مدینه بازاری بود که به آن بازار «بطحاء» می‌گفتند و قبیله‌ی بنی سلمی روز جمعه به آن بازار برده، اسب و گوسفند می‌آوردند، و انصار نیز برای تبلیغ کالا، ساز و دهل می‌نواختند، نمازگزاران چون آن صدا را شنیدند، به سوی بنی سلیم شتافته و پیامبر را (در حال خطبه خواندن) رها نمودند، خداوند به خاطر این کار، آنان را سرزنش نمود و در این رابطه این آیه را نازل فرمود:

هنگامی که تجارت یا لهوی را ببینند و بشنوند، به سوی آن رفته و تو را (در حال خطبه خواندن) ایستاده رها می‌نمایند، بگو: «آنچه نزد خداست، بهتر از تجارت و لهو می‌باشد، و خداوند بهترین روزی دهندگان است. [۱].

[صفحه ۱۹۱]

[۱] مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۲۴.

عقوبت فرار از نماز جمعه

در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مسلمانان کمی در تهی دستی و فقر بودند و گرسنگی و کمبود مواد غذایی فشاری بر مردم وارد کرده بود، و از طرفی بعضی وقتها کاروانهای غذا با سر و صدای زیاد و طبل و غیره به مدینه می‌آمدند تا اینکه روز جمعه‌ای بود و مسلمانان برای نماز جمعه پشت رسول اکرم صلی الله علیه و آله جمع بودند و پیامبر صلی الله علیه و آله مشغول ایراد خطبه‌های نماز

جمعه شد ناگهان خبر آمد که یک قافله تجارتي به مدینه آمده است و سر و صدای زیادی از بیرون شنیده می‌شد، مسلمانان برای تهیهی طعام از مسجد بیرون آمدند و تنها چند نفر با پیامبر صلی الله علیه و آله ماندند، مسلمانان فکر می‌کردند که اگر دیر بجنبند، دیگران طعام را تمام کرده و برای آنها چیزی باقی نمی‌ماند، به همین خاطر نماز را ترک نموده و به سوی کاروان تجارتي رفتند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: سوگند به خدائی که جانم در دست اوست اگر شما چند نفر هم از مسجد بیرون می‌رفتید و کسی در مسجد نمی‌ماند آتش و عذاب الهی سراسر اینجا را فرا می‌گرفت و همهی شما را از بین می‌برد.

[صفحه ۱۹۲]

نماز جمعه در بیت‌المعمور

ابن عباس می‌گوید: هنگامی که روز جمعه فرا رسد. خدای تعالی امر می‌فرماید تا منبری در بیت‌المعمور نصب شود و فرشتگان اطراف آن گرد آیند و جبرئیل اذان گوید و میکائیل امامت کند و ملائکه پشت سر او نماز گزارند، و چون فارغ شوند، جبرئیل گوید: خداوندا ثواب این اذان را به امت محمد صلی الله علیه و آله هدیه نمودم. و میکائیل گوید: ثواب این نماز (جمعه) را به نمازگزاران امت محمد صلی الله علیه و آله هبه نمودیم، و خداوند می‌گوید: شما بر خلق من جود و کرم نمودید و من به جود و کرم سزاوارترم، شما را گواه می‌گیرم که گناهان امت محمد صلی الله علیه و آله را بخشیدم، آنگاه تا جمعه‌ی دیگر پراکنده می‌شوند. [۱].

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

[۱] مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۶۱.